



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و مشاوره آموزشی

۳

رشد

# معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجویان معلمان،  
استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره سی و نهم - ۱۳۹۹  
شماره پیدرپی ۳۳۳۳ - ۴۸ صفحه - ۳۵۰۰۰ ریال



رمزینه‌ها  
در کلاس



معلمان  
شاد



شهر بدون  
کرونا

ISSN 1419-9129  
www.mestmag.ir



معلم  
تحول‌گرا



# روش‌د

«اپلیکیشن مجلات  
رشد راه اندازی شد»

## امکانات اصلی برنامه

- «دسترسی به آخرین مجلات منتشر شده
- مشاهده آرشیو هر مجله به صورت دسته بندی شده
- مشاهده مشخصات هر مجله (فهرست مطالب، پدیدآورندگان و ...)
- دانلود رایگان مجله جهت مطالعه آفلاین درون برنامه (بدون نیاز به اینترنت)
- نشان کردن مجلات برای سرزدن یا دانلود در آینده
- ارسال نوتیفیکیشن در زمان بارگذاری مجله جدید
- نظرات کاربران



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیرمسئول: محمدابراهیم محمدی

سردبیر: دکتر عظیم محبی

اعضای شورای برنامه‌ریزی:

احمد اسمعیلی

اکبر شیرزادی

اشرف فاطمی

مدیر داخلی: شهلا فهیمی

ویراستار: کبری محمودی

مدیر هنری: کوروش پارسائزاد

طراح گرافیک: سیدجعفر ذهنی

دبیر عکس: پرویز قراگوزلی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰

roshdmag:

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: moallem@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳

چاپ و توزیع: شرکت افست

عکاس جلد: مرتضی رفیع‌خواه

- معلم تحول‌گرا / دکتر عظیم محبی ۲
- رمزینها در کلاس / محمدحسین دیزجی ۴
- می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست / دکتر نرگس سجادیه ۶
- معلم و برنامه‌درسی / دکتر عظیم محبی ۸
- گرم کردن ذهن / امیر ذوقی ۱۰
- این چتر ماست / روح اله رضاعلی ۱۲
- مگر خواب بودی؟ / الهه فرخی فرخانی ۱۴
- مدرسه واقعی در دنیای مجازی / ام لیلا صمدی ۱۷
- کاربزمای معلمی / محمدرضا توحیدی ۲۰
- فکر کردن درباره فکر کردن / علی لطیفی ۲۲
- معلمان شاد / مونس پارکی ۲۴
- درست یا نادرست / دکتر حسن نادعلی پور ۲۶
- شهر بدون کرونا / سمیرا احمدی مقدم ۲۹
- فاصله مثبت / میلاد اردهالی ۳۲
- انباری آسمانی! / حسین رسیان ۳۴
- آرامش با من / دکتر کیومرث فرح‌بخش ۳۷
- ایده‌ها سبز می‌شوند! / حسین حسینی‌نژاد ۴۰
- شهر مدرسه / مصطفی سهرابلو ۴۲
- سنجش در آموزش‌های غیر حضوری / ملیحه اصغری ۴۴
- معرفی کتاب / ۴۷

### قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



# معلم تحول‌گرا

دکتر عظیم محبی

● راهنما و راهبرد فرایند یاددهی- یادگیری هستند.

● برای خلق فرصت‌های تربیتی، مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی را بر عهده دارند.

● یادگیرنده و پژوهشگر هستند.

در نظام آموزش و پرورش، برای تحقق چرخش‌های تحولی، باید اقداماتی، با تأکید بر ویژگی‌های ذکر شده، صورت گیرند؛ از جمله:

- جذب و تربیت معلم در تراز سند تحول، از سوی دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی؛

- آموزش و توسعه مداوم شایستگی‌های معلمان،

از سوی مرکز نیروی انسانی وزارت متبوع؛

- سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و ارائه

گواهی صلاحیت حرفه‌ای به آنان؛

- کاهش تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی و

مشارکت معلمان در طراحی و تدوین برنامه‌های

درسی؛

- حل مشکلات انگیزشی و رفاهی فرهنگیان

در این میان، ظرفیت مجلات رشد از جمله مجله

رشد معلم نیز می‌تواند در این تحول نقش آفرین باشد.

لذا با تحلیل نقش‌ها و ویژگی‌های ذکر شده، اهداف

تحول در آموزش و پرورش نیازمند تغییر

نقش معلمان است. برخی از این تغییر نقش‌ها در

قالب چرخش‌های تحولی در مبانی نظری سند

تحول (ص ۴۸۷) به صورت زیر بیان شده‌اند:

۱. از معلم به‌عنوان انتقال‌دهنده صرف دانش،

به معلم به‌عنوان مربی، اسوه و سازمان‌دهنده

فرصت‌های متنوع تربیتی؛

۲. از معلم به‌عنوان مجری تصمیمات برنامه

درسی، به معلم به‌عنوان تصمیم‌ساز در فرایند

برنامه درسی؛

۳. از معلم به‌عنوان کارمندی اداری، به معلم

به‌عنوان شخصیتی علمی و تربیتی.

بر اساس چرخش‌های تحولی فوق، ویژگی‌هایی

در سند برنامه درسی ملی (ص ۱۲) برای معلمان

ذکر شده‌اند:

● در مسیر انبیا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

اسوه‌هایی امین و بصیر برای دانش‌آموزان هستند.

● با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی

دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی، زمینه

درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم

می‌آورند.

● زمینه‌ساز رشد عقلی، ایمانی، علمی، عملی و

اخلاقی دانش‌آموزان هستند.





و راهبردهای کلان این مجله تبیین شده‌است تا زمینه گفت‌وگو برای معلمان، مربیان، مشاوران و مدیران مدرسه‌ها و صاحب‌نظران عرصهٔ تعلیم و تربیت فراهم شود و با ارسال مطالب کاربردی در قالب‌هایی چون روایت پژوهی، تجربه‌نگاری، درس‌کاوی و درس‌پژوهی، ما را در غنی‌سازی این مجله یاری دهند.

### اهداف مجلهٔ رشد معلم

- تقویت و توسعهٔ شایستگی‌های تخصصی و حرفه‌ای معلمان و مربیان؛
- تقویت و توسعهٔ شایستگی‌های مربوط به منش و هویت معلمی؛
- تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت معلمان در نظام برنامه‌ریزی درسی؛
- زمینه‌سازی برای کاربست نظرات کارشناسی معلمان، مربیان و صاحب‌نظران در اصلاح برنامه‌های مربوط به زیرنظام‌های سند تحول.

### زمینه‌ها و موضوعات پیشنهادی

- تکنیک‌ها و روش‌های نو در تدریس و ارزشیابی در بستر فضای مجازی (شبکهٔ شاد،

معرفی نرم‌افزار و...)

- اشاعهٔ مفاد اسناد تحولی در فرایند یاددهی- یادگیری (رویکرد فطرت‌گرایی و ...)
- نوآوری در روش‌های تدریس با رویکرد موقعیت‌محور و تلفیقی
- ارزشیابی فرایندی و عملکردی
- انواع مهارت‌های معلمی
- منش و هویت معلمی
- چگونگی برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه (بوم)
- احیای معلم در نقش مشاور
- ویژگی‌های معلم در تراز سند تحول بینادین آموزش و پرورش
- چالش‌های حوزهٔ فعالیت معلمان
- کاربست بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ... در آموزش و پرورش
- گزارش از معلمان خلاق و پیش‌کسوت
- نقد و تحلیل کتاب‌های درسی
- تحلیل میزان و کیفیت تحقق شایستگی‌ها در دانش‌آموزان
- تحلیل ویژگی‌های نسل جدید



گفت‌وگو با حامد نیک‌پی، معلمی که با کیو آرکد تدریس را تسهیل می‌کند

## رمزینه‌ها در کلاس

محمدحسین دیزجی - عکاس: هادی خسروی

این دغدغه و نگرانی را همیشه داشت که شلوغی کلاس‌ها و برخی مشکلات محیطی باعث می‌شود دانش‌آموزان نتوانند به درستی مباحث درسی را درک کنند. بحث کرونا و آموزش مجازی هم که پیش آمد، این دغدغه دوجندان شد. بنابراین، به فکر ارائه‌ی طرحی افتاد تا بتواند مشکلات بچه‌ها را در یادگیری به حداقل برساند. اینجا بود که طرح رمزینه‌ی پاسخ سریع (کیو آرکد) را نوشت، برای آن برنامه‌ریزی کرد و از جمع زیادی از همکارانش نیز کمک گرفت. با این روش، بچه‌ها می‌توانند تدریس معلم و آزمایش‌های کتاب را به صورت فیلم ببینند. خودش می‌گوید، هم‌زمان در دو دبیرستان در شهرستان محمودآباد استان مازندران تدریس می‌کند. مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته ریاضی در ایران گرفته و فوق دکترای خود را از دانشگاه مونستر در آلمان دریافت کرده است. علاوه بر رشته ریاضی در رشته علوم سیاسی نیز تا مرحله فوق لیسانس درس خوانده است. گفت‌وگو با حامد نیک‌پی پیش روی شماست.

مشاهده کنند. این طرح کمک بسیار زیادی به دانش‌آموزان خواهد کرد تا مباحث درسی را به درست‌ترین شکل ممکن یاد بگیرند.

**در حال حاضر چه تعداد از کتاب‌های درسی دوره‌های گوناگون را با کمک این طرح پوشش داده‌اید؟**

در این طرح، از پایه اول ابتدایی تا کلاس دوازدهم، در تمامی پایه‌ها تلاش کرده‌ایم فیلم‌های آموزشی درس‌ها یا صفحات مدنظر را آماده کنیم و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم. با توجه به حجم گسترده این طرح و هماهنگی با معلمان در راستای تولید محتوا، توانستیم در بعضی از پایه‌ها حدود ۶۰ درصد مباحث درسی را پوشش دهیم.

به آنان یاد بدهند. از طرف دیگر، خیلی از دانش‌آموزان توان رفتن به کلاس‌های خصوصی را نیز ندارند. تمام این مشکلات باعث می‌شد دانش‌آموزان در فهم مباحث درسی دچار مشکل شوند و حتی از آموزش دور بمانند.

بنده برای حل این مشکل این ایده را در ذهن داشتم که می‌توان برای هر یک از مباحث درسی فیلم آموزشی تهیه کرد و آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار داد. از طرف دیگر، برای سهولت در کار و اینکه دانش‌آموزان به استفاده از این فیلم‌های آموزشی راغب باشند، فکر ایجاد رمزینه‌های پاسخ سریع در داخل کتاب‌ها در ذهنم به وجود آمد تا دانش‌آموزان با انجام این طرح بتوانند هر زمان که نیاز دارند، به راحتی فیلم‌های آموزشی مبحث مربوطه را

**چطور شد به فکر ارائه این طرح افتادید و چه مدت روی آن کار کردید؟ برای ما توضیح دهید که اصلاً این طرح چه کاربردی دارد؟**

بنده از سال‌های پیش در راستای تحول در نظام آموزشی ایران، در تلاش بودم با ارائه رویکردهای جدید در حیطه آموزش، بتوانم گامی هر چند کوچک در ارتقای نظام آموزشی ایران بردارم. خوشبختانه بنده در دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم معلم بوده‌ام و در پی تدریس به دانش‌آموزان متوجه شده بودم که بعضی دانش‌آموزان با توجه به شلوغی کلاس و مشکلات محیطی، مباحث درسی را خوب متوجه نمی‌شوند و شاید افراد تحصیل کرده نیز در خانواده آنان نباشند تا بتوانند مباحث درسی را

## ● این طرح در حوزه یادگیری چه مزیتی برای مخاطبان دانش آموز دارد؟

در این طرح تلاش کرده‌ایم از فیلم‌های آموزشی معلمان زنده استفاده کنیم تا مفاهیم درسی به‌درستی به دانش‌آموزان آموزش داده شوند. اگر دانش‌آموزان سر کلاس مفاهیم را به هر دلیلی متوجه نشوند، فقط کافی است با اسکنر موبایل خود، روی هر یک از رمزیندهای پاسخ سریع کلیک کنند تا بتوانند فیلم آموزشی مربوطه را ببینند. به‌طور حتم این فیلم‌ها در یادگیری آن‌ها تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت. معلمان نیز می‌توانند در روز قبل از تدریس از دانش‌آموزان بخواهند فیلم مربوطه را با استفاده از رمزیندهای پاسخ سریع مشاهده کنند. این کار، یادگیری و درک مفاهیم درسی را، به‌خصوص بعد از توضیحات معلم در فرمای آن روز، افزایش می‌دهد. با انجام این طرح در کشور، میزان فراگیری دانش‌آموزان به‌مراتب بهتر خواهد شد و شاید کمتر به کلاس‌های خصوصی نیاز پیدا کنند. از طرف دیگر، ممکن است بعضی از مدرسه‌ها تجهیزات کافی را برای انجام آزمایش در درس‌های علوم، شیمی، فیزیک و غیره نداشته باشند. در این صورت، با انجام آن آزمایش‌ها و درج رمزیندهای پاسخ سریع هر یک از فیلم‌ها و توضیحی در صفحات مربوطه، دانش‌آموزان به‌راحتی و به‌صورت دقیق می‌توانند مفاهیم مربوط را بیاموزند.

## ● از سوابق این طرح در ایران و احیاناً در جاهای دیگر برای ما بگوئید.

○ بنده این طرح را در دی‌ماه سال ۱۳۹۸ برای وزارت آموزش و پرورش فرستاده بودم. طرح من مهر امسال در محمودآباد اجرا شد.

## ● این طرح در حال حاضر در کجاها جنبه عملی و اجرایی پیدا کرده است و تاکنون چه بازخوردهایی به شما رسیده است؟

با توجه به تغییر شرایط آموزشی کشور در پی شیوع ویروس کرونا و نیز پیش‌بینی مشکلاتی که آموزش کشور را تهدید می‌کند، بنده با آموزش و پرورش محمودآباد و اداره کل آموزش و پرورش مازندران رایزنی کردم تا این طرح را در کشور و به‌صورت پایلوت در محمودآباد مازندران انجام دهیم. به لطف خداوند متعال در مهر ماه امسال در مدرسه شهید چمران روستای خشت‌سر محمودآباد طرح را اجرا کردیم.

به محض اطلاع‌رسانی و بعد از افتتاح این طرح، دیگر شهرهای استان و دیگر استان‌ها نیز استفاده از رمزیندهای پاسخ سریع را درخواست کردند. فایل‌های پی‌دی‌اف مربوط به رمزیندهای پاسخ سریع هر یک از پایه‌ها به‌صورت رایگان به سراسر کشور فرستاده شدند تا دانش‌آموزان ایران زمین از آن‌ها استفاده کنند. با توجه به شرایط کنونی که دانش‌آموزان کمتر در کلاس حضور دارند و خانواده‌ها هم ممکن است توانایی یاددهی مباحث درسی را به دانش‌آموزان خود نداشته باشند، این طرح به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان کمک شایانی کرده است. چه بسیار کسانی که از این طرح استفاده می‌کنند و خواهان اجرای فاز دوم طرح برای

ایجاد مباحث رمزیندهای پاسخ سریع باقی‌مانده‌اند.

## ● برای آینده این طرح چه برنامه‌های دارید و چه هدفی را دنبال می‌کنید؟

در مورد این طرح با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین معاونت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش رایزنی‌هایی صورت گرفت. در وهله اول از آن استقبال کردند و مقرر شد برای سال آینده، فیلم تمامی مباحث درسی آماده و در سامانه آموزش و پرورش بارگذاری شود. لینک هر یک از فیلم‌ها هم به‌صورت رمزیندهای پاسخ سریع در صفحه‌های کتاب‌ها چاپ شود. همچنین، این ایده را نیز به آن عزیزان ارائه کردم تا اسکنر در نرم‌افزار شاد هم ایجاد شود تا دانش‌آموزان با اسکن هر یک از رمزیندهای داخل کتاب، به‌راحتی بتوانند فیلم‌های آموزشی را از داخل نرم‌افزار مشاهده کنند.

## ● چه کسانی در این طرح به شما کمک کردند و در چه بخش‌هایی این کمک انجام شده است؟

تشکر می‌کنم از معاون متوسطه اداره کل آموزش و پرورش مازندران که با حمایت‌های تمام‌وقت ایشان مجوزهای لازم برای اجرای این طرح اخذ شد. همچنین، تشکر می‌کنم از آقایان ری، راری و خانم باسی از آموزش و پرورش محمودآباد که در اجرایی شدن این طرح بسیار تلاش کردند. همچنین، روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش مازندران که سامانه mazandmohtava.ir را ایجاد کردند که با بارگذاری فیلم‌های آموزشی در آن سامانه، رمزیندهای هر یک فیلم‌ها تولید شد.

در راستای اجرایی شدن این طرح، معلمان از شهرهای محمودآباد، آمل، بابل‌سر، قائم‌شهر، ساری، بهشهر، سوادکوه، گرگان، بندر گز، بندر ترکمن، گنبد، تهران و شیراز همکاری کردند. در اینجا وظیفه خود می‌دانم از تمامی آن‌ها که در راستای ارتقای سیستم آموزشی ایران، بی‌هیچ منتی به این طرح ورود کرده و با ما همکاری کردند، تشکر کنم.





# می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست

© دکتر نرگس سجادیه، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران / تصویر ساز: سید میثم موسوی

◀ در این صفحه، از علی محسنی، دانش‌آموز کلاس دهمی، می‌نویسیم. قرار بود با روزنوشته‌هایش همراه شویم و بتوانیم خودمان و نوجوانانمان را در آینده نوشته‌های او بنگریم. در تار و پود وقایع روزمره علی محسنی، از عاملیت می‌گفتیم؛ از شخصیت مستقل و فهمی که به تدریج باید دانش‌آموز بیابد و برای زندگی واقعی آماده شود. این بار او از مواجهه‌اش با گوشی موبایل می‌گوید؛ از موضعی که احساس می‌کند در مقابل آن تسلیم محض شده و سحر می‌شود. با داستان او همراه شویم:

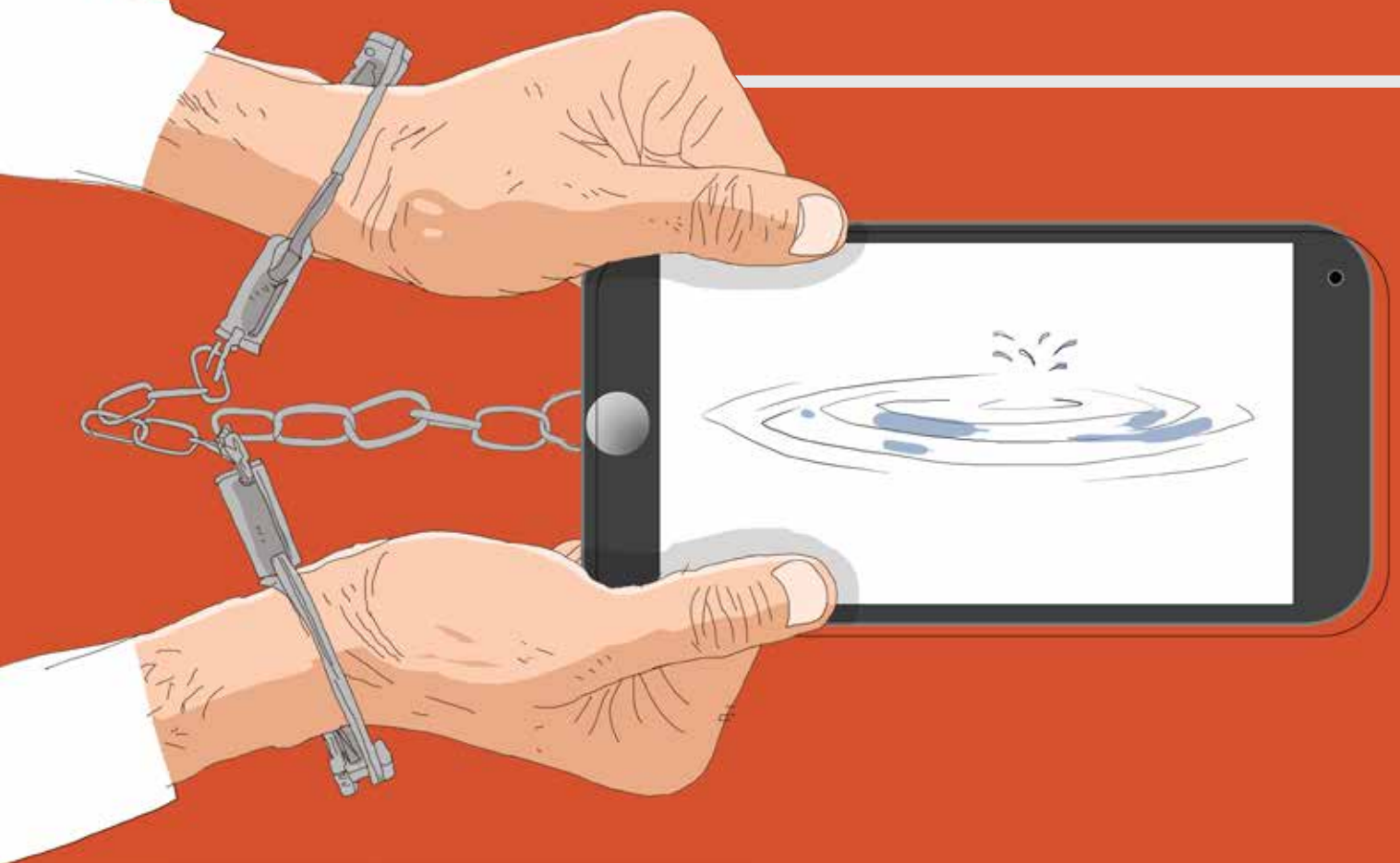
داشتم با فرمول سرعت کلنجار می‌رفتم. دل و حوصله‌ای برایم باقی نمانده بود. خشم داشتم. یعنی اختیار یک گوشی را هم نباید خودم می‌داشتم؟! با بابا یک بحث لفظی جدی کرده بودم! توهین نکرده بودم، اما سرم را زیر انداخته بودم و با صدای خش‌دار بلند، بعضی حرف‌های انباشته تو دلم را گفته بودم و بعد هم در را محکم بسته بودم و چمباتمه زده بودم کنار اتاق و دفتر فیزیک را روبه‌رویم باز کرده بودم. هنوز آخرین تشر بابا در

ذهنم طنین می‌انداخت: «فکر می‌کند صدایش کلفت شده، کسی شده برای خودش! کاش عقلم هم اندازه صدایت بزرگ شده بود. بچه! این گوشی تو را از کار و زندگی می‌اندازد! می‌فهمی؟ تو را از کار و زندگی می‌اندازد! من نمی‌گذارم همش مثل معتادا، معطل گوشی و اینترنتش باشی! فهمیدی؟ نمی‌گذارم!» آن نمی‌گذارم آخرش، خیلی بدچسب و سخت بود! یعنی اصلاً انتظارش را نداشتم! این حد از احساسی قدرت و زورگویی، واقعاً نوبره! مثلاً هم آقا فرهنگی هستند! بیچاره شاگردهای بابا! هنوز فرمول‌های سرعت اولیه و ثانویه جلوی چشمم رژه می‌رفتند، اما جان نمی‌گرفتند. انگار «خلع‌ید» شده بودم! خلع‌ید را هفته پیش آقای محمدی سر کلاس گفت. یعنی دستم از گوشیم کوتاه شده بود. اما آن گوشی مال من بود. اختیارش دست من بود. من ۱۶ سالم است! می‌خواهم خودم برای خودم تصمیم بگیرم. اصلاً می‌خواهم زندگی‌ام را نابود کنم با گوشی و اینترنت! می‌خواهم خودم و زندگی‌ام را نابود کنم!

به کسی چه ربطی دارد؟ همین‌طور که این جملات با طنین خشم و اعتراض از ذهنم می‌گذشتند، دوباره با خودم، با لحنی پرسشی، تکرارشان کردم: واقعاً می‌خواهم زندگی‌ام را نابود کنم با گوشی و اینترنت؟ می‌خواهم خودم و زندگی‌ام را نابود کنم؟ آن شب در چهار ساعت بیداری در کنج اتاق و روبه‌روی دفتر فیزیک، حتی یک مسئله فیزیک هم حل نشد! حتی یکی!

صبح روز بعد داشتم با سری به زیر و اخمی در هم کشیده و احساسی شکننده و بی‌صحنه و فرزند، از در راهرو می‌زدم بیرون که بابا صدایم کرد: «علی آقا سلام. صبر کن!» می‌خواستم به رو نیارم. می‌خواستم نشنیده بگیرم و بزنم بیرون، اما لحنش در عین جدیت، مهربان بود و راستش چشمم افتاد توی چشمش و شرم نگذاشت همه آن نقشه‌ها عملی شوند! سلامی سربه‌زیر گفتم و ایستادم، خیره به زمین. بابا از سر سفره پا شد. آمد جلوی رویم ایستاد. گوشی را داد دستم؛ گوشی‌ات





جا نماند!

گوشی را گرفتم. بغضی دوید ته گلویم و تا اشک‌هایم نریزد، سریع خداحافظی دست و پاشکسته‌ای کردم و دویدم توی حیاط و زدم به کوچه!

توی راه، گوشی را در آوردم و نگاهش کردم. بابا گوشی را زده بود به شارژ. باتری‌اش پر بود. آن را گذاشتم توی جیبم. می‌خواستم واتساپم را چک کنم! یک لحظه به خودم گفتم، واقعا می‌توانی نبینی؟ تا مدرسه با خودم در حال کلنجار بودم! در مدرسه هم آقای حسینی را از دور دیدم که دارد وارد مدرسه می‌شود. دویدم تا برسم به او. نفس‌نفس‌زنان گفتم: آقا سلام!

- سلام آقای محسنی! چقدر عجله داری صبح اول وقتی!

- آقا تورو خدا این گوشی را بگیرد از من تا بعدا فعلا درگیرشم!

گوشی را دادم و برای در رفتن از زیر پرسش‌های بعدش، زود خداحافظی کردم و دویدم به سمت صف کلاس.

تا ظهر، همین‌طور ذهنم مشغول جملات تبادل شده در دعوی دیشب

بود. زنگ نهار و نماز، صبوری پرسید: «محسنی! چقدر امروز تو خودتی؟ اتفاقی افتاده؟»

برایش داستان موبایل را گفتم و عادت‌ی که نمی‌توانم کنارش بگذارم. به او گفتم: بعضی وقت‌ها خودمم از دست خودم عاصی می‌شوم. اما واقعا انگار کنترل دست خودم نیست. دیشب بابا وقتی دیده بود نیم ساعته که حرف‌هایش را درست و حسابی نمی‌شنوم و کارهایی را که به من گفته درست متوجه نشده و انجام نداده‌ام، حسابی عاصی شد. گفته بود پرو زهرا را از کلاس بیاور و من ظاهرا باشه‌ای گفته بودم! اما واقعا یادم نبود! یادم نبود گفته‌ام باشه! فکر کن! یعنی مثل آن‌هایی که در خواب راه می‌روند و حرف می‌زنند و خودشان هم نمی‌فهمند! بعدش هم که او معطل و من بی‌خبر و بابا عصبانی و ... خلاصه که جنگ جهانی شد! امروز بابا گوشی‌ام را پس داد، اما واقعا دارم با خودم فکر می‌کنم من چرا اینجوری شده‌ام! انگار سحر می‌شوم وقتی گوشی را در دست می‌گیرم!

پرسید: «حالا این ابزار سحر کجاست؟»

گفتم: «دادمش به آقای حسینی! پیشم نباشد بهتر است!»

گفتم: «چه جالب!»

گفتم: «جالب بودنی در کار نیست. خیلی ضعیف شده‌ام صبوری! خیلی! من آدم باراده‌ای بودم. گاهی شب امتحان تا صبح بیدار می‌ماندم، اما نمی‌دانم الان چه شده که نمی‌توانم نیم‌ساعت خودم را کنترل کنم که نروم سراغ گوشی!»

گفتم: «ولی واقعا فکر جالبی به ذهنت رسیده! به نظرم همین که داری از راه دور خودت را کنترل می‌کنی هم گام خوبی است. ریموت کنترل داری داداش؟!»

رفتم پیش آقای حسینی. موبایلم را از او گرفتم. توی واتساپ به بابا پیام دادم: «سلام. در مورد اثر موبایل روی زندگی‌ام و کنترل نکردنم، حق با شما بود. فعلا نمی‌توانم کنترل زیادی داشته باشم! برای همین، گوشی را می‌گذارم پیش آقای حسینی. نان می‌خرم سر راه. خدا نگهدار.»



# معلم و برنامهٔ درسی

دکتر عظیم محبی / عکاس: اعظم لاریجانی

← برنامهٔ درسی یکی از مهم‌ترین زیرنظام‌های آموزش و پرورش تلقی می‌شود. این زیرنظام حدود ۶۰ راهکار سند تحول را پوشش می‌دهد. در عین حال، سند ویژه‌ای با عنوان سند برنامهٔ درسی ملی، اصول، اهداف، رویکرد برنامه‌های درسی (و تربیتی) را مشخص کرده است. بر اساس مفاد این دو سند، در نظام برنامه‌ریزی درسی کشور باید دو راهکار مهم مدنظر باشد:

۱. بازنگری در برنامه‌های درسی فعلی بر اساس رویکردها فطرت‌گرایی توحیدی (به‌عنوان چتر حاکم) و رویکردهای موقعیت محور، مسئله‌محور، تلفیقی و ...
۲. بهره‌گیری از دو سیاست کاهش تمرکز و مشارکت‌محوری (برون‌سپاری و ...) در طراحی و تولید برنامه‌های درسی. در اجرای راهکار اول، تدوین راهنمای برنامهٔ درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری در دستور کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار گرفته است. برای راهکار دوم، نظام‌نامهٔ مشارکت بخش‌های غیردولتی در راستای راهکار ۳-۹ در حال تدوین است. در عین حال، برای اجرای سیاست کاهش تمرکز در نظام برنامهٔ درسی بر اساس راهکار ۵-۵ و بند ۲-۱۳ سند برنامهٔ درسی ملی، به‌عنوان فاز یک، از سال ۹۷ شیوه‌نامه‌ای با عنوان برنامهٔ ویژهٔ مدرسه برای مدرسه‌های دورهٔ متوسطهٔ اول و دورهٔ دوم ابتدایی ارسال شده است. این مدرسه‌ها با مدیریت زمان آموزش اختیار دارند تا ۶۰ ساعت در سال، برنامهٔ درسی را تولید، اجرا و ارزشیابی کنند. این شیوه‌نامه در عمل با مشکلاتی روبه‌روست که قرار است مشکلات آن در قالب طرح اجرایی رفع شود. در عین حال، به دیگر دوره‌های تحصیلی نیز پوشش داده شود. یکی از ملاحظات مهم در اجرای سیاست کاهش تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی و پررنگ شدن نقش معلمان در جریان برنامهٔ درسی غیرتجویزی، آشنایی آنان با چارچوب برنامه‌ریزی درسی است. این چارچوب در شماره‌های بعدی مجله تبیین می‌شود. در این شماره وضعیت فعلی مشارکت معلمان در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مطرح می‌شود.



## تحلیل وضعیت موجود مشارکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی

### ۱. مشارکت معلمان در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی

تعدادی از معلمان مجرب در شورای هر یک از برنامه‌های درسی (کتاب‌های درسی) عضویت دارند و به‌عنوان نماینده معلمان تلاش می‌کنند دیدگاه‌های معلمان را در خصوص ابعاد برنامه‌ریزی درسی مربوطه بیان کنند. البته باید اذعان داشت، مشارکت معلمان در این فرایند مطلوب نیست. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در فرایند راهنمای حوزه‌های تربیت و یادگیری در تلاش است این مشکل را اصلاح کند.

### ۲. مشارکت معلمان در اعتبارسنجی

قبل از سال ۹۰ اعتبارسنجی (یا اعتباربخشی) برنامه‌های درسی در فرایندی سه‌ساله دنبال می‌شد. یعنی برنامه در سال اول تنها در ده درصد از مدرسه‌ها اجرا و با نظر معلمان ضعف‌ها برطرف می‌شد. در سال دوم در ۵۰ درصد مدرسه‌ها و در سال سوم در صد درصد مدرسه‌ها اجرا می‌شد. در این سه سال همه معلمان آموزش‌های لازم را می‌دیدند.

اما از سال ۹۰، براساس ساختار آموزشی جدید، کتاب‌های درسی در فرایندی شش‌ساله تغییر یافتند. لذا فرصت لازم برای اعتبارسنجی به شکل مطلوب فراهم نشد و معلمان هم در حد مطلوب آموزش‌های لازم را ندیدند. لذا معلمان نسبت به بعضی از کتاب‌ها، از نظر حجم و دیگر شاخص‌ها، اشکالاتی را مطرح می‌کنند.

### ۳. مشارکت معلمان در تأمین

#### مدرس کشوری

براساس روال فعلی، پس از تدوین برنامه‌های درسی، از بین معلمان مجرب، تعدادی به‌عنوان مدرس کشوری انتخاب می‌شوند تا با گذراندن دوره تأمین مدرس کشوری و تدریس برای معلمان،

زمینه مشارکت معلمان را در اجرای بهتر برنامه‌های درسی فراهم آورند.

### ۴. مشارکت معلمان در اجرای

#### مطلوب در کلاس درس

معلمان باید با طراحی آموزشی، فرصت‌های یادگیری را برای دانش‌آموزان فراهم کنند. بنابراین، فرایند اجرا کاملاً در اختیار معلمان است. آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌ها و سنجش مبتنی بر ارائه، یادگیری را امکان‌پذیر کنند. در عین حال می‌توانند اشکالات کتاب‌ها را هم به سایت دفاتر تألیف ارسال کنند.

### ۵. مشارکت معلمان در گروه‌های

#### آموزشی

براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، تعدادی از معلمان هر رشته یا درس به‌عنوان سرگروه درسی در استان و مناطق انتخاب می‌شوند تا در طول سال، با نظارت بر عملکرد معلمان، زمینه اجرای موفق رویکرد برنامه‌های درسی را فراهم کنند. در سال‌های اخیر، سرگروه‌های درسی (گروه‌های آموزشی) این نقش را با دو راهبرد ایفا کرده‌اند:

۱. توانمندسازی با رویکرد درس پژوهی؛
۲. نظارت با رویکرد بالینی.

### ۶. مشارکت معلمان در

#### جشنواره‌های تدریس (یا

#### نوآوری‌های آموزشی)

این فعالیت هم‌برای معلمان شرکت‌کننده و سپس اشاعه دستاوردهای جشنواره برای دیگر معلمان بسیار اثربخش خواهد بود. در این فرایند ضمن داوری طرح درس‌ها و نحوه اجرای آن‌ها، به کیفیت اجرای برنامه درسی کمک می‌شود. در عین حال، با ارائه گزارش‌های آن به سازمان پژوهش، زمینه کاربست یافته‌های آن در اصلاح کتاب‌های درسی فراهم می‌شود.

### ۷. مشارکت معلمان در اجرای

#### جشنواره‌های دانش‌آموزی

یکی از فعالیت‌های بسیار مؤثر در تعمیق و بسط یادگیری دانش‌آموز، جشنواره‌های

دانش‌آموزی هستند که دفترهای ستادی آن‌ها را مدیریت می‌کنند. معلمان با توجه به رشته خود، دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کنند. سپس در فرایند داوری نقش ایفا می‌کنند و از این طریق امکان تحقق اهداف همه‌جانبه در برنامه‌های درسی را فراهم می‌آورند.

### ۸. مشارکت معلمان در آماده‌سازی

#### دانش‌جوامعلمان در اجرای برنامه‌های

#### درسی

یکی از واحدهای دانش‌جوامعلمان درس کارورزی است که باید این کار را در مدرسه تحت نظر معلمان دنبال کنند. لذا معلمان با ارائه تجربه خود به دانش‌جوامعلمان، زمینه اجرای برنامه‌های درسی را فراهم می‌آورند.

### ۹. مشارکت در برنامه‌ریزی مدرسه

معلمان با تشکیل گروه‌های درسی در مدرسه، با بهره‌گیری از مدل‌هایی چون درس‌پژوهی، در اجرای باکیفیت برنامه‌های درسی مشارکت دارند و تلاش‌های آنان بسیار مهم و اساسی است.

### ۱۰. مشارکت معلمان در فرایند

#### پژوهش‌های کیفی مدرسه‌محور:

معلمان با مشارکت فعال در پژوهش‌های کیفی از جمله اقدام‌پژوهی، تلاش می‌کنند زمینه اجرای باکیفیت برنامه‌های درسی را فراهم آورند و با ارائه یافته‌های پژوهشی خود در شوراهای معلمان، هم‌اندیشی برای تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم می‌آورند.

### نتیجه‌گیری

براساس این نکات باید اذعان کرد، برنامه درسی در سطوح گوناگون با نام بلند معلم گره خورده است. اما در کنار رهیافت‌های گفته‌شده، قرار است بخشی از فرایند طراحی و تولید برنامه درسی هم به آن‌ها واگذار شود تا نقش آن‌ها در نظام برنامه درسی کامل‌تر شود. در شماره‌های بعدی، نقش معلمان در این زمینه تشریح خواهد شد.



# گرم کردن ذهن

روشی برای شروع خلاقانه کلاس درس

امیر ذوقی، معلم و معاون آموزشی، تهران

معلم لازم است برای همراه شدن دانش آموز و آزاد شدن ذهن او از بیرون کلاس، شروع خوبی داشته باشد. همان طور که دقیقه‌های آغازین یک فیلم کمک می‌کند مخاطب جذب شود و با اشتیاق به ادامه آن توجه کند، شروع خوب کلاس هم دانش آموز را از فضای خارج کلاس فارغ و ذهنش را آماده کلاس و دریافت مطالب جدید می‌کند. اما معلم چطور باید شروعی خوب انتخاب کند؟ معلم با توجه به سن، جنس دانش آموز، درس مورد بحث و ویژگی‌های شخصیتی خودش، و با برنامه‌ریزی متناسب، می‌تواند شروع خوبی را رقم بزند.

کشیدن نقشه و احتساب مساحت‌های جانبی میزهایشان می‌رسید. بچه‌ها محاسبات خود را روی چوب‌ها پیاده کردند و مشغول برش و اتصال آن‌ها به هم شدند. در خلال این محاسبات و برش‌هایی که بعضی اوقات اشتباهند، به صورت طبیعی مفهوم حجم و مساحت‌های جانبی را در کنار مهارت نجاری و فن نقشه‌کشی آموختند. بعد از این مرحله، بدون اینکه به آموزش سنتی از طریق جزوه گفتن نیاز باشد، به سرعت سراغ حل تمرین‌های کتاب رفتند.

## گرم کردن ذهن برای آموزش درس علوم

برای درس علوم معمولاً این مراحل طی می‌شود تا دست‌گرمی متناسب مبحث جدید علوم تولید شود:

۱. مشخص کردن اصل مطلبی که کتاب قرار است در این صفحه خاص

جدید، ذهن دانش‌آموز را برای یادگیری مبحثی از درس آماده می‌کند که قبلاً با آن آشنا نبوده‌است. برای این منظور، بدون کوچک‌ترین اشاره به موضوع درس، یک فعالیت (ترجیحاً عملی) تعریف می‌کنیم، به صورتی که کاربرد واقعی آن موضوع علمی در زندگی باشد. برای مثال، در یک کلاس قرار بود مبحث حجم و مساحت‌های جانبی برای اولین بار به دانش‌آموز آموخته شود. معلم برای آماده کردن ذهن دانش‌آموز در بحث آموزش حجم و مساحت‌های جانبی درس ریاضی پایه هفتم، از روش کاربرد مفهوم استفاده کرد. به دانش‌آموزان گفت برای خودتان یک میز تحریر بسازید.

به این منظور، بچه‌ها باید ابعاد و حجم کلاس و همچنین ابعاد و حجمی را که میزهایشان با توجه به تعداد دانش‌آموزان کلاس اشغال می‌کرد، محاسبه می‌کردند. سپس نوبت به

در کلاس‌های زبان انگلیسی، به بخش آغازین کلاس که قرار است ذهن دانش‌آموز را برای دریافت مطلب جدید آماده کند، دست‌گرمی (وارم‌آپ) می‌گویند؛ دقیقاً مشابه مسابقات ورزشی که بازیکنان قبل از شروع مسابقه اصلی، چند دقیقه‌ای مشغول گرم کردن بدن و بازی دست‌گرمی می‌شوند تا بدن فرد آماده مسابقه شود. در کلاس‌های درس هم باید این دست‌گرمی یا گرم کردن برای ذهن دانش‌آموز اتفاق بیفتد تا او آماده دریافت مطلب جدید شود.

به‌طور کلی، گرم کردن ذهن دانش‌آموزان دو حالت کلی دارد: «گرم کردن ذهن برای دریافت مطلب جدید؛ گرم کردن ذهن برای تمرین مطلب قبلی».

## گرم کردن ذهن برای دریافت مطلب جدید

گرم کردن ذهن برای دریافت مطلب





در خلال مکالمه‌ها، به شغل‌ها اشاره می‌شد.

به‌طور کلی، دست‌گرمی‌ها یادآورنده مفاهیم کوتاه‌تر و اشاره‌ای‌تر هستند، ولی دست‌گرمی‌هایی که قرار است طی آن دانش‌آموز مطلب جدیدی یاد بگیرد، بسیار مفصل‌تر و دقیق‌ترند و با در نظر گرفتن مراحل عمق یادگیری طراحی می‌شوند.

فرایند گرم‌کردن ذهن دانش‌آموزان فقط به فضای کلاس محدود نیست، بلکه می‌توان آن را در زنگ تفریح قبل، شب قبل یا حتی جلسات قبل انجام داد. هر جا و هر زمانی که می‌تواند به معطوف شدن ذهن دانش‌آموز به موضوع بینجامد، می‌توان ذهن دانش‌آموزان را گرم کرد.

آن، کلاس یا دست‌گرمی واحدی ایجاد کنیم.

### گرم‌کردن ذهن دانش‌آموز برای تمرین مطالب قبلی

این حالت ذهن دانش‌آموز را برای همکاری بهتر و در واقع یادآوری و مرور درس‌ها در حل تمرین آماده می‌کند. برای مثال، در حل تمرین‌های معادله از یک کلیپ استفاده شد که در آن حل معادله را به مسابقه فوتبال بین ایکس‌دارها و ایکس‌ندارها تشبیه کرده بود و با پویانمایی و حرکات کارتونی روش حل معادله را به بچه‌ها یادآوری می‌کرد. در درس زبان، برای حل تمرین‌های شغل‌ها و یادآوری درس، از کلیپ جذابی استفاده شد که در آن،

آموزش دهد؛

۲. پیدا کردن آزمایشی جذاب، هیجان‌انگیز و مرتبط با موضوع؛
۳. پرسش و پاسخ و ایده‌پردازی درباره چرایی آزمایش؛
۴. کشف علت آزمایش که می‌شود همان مبحث مورد آموزش؛
۵. ارجاع به کتاب و دیدن کشفیات دانش‌آموزان که از قبل در کتاب آمده‌اند.

در این مثال قرار است دانش‌آموزان در مبحث جدید خواص مواد آشنا شوند و کشف کنند هر ماده می‌تواند خواص متعددی داشته باشد.

برای گرم‌کردن ذهن دانش‌آموز در این‌باره، از روش استخراج یک آزمایش جذاب و مرتبط استفاده شد. با ماده کلر آب را صاف و زلال کردیم. طی پرسش و پاسخ، دانش‌آموزان کشف کردند که خاصیت کلر گندزدایی است. بعد، با آزمایش‌های متعدد به این نتیجه رسیدند که کلر با هر چیزی واکنش می‌دهد و حرارت زیادی تولید می‌کند. آن‌ها کشف کردند که کلر سه خاصیت اصلی دارد. پس هر ماده‌ای خودش به تنهایی خواصی دارد و با ترکیب شدن با برخی مواد، خواص دیگری هم می‌تواند پیدا کند. پس از آن، وقتی به کتاب رجوع کردیم، همان نکاتی را که خود بچه‌ها کشف کرده بودند، در کتاب مطالعه کردیم.

برای گرم‌کردن ذهن در درس زبان، با استفاده از کارهای عملی رایانه‌ای، زبان را کاربردی کردیم. بچه‌ها با دیدن هشدارها و پیام‌ها یا آموزش بخش‌های گوناگون نرم‌افزارهای پرکاربرد به‌صورت کاربردی و تلفیقی، آماده دریافت مطالب جدید و مرتبط با یکی از مباحث زبان شدند.

روش دیگری از گرم‌کردن ذهن که در درس‌های قرآن، عربی، دینی، فارسی و اجتماعی پرکاربرد است، تلفیق آن‌ها با هم است. به این صورت که پیوندهایی را که از قبل بین این کتاب‌ها نهفته است کشف و بر اساس



آشنایی با فطرت‌گرایی توحیدی در فرایند تدریس

## این چتر ماست

روح اله رضاعلی

◀ اوایل دهه ۹۰، هم‌زمان با تغییر در نظام آموزشی، واژه‌های وارد ادبیات آموزش‌وپرورش و اساساً برنامه‌های درسی شد که تا آن موقع خیلی به آن پرداخته نمی‌شد. یادم هست، در دوره‌های آموزش ضمن خدمت مدرسان استانی، شش ساعت «برنامه درسی ملی» برای همه گروه‌های درسی تعریف شده بود که به اتفاق تعدادی از همکاران توفیق تدریس آن‌ها را داشتیم. در اولین کلاس آموزشی که مدرسان استانی در آن حضور داشتند، برای شروع بحث سؤالاتی

را مطرح کردم. بحث و گفت‌وگوی داغی شکل گرفت! انگار زمان ایستاده بود تا ما به نتیجه برسیم. یکی از معلمان حاضر در کلاس پرسید: چرا مباحثی فلسفی را مطرح می‌کنید که با درس‌دادن ارتباطی ندارند؟ ما چرا باید به مسائلی پیچیده فلسفی بپردازیم و بدانیم مثلاً «فطرت‌گرایی توحیدی» چیست؟ من به همکاران یاد می‌دهم که کتاب‌های درسی تغییر کرده‌اند. آموزش‌ها و روش‌های ارزشیابی هم دستخوش تغییر شده‌اند؟ به نظرم این‌گونه مطالب

معلمان را سردرگم می‌کنند؟ در کلاس همه‌های شکل گرفت. غالباً تأیید می‌کردند و یکی و دو نفر هم در دفاع، همان حرف‌های ابتدایی جلسه را مطرح می‌کردند. یادم هست موضوع را در زنگ استراحت با یکی از استادان مطرح کردم. ایشان هم بر این موضوع اذعان داشت که در کلاس او هم این مسئله مطرح شده است. در افکار خود غرق شدم. سؤالات و بحث‌های معلمان از ذهنم عبور می‌کرد. چرا معلمان باید بدانند فطرت‌گرایی

توحیدی چیست؟ الگوی هدف‌گذاری در برنامه‌داری درسی ملی چیست؟ اصلاً چرا باید برنامه‌داری درسی ملی را بشناسند؟ تدریس به فلسفه، آن هم فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، چه ربطی دارد؟ و ...

وقتی وارد کلاس شدم، پرسیدم: چه تعریف یا کارکردی از تدریس دارید؟

هر کدام از معلمان تعریفی ارائه می‌کردند. یکی گفت: تدریس یعنی درس دادن. دیگری گفت: مجموعه‌ای از فعالیت‌های معلم برای ایجاد یادگیری و... اگر تدریس را به معنای درس دادن در نظر بگیریم، یعنی می‌خواهیم مجموعه‌ای از مطالب و مفاهیم را به دانش‌آموزان بگوییم تا آن‌ها هم «یاد بگیرند» آن‌ها را تکرار کنند یا انجام دهند. در این حالت، دانش‌آموز شما مانند یک مسئول انبار است که کالا یا همان مطالب و مفاهیم را تحویل می‌گیرد و هر زمان شما خواستید، به شما تحویل می‌دهد؛ بدون هیچ کم و کاست. وقتی شما تدریس را به معنای ارائه‌ی مطلب یا همان تحویل کالا می‌دانید، دانش‌آموز را مانند انبار خالی فرض کرده‌اید که می‌توانید کالاها را در آن قرار بدهید.

خب همه‌ی این نگرش‌ها و رفتارها از پیش‌فرض‌هایی آمده‌اند که معلم آگاهانه یا ناآگاهانه انتخاب کرده است. او دانش‌آموز را موجود زنده‌ای فرض کرده که اختیاری از خود ندارد و به تعقل یا تغییر در کالاها نیازی نمی‌بیند و حتی بهترین دانش‌آموز کسی است که کالاها را به بهترین شکل ممکن دریافت و همان‌گونه ارائه دهد. یادگیری نیز در این برداشت یعنی تحویل به موقع و بدون کم و کاست مفاهیمی که ارائه شده است. وقتی کالا را تحویل داد، انبار خالی می‌شود و منتظر کالاها بعدی است و اثری از مفاهیم گذشته باقی نمی‌ماند.

این پیش‌فرض‌ها در مورد تدریس، دانش‌آموز و یادگیری، نگرش فلسفی را شکل می‌دهند. حال سؤال دیگر، این پیش‌فرض‌ها از کجا می‌آیند؟ آیا این پیش‌فرض‌ها باید براساس خرد جمعی،

تجربه‌های علمی و عملی گذشتگان و معاصران سرزمینی با این وسعت فرهنگی و اجتماعی باشد یا براساس سایر نظام‌های آموزشی که در بستر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متفاوت از سرزمینمان شکل گرفته‌اند؟

فلسفه‌های که ماهیت اصلی انسان (دانش‌آموز) را معنوی می‌داند و قدرت عقل و اراده‌ی انسان را متمایزکننده‌ی او از سایر موجودات، (فلسفه‌ی ایده‌الیسم) و اعتقاد دارد دنیای خارج از ذهن انسان وجود ندارد و اساساً واقعیت این جهان همان چیزی است که انسان درک می‌کند (فلسفه‌ی ایده‌الیسم)، قطعاً با فلسفه‌های که این دیدگاه را قبول ندارد متفاوت است؛ فلسفه‌های که می‌گویند جهان مادی خارج از ذهن انسان وجود دارد و آن را واقعی می‌داند و اعتقاد دارد که شناخت پدیده‌ها فقط از طریق حواس ممکن است، برداشتی متفاوت از دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

کلاس ساکت بود که این مطالب را می‌گفتم. یکی از معلمان دستش را بلند کرد و پرسید: این دانستن‌ها چه دردی را از معلمان حل می‌کند؟ چه مهارت‌ها و روش‌هایی برای تدریس بهتر ارائه می‌دهد؟ این جور بحث‌ها معلمان را سردرگم می‌کنند. به نظر من جای این بحث‌ها در دانشگاه است.

یکی از خانم‌های کلاس گفت: اجازه بدهید استاد مطالبش را بگویند و بعد اگر سؤالی بود مطرح شود.

از این حمایت همکار خیلی راضی نبودم، چون اگر ابهام و سؤالی که او مطرح کرد رفع نشود و این‌گونه سؤالات در ذهن مدرسان استانی باقی بمانند، آن‌ها نمی‌توانند به‌درستی چرایی تحول و تغییر نظام آموزشی را برای معلمان تبیین کنند.

گفتم: **آیا در صحنه‌ی نبرد، نیروهایی که با دشمن می‌جنگند، اگر بدانند برای چه می‌جنگند، هدف اصلی از این پیکار چیست، چگونه و از چه راه‌هایی باید به این مبارزه پرداخت،**

**با کسی که فقط به سمت جلو شلیک می‌کند، تفاوتی دارند یا خیر؟**

وقتی شما این پیش‌فرض را قبول می‌کنی که خداوند متعال در سرشت همه‌ی انسان‌ها و دانش‌آموزان سرمایه‌ای به نام فطرت قرار داده تا با بهره‌گیری از این توانایی‌ها به زندگی مطلوب و انسانی برسد، آیا در نگرش شما نسبت به دانش‌آموزی که در یادگیری مبحثی مشکلی دارد، تغییری ایجاد نمی‌شود؟ آیا در نگاه شما به این موضوع که چه چیزی نیاز دانش‌آموز است و چگونه باید آن را رفع کرد، تغییری ایجاد نمی‌شود؟

اگر معلمی بپذیرد دانش‌آموزی که در کلاس درس حضور دارد، مجموعه‌ای از شناخت‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌هایی است که در نهاد انسانی او نهفته است که به وسیله‌ی آموزش و تربیت به قطعیت می‌رسند، چگونه تدریس خواهد کرد؟ فرایند یاددهی یادگیری چگونه شکل می‌گیرد؟ ارزشیابی‌ها چگونه خواهند بود؟

در شماره‌های آتی این سؤالات را بیشتر بررسی می‌کنیم تا پاسخ‌هایی برای آن‌ها ارائه شود.

فطرت یعنی چه؟ چرا در برنامه‌ی درسی ملی به‌عنوان یک رویکرد انتخاب شده است؟ الگوی هدف‌گذاری در این رویکرد چگونه خواهد بود؟ اصول تدریس و ارزشیابی در این رویکرد چگونه خواهد بود؟ مگر فطرت‌گرایی غیرتوحیدی وجود دارد که در برنامه‌ی درسی ملی فطرت‌گرایی توحیدی مطرح می‌شود؟

از معلمان و مدیران و همکارانی که این متن را مطالعه کرده‌اند نیز درخواست می‌شود سؤالات و نکات خود را برای ما بفرستند.

منابع

۱. ملکی، حسن. هویت دینی برنامه‌ی درسی. آبیژ. تهران. ۱۳۹۶.
۲. ملکی، حسن. نظریه‌ی فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه‌ی درسی. انتشارات مدرسه. ۱۳۹۹.



## مگر خواب بودی؟

الهه فرخی فرخانی، دبیر متوسطه دوره اول، مشهد، رتبه اول، چهارمین فراخوان خاطره‌های معلمی / تصویر ساز: سید میثم موسوی

- چته! سر می‌بری؟  
 نماینده راهش را کج کرد و مرد جلوتر آمد.  
 - این مسخره‌بازی برگه سلامت چیه؟  
 فکر کردی هسته اتم می‌شکافی؟  
 - باید دخترتونو ببرین دکتر، معاینه بشه، بتونه ورزش کنه. اگر مطمئنید سالمه، بفرمایید دفتر، پیش خانم‌مدیر، برگه سلامت رو انگشت بزیند.  
 - خراب بشه این بی‌صاحب‌شده که مردم از کار ...

گرفته شده بود؛ با دیوارها، در مدرسه، سکوی صبحگاهی، ورودی سالن، بوفه، آبخوری و سرویس بهداشتی. دور تا دور زمین والیبال، بقیه بچه‌ها در رشته‌های متفاوت بازی می‌کردند.  
 - نماینده! صادقی رو توی حیاط نمی‌بینم، بین کجاست؟  
 - چشم خانم!  
 نماینده به طرف سالن دوید و با مرد سیاه‌سوخته‌ای روبرو شد که لباس کار روغنی پوشیده بود.

← سایه‌های درختان دور تا دور مدرسه آب می‌رفتند. آفتاب روی پنجره‌های بزرگ دفتر، دکل بسکتبال گوشه حیاط، و زمین والیبال پهن شده بود. داغی هوا و نرمش و آموزش تکنیک و تمرین، مجاله‌ام کرده بود. بیشتر دانش‌آموزان پشت تور والیبال جمع شده بودند، پنجه و ساعد می‌زدند و آن‌هایی که کمی واردتر بودند، سرویس. زمین والیبال کوچک‌تر از اندازه استاندارد بود و از چهار طرف قاب



- خانم خانم! توپ والیبالی افتاد بیرون.  
 - بدویین. آخرین توپمونه. جنازه نشه!  
 والیبالی‌ها تا در مدرسه همراهی ام کردند. بوی دود ماشین‌ها، چهارراه را خفه کرده بود. توی شلوغی خیابان‌های اطراف مدرسه، دنبال توپ می‌گشتم. نبود. دولا شدم، زیر ماشین‌ها را هم نگاه کردم. نبود. دستم را به کمرم زدم. کمی گرفته بود. صاف شدم. بادی نمی‌وزید. صاف و سفت ایستاده بودند درخت‌ها. توپ وسط برگ‌های سبز و نارنجی نشسته بود. درخت را تکاند. شاخه‌های کوچک‌تر لرزیدند. برگ‌ها باریدند. توپ تکان نخورد. برگ‌شتم مدرسه. والیبالی‌ها پیشوازم آمدند.  
 - توپ رو دزدیدن؟  
 - نه.  
 - با ماشینا تصادف کرده؟  
 - رو شاخه گیر کرده.  
 - خانم ما بریم بیاریمش؟  
 - خطرناکه! یه علامت منفی تپل می‌خوای؟  
 - نه! توپ سوراخ نشده؟  
 - فکر نکنم.  
 چشم گرداندم. نه نماینده را دیدم نه صادقی را.  
 - کی توپ رو انداخت؟  
 - یوسفی.  
 یوسفی سرخ شد.  
 - از این به بعد با دقت ضربه بزنی. خانم‌مدیر گفتن امسال پول نداریم جلوی نرده‌ها فنس بلند بذاریم. دوباره هم توپ نمی‌خرند. توپی رو که اداره فرستاد، آبکش کردید. هرکی توپ سوراخ کنه، باید یکی بخره.  
 نوک تیز نرده‌ها بیشتر از گیر انداختن دزدها، توپ‌های بچه‌ها را نفله کرده بود. هر زنگ تربیت‌بدنی، سی‌چهل دانش‌آموز با چند توپ و طناب و راکت توی حیاط یک‌وجبی می‌لولیدند.

می‌خندیدند و جیغ می‌زدند. ولوله بود. سوت زدم.  
 - کسی صادقی رو ندیده؟  
 - شاید رفته مشاوره.  
 - خانم تو کلاس بود.  
 کلاه لبه‌دارم را بالا بردم. قطره‌های عرق پیشانیم را با پشت دست پاک کردم.  
 - یوسفی برو مشاوره، بعد از پنجره کلاس به من بگو صادقی هست یا نه. نماینده رو دنبال صادقی فرستادم، نیومده. باز یکی رو دنبال تو نفرستم!  
 - باشه.  
 همه‌مه شد. تپ‌تپ توبی که به زمین می‌خورد و جیغ وسایل نقلیه و پیچ‌پیچ بچه‌ها، لابه‌لای هم کمرنگ و پررنگ می‌شدند.  
 - صادقی گمشده؟  
 - گوشی آورده بود. گفت دستت باشه، قبول نکردم.  
 - شاید دزدیدنش.  
 دست‌هایم را به هم زدم.  
 - داستان درست نکنید. برید سر رشته‌هاتون.  
 به رشته‌های ورزشی متفاوت سر زده بودم. اصلاح تکنیک بچه‌های بسکتبال مانده بود.  
 - کریمی با توپ راه نرو ...  
 توپ بسکتبال و تی کنار دست‌شویی را برداشتم. از مدرسه بیرون آمدم. روی پنجه پا پریدم. اما تی به توپ نمی‌رسید. توپ بسکتبال را سمت توپ والیبالی پرت کردم. پریدن‌ها، آخ زانوی پیرم را درآورد. توپ والیبالی تکان نخورد.  
 - خانم! لیلا خون‌دماغ شده!  
 - مگه نگفتم از در مدرسه بیرون نیایند. برو از دفتر پلاستیک و یک تیکه یخ و پنبه بیار.  
 مادران دسته‌دسته برای جلسه وارد مدرسه می‌شدند. کنار دیوار، معلم علوم

و بچه‌های هشت ۲ جمع شده بودند.  
 - ببخشید تو آفتاب، یه آزمایش انجام بدیم، زود از حیاط می‌ریم.  
 ناظم شلوار چسب کریمی را بررسی می‌کرد. داد می‌زد و انگشت اشاره‌اش را بالا و پایین می‌برد.  
 صدا و بعد تصویر یوسفی، از پنجره طبقه سوم، سرم را بالا برد.  
 - خانم ما نماز خونه و کتابخونه رو هم گشتیم، صادقی نبود.  
 - بین کیفشم نیس؟  
 - کیفشو نمی‌شناسم.  
 - نماینده رو ندیدی؟  
 - داشت قرصای آهن رو توی کلاسا پخش می‌کرد.  
 - برو آزمایشگاه رو هم بگرد.  
 - خانم ما دیدیمش. کنار در حیاط بود.  
 خدا را شکر، بالاخره یک نفر او را دیده بود.  
 - کریمی کی دیدیش؟  
 - اممم، قبل از اینکه خانم ناظم به شلوارمون گیر بدند. ببینید! شلوارمون کشیه.  
 - کیف دستش بود؟  
 - خانم نمی‌دونم، یه چیز سیاهی زیر بغلش بود.  
 چند نفری را بسیج کردم مدرسه را زیر و رو کنند. سرویس‌های بهداشتی و سالن‌های بالا و پایین را بگردند. والیبالی‌ها دوره‌ام کردند.  
 - چی شد خانم؟  
 - سرایدار رو صدا بزنی، نردبون بیاره. لیلا کو؟ دیدمش.  
 صورت لیلا زیر شیر آب بود و خون فین می‌کرد.  
 - خانم چیزجان، معلم ریاضی گفتن لطفاً یه کم آرام‌تر، دارن درس می‌دن.  
 دفتردار با تعدادی برگه به طرفم آمد.  
 - بفرمایید، بخشنامه دارید.



برگه‌ها را از دفتردار گرفتم و به طرف لیلا دویدم.  
پنبه آوردند، به دماغش چسباند. پلاستیک یخ را روی پیشانی‌اش گذاشتم.  
- برو تو سایه. چی شد خون دماغ شدی؟  
- توپ خورد.  
- کی زد؟  
- ندیدم.  
- درد داری؟  
- یه کم.  
- می‌تونی راحت نفس بکشی؟  
- آره.  
- اگه بند نیومد، باید بری دفتر، زنگ بزنند ولیت بیاد.  
لیلا پنبه را برداشت و نگاهش کرد. قرمز کمرنگ شده بود.  
- خوبم.  
بالاخره سر و کله نماینده پیدا شد.  
- خانم قرصا رو بدیم به بچه‌ها؟  
- معلوم هس کجایی؟  
- به خدا خانم ناظم گفتن قرصا رو ...  
- صادقی رو ندیدی؟  
- نه.  
بچه‌های دیگر هم صادقی را ندیده بودند. هیچ‌جا نبود. دلم مثل سیر و سرکه می‌جوشید. سرم داشت می‌ترکید. باید به ناظم می‌گفتم. به دفتر رفتم و همان‌طور که از پنجره‌ها، چشمم به حیاط و بازی کردن بچه‌ها بود، همه‌چیز را تعریف کردم. مدیر و معاون پرورشی، فیلم دوربین‌ها را چک کردند. صادقی تا نزدیک در حیاط آمده بود. بعد لابه‌لای دانش‌آموزان کلاس علوم و ورود و خروج مادرها، غیب شده بود. ناظم دانش‌آموزان را ابتدا توی حیاط و بعد توی دفتر، سینه جیم

کرد و اطلاعات بیشتری به دست نیامد. بچه‌ها را دنبال سراپدار فرستاد. پیرمرد با ابروهای گره‌خورده وارد دفتر شد.  
- از صبح چند بار پشت‌بوم رفتم، دنبال توپ. چون ندارم. نردبون باشه برای فردا.  
صورت مدیر گر گرفته بود.  
- نردبون چیه؟ توپ چیه؟ دانش‌آموز گمشده!  
معاون پرورشی آخرین تصویر صادقی را به پیرمرد نشان داد. پیرمرد از مدرسه بیرون رفت تا خیابان‌های اطراف را دنبال دختری لاغر، قد بلند، چشم و ابرو مشکلی با لباس فرم کرم‌رنگ و احتمالاً چادری، بچرخد و برگردد.  
ناظم دفتر تلفن‌ها را گشت و شماره مادر صادقی را چند بار گرفت. کسی جواب نداد. مدیر نفسش را بیرون داد و به ناظم خیره شد.  
- به پدرش زنگ زنی! می‌یاد اینجا خاکمونو توبره می‌کنه.  
ناظم گوشی را گذاشت و رو کرد به من. چشمانش خیس بود.  
- خانوم چی‌ز، به مادرش چی بگیم؟ بگیم دخترت زنگ ورزش، تو مدرسه گمشده؟  
مدیر ادامه داد: «خیلی بیخشید! بعد نمی‌گن معلم خواب بوده؟ بوده؟ نبوده؟»  
از دفتر بیرون رفتم. معلم علوم و بچه‌هایش نبودند. خون دماغ لیلا کاملاً بند آمده بود. والیبالی‌ها چسبیده به سایه سرویس‌های بهداشتی، ولو شده بودند و آواز می‌خواندند. چند نفر با توپ زوار دررفته‌ای وسطی بازی می‌کردند. دو نفر نوبتی به دیوار شوت می‌زدند. خانمی با کالسکه نوزاد وارد شد. سوت زد.

- بسه بچه‌ها! با تو ام. نشوت! وسیله‌ها تو سید. جمع شید.  
- خانم! صادقی پیدا نشد؟  
- خانم تا فردا توپ والیبالی رو نندزدن! - نماینده! وسیله‌ها رو تو کمد بذار. بچه‌ها با فاصله یک دست دایره شدند. تمرینات کششی سر، دست، کمر و در آخر پا را انجام دادیم. هر کششی ده شماره. هر شماره، هر لحظه، یک سال بود؛ پتک بود. داشتیم از درون متلاشی می‌شدم.  
دستی به پشتم خورد. برگشتم. معلم ادبیات بود. به طرف سرویس بهداشتی می‌رفت.  
- مخ ما رو که می‌خورند، ولی شما خوب حال می‌کنید. کاری نمی‌کنید. سلامتید. خوش به حالتون.  
حالت تهوع داشتم. وقت زنگ تفریح بود. بچه‌ها دست و رویشان را می‌شستند و گرد و خاک لباسشان را می‌تکاندند. بعضی‌ها اجازه گرفتند و رفتند تا شلوار ورزشی‌شان را عوض کنند. سه نفر جلوی بوفه به صف شدند. از مدرسه بیرون زدیم. ماشین‌ها عجله داشتند. پیاده‌رو خلوت بود. سراپدار سر صحبت با سبزی‌فروش آن‌طرف چهارراه را باز کرده بود. درخت‌های سپیدار و چنار، دست در دست هم، ساکت ایستاده بودند. زیر چنار او را دیدم که رو گرفت. خودش بود.  
- کشتی منو! کجا بودی؟  
- خانم اول قول بدید، به خانم‌مدیر و خانم‌ناظم هیچی نگین؛ تو رو خدا!  
- خب؟!  
- حواسمون نبود، گوشی آورده بودیم. رفتیم خونه بذاریمش، خانم‌ناظم دعوامون نکنند.



## مدرسه واقعی در دنیای مجازی

ام لیلا صمدی / عکاس: آتوسا ملاعلی

◀ در یکی از روزهای آبان ماه ۱۳۹۹ مهمان مدرسه متوسطه اول پسرانه حافظ در ناحیه سه کرج بودیم. به دنبال این بودیم با خبر شویم این مدرسه با نیروی انسانی باتجربه و ۲۷ سال سابقه آموزشی موفق، در شرایط ویژه کرونایی چگونه برنامه‌ریزی و عمل می‌کند. در این نشست صمیمی، با محمدعلی منوری، مدیر مدرسه، روح‌الله شاه بلاغی، معاون آموزشی و دبیر مطالعات اجتماعی، محسن غفاری، معاون پرورشی و دبیر دینی و عربی، کاظم شهیدی، مشاور مدرسه و دبیر مطالعات اجتماعی، غلامرضا احمدی، معاون انضباطی و حمیدرضا طالبی، مسئول پایه و دبیر کار و فناوری، گفت‌وگو کردیم. منوری، مدیر مدرسه، عاشق تدریس است و از زحمات همکارانش قدردانی می‌کند. همکاران نیز از او تقدیر می‌کنند و او را مدیر موفقی می‌خوانند که از پیشنهادهای همکارانش استقبال می‌کند و تصمیمات فردی اتخاذ نمی‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، گزارش مختصری از این نشست است.

### ● مهم‌ترین دغدغه اولیا هنگام ثبت‌نام فرزندشان در سال تحصیلی جدید چه بود؟

اولیا در مورد دستگاه‌های آموزش آنلاین نگران بودند. ما در سال گذشته کمی ضعف داشتیم، اما امسال این نگرانی کمتر شد. بسترهای آموزشی ما هم برای ارتباط در فضای آنلاین بهتر شدند. اکنون خانواده‌ها به ارزش مدرسه پی برده‌اند. بچه‌ها در مدرسه، علاوه بر آموزش محتوای درسی، مهارت‌های زندگی را نیز یاد می‌گرفتند. نگرانی که این رشد غیرطبیعی بچه‌ها در چند سال آینده چه می‌خواهد بر سر آن‌ها بیاورد. اولیا نگران‌اند که بچه‌ها در این شرایط چگونه می‌توانند دوست پیدا کنند.

حضور بچه‌ها را در مدرسه نمی‌دیدیم و مدرسه شور و حال سابق را نداشت. اما همکاران شبانه‌روزی تلاش کردند و توانستیم سال خوبی داشته باشیم. در برنامه سالانه مدرسه در سال جدید (۱۳۹۹)، برای سه وضعیت سفید، زرد و قرمز برنامه‌ریزی انجام داده‌ایم. اکنون در شرایط قرمز کرونایی، آموزش‌هایمان را به صورت آنلاین در فضای ادوب کانکت ادامه می‌دهیم. کلاس‌های آنلاین را در برنامه واتساپ برگزار می‌کنیم. این فضا ممکن است برای بچه‌هایی که ظرفیتش را ندارند، مشکل‌آفرین باشد. چرا که در خانواده‌ها، برای استفاده مناسب بچه‌ها از گوشی و فضای اینترنت، به خوبی فرهنگ‌سازی نشده است.

### ● در مواجهه با بحران کرونا چه تصمیم‌هایی برای مدرسه اتخاذ کرده‌اید؟

محمدعلی منوری: از همان ابتدای اسفندماه سال ۹۸ دنبال راهکاری بودیم که آموزش قطع نشود. اولین بسترهایی که برای فرستادن فیلم‌های آموزشی به سراغ آن‌ها رفتیم، واتساپ و تلگرام بودند. اما به دنبال محیط بهتر بودیم. بعد از بررسی بسترهای آموزشی مناسب، در نهایت در بستر اسکای‌روم کار آموزش را دنبال کردیم. با اینکه تجربه تازه‌ای بود، اما آموزش ما مورد رضایت خانواده‌ها بود. سخت بود که بچه‌ها به این روش جدید عادت کنند. برای من هم بسیار ناراحت‌کننده بود که



اصرار ما وارد این محیط شدند. خواستیم به صورت آزمایشی برای انتخابات انجمن اولیا و مربیان در فضای برنامه شاد پخش زنده داشته باشیم، اما صدا و تصویر به صورت دائم قطع می شد. در نهایت جلسه را قطع کردیم و آن را در فضای ادوب ادامه دادیم.

● **میزان یادگیری بچه ها در آموزش مجازی چگونه است؟**  
**روح الله شاه بلاغی:** با اینکه مدرسه حافظ تلاش کرد شرایط خوبی مهیا کند، اما واقعیت این است که حتی با کار شبانه روزی و در شرایط خوب مجازی هم یادگیری دانش آموزان به اندازه کلاس حضوری نیست. تلاش کردیم در فضای ادوبی کانکت ارتباط دوسویه برقرار کنیم تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشیم.

● **آیا آموزش تلویزیونی به شما و دانش آموزان کمک می کند؟**  
 روح الله شاه بلاغی: مطابق بازخوردهایی که از دانش آموزان دریافت کردیم، درصد پایینی از آن ها آموزش تلویزیونی را می بینند، چرا که تدریس های تلویزیونی جذاب نیست و تدریس از روی متن کتاب ارائه می شود. اینکه معلم فقط انتقال دهنده متن کتاب باشد، کار مهمی انجام نداده است. معلم باید بتواند در ذهن بچه ها سؤال ایجاد کند. معلمان ما خودشان محتوا تولید می کنند، چرا که تأثیرگذارتر است. کرونا الزام همگانی خوبی برای همکارانمان داشت تا به سمت تولید محتوای الکترونیکی بروند.

تشکر می کنم که با همه سختی ها، از آنجا که نگران یادگیری دانش آموزان بودند، خودشان را به سرعت هماهنگ کردند و تطبیق دادند. تولید محتوا برای همکاران سخت بود. در تابستان، کلاس آموزش ادوب کانکت و آموزش نرم افزارهای تولید محتوای آموزشی چون نرم افزار «کمتازیا» را در مدرسه برگزار کردیم. این جلسه آموزشی ضبط هم شد و فیلم های آن در اختیار همکاران قرار گرفت. همکاران به سرعت خود را به روز کردند. تعدادی از همکاران برای ضبط فیلم در فضای کوچک منزل مشکل داشتند. ما در مدرسه فضایی برای ضبط فیلم مهیا کردیم تا همکاران از آن استفاده کنند.

● **برای کیفیت بخشی به آموزش ها در شرایط فعلی چه پیشنهادی دارید؟**

با توجه به شرایط، نمی دانم شدنی باشد یا نه، اما ما بستری مناسب برای آموزش می خواهیم. باید تدابیر خاصی اتخاذ شود تا حداقل برای مراکز آموزشی این امکان فراهم شود که از اینترنت پرسرعت استفاده کنند. ما قطعاً دلمان می خواهد بتوانیم در بستر و محیطی امن و کنترل شده، مانند برنامه شاد، آموزشمان را داشته باشیم. اما منتظریم ضعف های آن برطرف شود تا دست ما بازتر باشد. اولیا به استفاده از برنامه شاد تمایل نداشتند و با

بعضی از آن ها با ما تماس می گیرند تا بچه هایی را به آن ها معرفی کنیم که فرزندشان بتواند ارتباط صمیمی با آن ها داشته باشد. به دنبال این هستیم که فضایی فراهم کنیم تا بچه ها در آن فضا درس را کنار بگذارند و برنامه هایی چون مسابقه، شعرخوانی و دیدن فیلم را در کنار یکدیگر داشته باشند.

● **چگونه معلمان را برای آموزش های آنلاین آماده کردید؟ معلمان در ضمن خدمت چه دوره هایی را گذراندند؟**

تغییر روش ها برای بعضی همکاران واقعا سخت بود. اما من از همکارانم







## ● برای مغفول نماندن آموزش‌های تربیتی و فعالیت‌های پرورشی در این شرایط چه تدبیری اندیشیده‌اید؟

**محسن غفاری:** ما فعالیت‌های پرورشی تقویم اجرایی مدرسه را مرحله به مرحله به صورت مجازی اجرا می‌کنیم. کانالی تشکیل داده‌ایم که در آن فضا بین ساعت هفت تا هشت شب، فعالیت‌هایی چون مسابقات فرهنگی و هنری، قرآن و عترت و همین‌طور مسابقات کتاب‌خوانی را برگزار می‌کنیم. همچنین، سایر برنامه‌های مشاوره و تربیتی را در این فضا ارائه می‌کنیم. اولیا نیز آزادانه سؤالاتشان را مطرح می‌کنند و ما به آن‌ها پاسخ می‌دهیم. همه کلاس‌های مجازی ما با یک آیه از قرآن کریم آغاز می‌شوند.

## ● خدمات مشاوره‌ای را در شرایط آموزش مجازی چگونه دنبال می‌کنید؟ این روزها دانش‌آموزان و اولیا بیشتر در چه زمینه‌هایی درخواست خدمات مشاوره دارند؟

**کاظم شهیدی:** در مدرسه حافظ، ارتباط خوبی بین مشاور با دانش‌آموزان و اولیای آنان وجود دارد. چون اگر اولیا نخواهند، مشاور نمی‌تواند کاری انجام دهد. بچه‌ها و همین‌طور اولیا مسائلشان را در صفحه شخصی با ما مطرح می‌کنند. گروه مشاوره هم داریم که بچه‌ها موضوعاتی را برای بحث پیشنهاد می‌دهند و آن را در گروه ادامه می‌دهیم. در کانال مشاوره و تربیتی نیز محتواهای آموزشی را در حوزه سلامت روان و تربیت فرزندان به دانش‌آموزان و اولیا ارائه می‌دهیم که با استقبال خوبی مواجه شده‌ایم. در شرایط اورژانسی نیز اولیا برای دریافت خدمات مشاوره به صورت حضوری به مدرسه مراجعه می‌کنند.

با طولانی شدن حضور بچه‌ها در منزل و کلاس‌های غیرحضوری، بچه‌ها در دوستیابی و همین‌طور در ارتباط با اولیا در منزل دچار چالش شدند. همچنین، ساعت بازی‌های آنلاین آن‌ها بیشتر شده و اولیا از این بابت ابراز نگرانی می‌کنند. ما برای

که مشخص کنیم هر دانش‌آموز چه توانایی‌هایی دارد؛ قبلاً چه کارهایی انجام داده است و حالا به چه چیزهایی علاقه دارد. مثلاً آیا دانش‌آموزی که شش سال رباتیک کار کرده، می‌تواند به بقیه آموزش دهد؟ ارزشیابی ما در درس کار و فناوری بر اساس پروژه است. مثلاً در بخش کار با فلز لازم است دانش‌آموز سوهان‌زنی و اره‌زنی را یاد بگیرد. اما نمی‌خواهیم به دانش‌آموزان تلقین کنیم که در این شرایط از بیرون خرید کنند. بنابراین به صورت آنلاین و آفلاین با ارائه فیلم آموزشی، پاورپوینت و پی‌دی‌اف تدریس می‌کنیم. دانش‌آموزان نیز پروژه‌های خود را به صورت تولید محتوا ارائه می‌کنند یعنی مراحل تولید را توضیح می‌دهند. سه نفر از دانش‌آموزان پایه هفتم در حال طراحی دستگاه هوشمند ضد عفونی‌کننده هستند و هر هفته گزارش کار می‌فرستند. پروژه‌هایی مثل نقشه‌کشی یا اختراع با وسایل دم‌دستی را نیز می‌توان به راحتی در منزل انجام داد. می‌خواهیم بچه‌ها چیزهایی یاد بگیرند که در زندگی از آن‌ها استفاده کنند.

## ● آیا از شبکه ملی رشد هم استفاده می‌کنید؟

حمیدرضا طالبی: خیلی استفاده نمی‌کنم. یکبار از این شبکه کتاب دانلود کردم. قرار است به بچه‌ها بگویم چطور از فیلم‌های این شبکه استفاده کنند.

بچه‌ها جدول برنامه‌ریزی فرستادیم تا مواردی چون ساعت‌های مطالعه، ورزش و بازی‌های آنلاین را در آن وارد کنند و برآیمن بفرستند. بعد در مورد میزان ساعت‌های هر فعالیت با هم صحبت می‌کنیم.

## ● با غیرحضوری شدن آموزش‌ها، چگونه به برنامه‌های انضباطی مدرسه رسیدگی می‌کنید؟

**غلامرضا احمدی:** در ابتدای سال تحصیلی، قوانین انضباطی فضای مجازی مدرسه را به بچه‌ها اعلام کردیم؛ قوانینی از این دست که باید عکس خود را در پروفایل قرار دهند، به موقع در کلاس درس حاضر شوند و اعلام حاضری داشته باشند. گفت‌وگوهای بچه‌ها را در گروه‌های کلاسی کنترل می‌کنیم و پیگیر حضور واقعی دانش‌آموزان در کلاس هستیم. اما ارتباطمان با بچه‌ها و تأثیرگذاری‌مان بر آن‌ها، به خوبی دوران کلاس‌های حضوری نیست. من هر ساله در همان ابتدای سال تحصیلی خصوصیات و ویژگی‌هایی هر دانش‌آموز را می‌شناختم؛ تا جایی که موجب تعجب والدین می‌شد. اما الان شاید دانش‌آموز را حتی در خیابان هم بینم، نشناسم.

## ● برای بررسی تکالیف دانش‌آموزان و ارزشیابی روش‌های ابتکاری هم دارید؟

**حمیدرضا طالبی:** در دو هفته اول سال تحصیلی روی این وقت گذاشتیم



# کاریمای معلمی

محمد رضا توحیدی  
معاون مدرسه، تهران  
عکاس: اعظم لاریجانی

معلم است. این یک توافق نانوشته اما محکم است.

منابع قدرت معلم در کلاس درس را می‌توان در پنج عاملی که گریفین<sup>۱</sup> معرفی کرده است، پیدا کرد:

۱. قدرت تنبیه؛
۲. قدرت پاداش؛
۳. قدرت قانون؛
۴. قدرت کاریماتیک؛
۵. قدرت تخصص.

معلمان در کلاس درس به شیوه خودشان از این منابع قدرت استفاده می‌کنند.

**تنبیه** جعبه ابزاری است با امکانات فراوان در اختیار معلمان. تهدید، تحقیر، تنبیه فیزیکی و سرزنش، شاید پرکاربردترین ابزارهای معلمی هستند. استفاده از این ابزارها، از گذشته، اصلی‌ترین راه کنترل کلاس بوده و متأسفانه هنوز هم رواج دارد. بعضی از معلمان، بدون استفاده از این ابزارها، احتمالاً حتی نمی‌توانند یک زنگ هم کلاس درس خود را اداره کنند!

خاطرم هست، روزی معلمی در دفتر دبیران مدرسه با افتخار تعریف می‌کرد که چند سال قبل، یکی از دانش‌آموزان قدیمی‌ام را دیدم که می‌گفت آن سیلی که شما در دوره دانش‌آموزی بر صورت من زدید، باعث موفقیت من شد! من به آن معلم گفتم، تا حالا فکر کرده‌اید چند نفر به خاطر تنبیه ما معلمان ترک تحصیل کرده‌اند و مثل آن یک نفر که فرمودید رستگار نشده‌اند؟!

با ممنوع شدن تنبیه در مدرسه و امکان پیگیری قانونی خانواده‌ها نسبت به تنبیه فیزیکی، به نظر می‌رسد معلمان از ابزارهایی همچون تهدید و تحقیر بیشتر استفاده می‌کنند.

**پاداش** یکی از ابزارهایی است که در سال‌های اخیر نسبت به گذشته بیشتر به کار می‌رود. به نظر می‌رسد پاداش دادن می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان

شاید بتوان گفت چالشی‌ترین مفهوم در کلاس درس، کنترل آن است. در طول تاریخ معلمی، روش‌های متعددی برای مدیریت کلاس استفاده شده‌اند.

بعضی معلمان اعتقاد دارند حداقل تا نیمه سال نباید در کلاس درس لبخند زد و از میانه سال کم‌کم اولین لبخندها را شروع و ارتباط را برقرار کرد و در پایان سال که دیگر قرار است از دانش‌آموزان جدا شویم، رابطه دوستانه و عاطفی برقرار کرد.

بعضی دیگر می‌گویند، ما، بیش از آنکه معلم باشیم، باید با دانش‌آموزان دوست باشیم و بدون ضابطه و قاعده وارد ارتباط با آنها شویم.

بعضی از معلمان هم معتقدند اگر گربه را دم حجله بکشید، دیگر تا پایان سال مشکلی پیش نخواهد آمد. برخورد شدید با یک دانش‌آموز، حساب کار را دست همه می‌دهد. آن‌ها می‌گویند، با این روش، دانش‌آموزان قدرت معلم را درک می‌کنند و می‌دانند که ما چنین قدرتی داریم، اما ترجیح می‌دهیم از آن استفاده نکنیم. پس متوجه می‌شوند که قدرت کلاس در

دستان



توسعه فردی	به اشتراک گذاشتن قدرت	زورگویی و سلطه	
			تنبیه
			پاداش
			قانون
معلمان اثرگذار و توانمند			کارزما
			تخصص

خود (کلاس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵).

### حال به این دو سؤال فکر کنیم:

● آیا معلمان کنترل‌گر بیرونی از قدرت‌های تنبیه، پاداش و قانون، و معلمان کنترل‌گر درونی از قدرت کارزماتیک و قدرت تخصص استفاده می‌کنند؟

● آیا معلمان کنترل‌گر بیرونی از نیروهای زورگویی و تسلط بر افراد و معلمان کنترل‌گر درونی از به اشتراک گذاشتن قدرت و توسعه فردی بیشتر بهره می‌برند؟

به نظر می‌رسد، معلمانی که از دو قدرت کاریزما و تخصص استفاده می‌کنند و با اشتراک‌گذاری قدرت و توسعه فردی خود تلاش می‌کنند ارتباط مناسبی با دانش‌آموزان برقرار کنند، معلمان موفق‌تری هستند.

### پی‌نوشت

1. R.W.GRIFFIN
2. ERIC JENSEN
3. WILLIAM GLASER

### منابع

۱. گریفین، ریکی و مورهد گرگوری. ترجمه سید مهدی الوانی (۱۳۹۵). رفتار سازمانی. مرارید. تهران.
۲. جنسن، اریک. ترجمه علیرضا عراقی نیا (۱۳۹۷). یادگیری مغزمحور (پارادایم جدید آموزش). رشد فرهنگ. تهران.
۳. گلاسر، ویلیام. ترجمه صاحبی، علی (۱۳۸۹). تئوری انتخاب و کاربست‌های آن. سایه سخن. شهر؟

**قدرت کارزماتیک** و نفوذ معلم در دانش‌آموزان عامل مهمی در ایجاد انضباط در کلاس درس است؛ شاید این جمله را شنیده باشید که دانش‌آموزان، قبل از اینکه درس معلم را بپذیرند، باید خود معلم را قبول کنند.

**قدرت تخصص** و توانایی معلم در فعالیت‌های کلاس و ایجاد این احساس در دانش‌آموزان که آنچه معلم به من آموزش می‌دهد حتماً مفید است و در زندگی شغلی از آن استفاده خواهیم کرد، در ایجاد انگیزه درونی دانش‌آموزان و به تبع آن انضباط کلاس درس، تأثیرگذار است.

قدرت کارزماتیک و تخصص معلم، اصلی‌ترین منابع قدرت در کلاس درس هستند. به نظر می‌رسد برای ورود به دنیای مطلوب دانش‌آموزان، داشتن این دو قدرت لازم است. اگر به گذشته خود برگردیم، اثرات این دو قدرت را در معلمان محبوب خود خواهیم یافت. شاید تنها راه معلم اثربخش، توسعه فردی برای تقویت این دو عامل قدرت باشد.

**ویلیام گلاسر** معتقد است: ما نیاز به قدرت و پیشرفت خود را به سه روش ارضا می‌کنیم.

۱. زورگویی و مسلط شدن بر دیگران؛
۲. به اشتراک گذاشتن قدرت خود با دیگران و ایجاد احساس مشارکت در افراد؛
۳. توسعه فردی و افزایش توانمندسازی

را افزایش دهد و محیط یادگیری را جذاب‌تر کند، اما روان‌شناسی جدید معتقد است، پاداش دادن اثربخش‌تر از تنبیه نیست! اگر بتوان تنبیه را ابزار غالب معلمان گذشته دانست، پاداش برای معلمان امروزی ابزار قدرت است. باج‌دادن یا پاداش دادن به خاطر انجام کار، احساس افراد را نسبت به آنچه انجام می‌دهند تغییر می‌دهد. در واقع، استفاده از پاداش، انگیزه درونی دانش‌آموزان را از بین می‌برد (اریک جنسن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

**قدرت قانونی** معلمی و مشخص شدن جایگاه معلم در کلاس درس و جا انداختن قوانین کلاس موضوع مهمی است، اما برای ایجاد رابطه عاطفی و مؤثر با دانش‌آموزان، صرفاً قدرت قانونی نمی‌تواند اثربخشی بالایی داشته باشد. محیط مدرسه بسیار پیچیده است و معلم در کلاس درس باید چهار نقش تدریس کردن، مدیریت، مشاوره و دوستی را هم‌زمان داشته باشد. به نظر می‌رسد، با پیاده‌سازی قدرت قانونی معلم در کلاس درس، نمی‌توانیم نقش‌های کیفی و ارتباطی معلم را با دانش‌آموزان به راحتی مشخص کنیم.

قدرت تنبیه، قدرت پاداش و قدرت قانونی معلم، بیش از آنکه انگیزه‌های درونی دانش‌آموز را برای رعایت نظم و انضباط در کلاس درس رشد دهند، نوعی کنترل بیرونی محسوب می‌شوند.



# فکر کردن درباره فکر کردن

علی لطیفی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

انسان از موجودات بی جان و جاندارانی همانند حیوانات و گیاهان است، در واقع خود از دو نیرو یا مرتبه کلی تشکیل شده است که با عنوان‌های «عقل نظری» و «عقل عملی» شناخته می‌شوند. «عقل نظری» که در رتبه‌ای بالاتر نسبت به «عقل عملی» قرار دارد، در مراتب سطحی و ابتدایی عهده‌دار شناخت حقایق کلی به‌واسطه مفاهیم ذهنی و «استدلال» است و در مراتب عالی خود به درک حضوری و شهود حقایق متعالی و معنوی می‌پردازد. به عبارت دیگر، یافته‌های «عقل نظری» همیشه مفهومی و «ذهنی» نیستند، بلکه با رشد روحانی انسان، این شناخت‌های مفهومی به عمق جان او نفوذ می‌کنند و از «دانسته‌ها» به «داشته‌های وجودی» تبدیل می‌شوند. «عقل عملی» که در رتبه نازل‌تری نسبت به «عقل نظری» قرار دارد، نیرویی است که وظیفه تدبیر جسم و قوای جسمانی و همچنین، دیگر نیروهای درونی را براساس یافته‌ها و راهنمایی‌های کلی «عقل نظری» به

انواع آن، از نظام معنایی و مبانی فلسفه اسلامی شروع کنیم و البته از نکات مثبت و مفید دیگر دیدگاه‌ها نیز، پس از بررسی و تحلیل آن‌ها، استفاده کنیم. قبل از صحبت درباره خود تفکر، شایسته است در نگاهی کل‌نگرانه ببینیم اصلاً این توانایی در نقشه وجودی انسان چه موقعیتی دارد، زیرا شناخت برخی ویژگی‌های تفکر، به نسبتی وابسته است که با دیگر ابعاد وجودی انسان دارد. براساس آنچه در فلسفه و حکمت اسلامی تبیین شده است، هر انسانی موجودی جسمانی - روحانی است که نوعی به‌هم‌پیوستگی و یگانگی دارد. مرتبه روحانی انسان (که در ادبیات فلسفی «نفس» نامیده می‌شود) در عین یکپارچگی و وحدت خود، صحنه حضور نیروهای مختلف شناختی و انگیزشی با مجموعه‌ای از روابط پیچیده است. مهم‌ترین نیرو از میان این نیروها، حقیقتی است که «عقل» نامیده می‌شود. این نیرو که وجه تمایز اصلی

مقاله پیش رو نخستین نوشته از مجموعه مقالاتی درباره چيستی تفکر، ابعاد آن و اصول و روش‌های پرورش تفکر در دانش‌آموزان است. به‌عنوان شروع، لازم است اول بدانیم دقیقاً درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ تفکر چیست؟ چه نوعی دارد؟ و چه نقشی در وجود انسان ایفا می‌کند؟

## تفکر یعنی ...

در یک تعریف ساده، تفکر یعنی تلاش و جست‌وجو در میان معلومات کسب‌شده و اندوخته‌های ذهنی برای دست‌یافتن به پاسخ یک پرسش، و معلوم کردن یک مسئله مجهول. در این تعریف، تفکر به معنای «فکر کردن» و یک «فرایند درونی» در نظر گرفته شده است. علاوه بر این معنا، تفکر معمولاً به معنای «نیرو» یا «توانایی» انسانی نیز در نظر گرفته می‌شود. یعنی به معنای «توانایی فکر کردن». این معنا نه به یک «فرایند ذهنی»، بلکه به «توانایی پیمودن چنین فرایند ذهنی» اشاره دارد. در پرورش تفکر، معمولاً می‌خواهیم ببینیم چه کنیم که این نیروی درونی را تقویت کنیم؟

برای اینکه بتوانیم ایده و برنامه‌ای برای پرورش تفکر داشته باشیم، باید تعریف ساده خود را از تفکر دقیق‌تر کنیم. دقیقاً به همین خاطر است که تاکنون رویکردها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی درباره چيستی تفکر و انواع آن و چگونگی رشد و پرورش آن پدید آمده‌اند که هر کدام نیز مبانی فلسفی و نظام معنایی ویژه خود را دارند: تفکر انتقادی، تفکر خلاق، فراشناخت، تفکر سیستمی، تفکر طراحی و ... البته در میان این دیدگاه‌ها نقاط مشترکی هم وجود دارند، ولی تفاوت‌ها نیز پابرجا هستند. طبیعی است ما نیز برای فهم دقیق تفکر و





عهده دارد. به عبارت دیگر، «عقل عملی» با تشخیص اینکه در هر موقعیتی چه عملی پسندیده و کدام یک ناپسند است، بدن و نیازهای بدنی و تمایلات و خیالات درونی را به گونه‌ای مدیریت و هدایت می‌کند که زمینه برای رشد معنوی و تقرب حداکثری انسان نسبت به خداوند حاصل می‌شود (که وجه معنوی و متعالی وجود انسان است)، اسیر هواها و هوس‌ها نشود.<sup>۱</sup>

در حالی که از یک سو «عقل»، به عنوان شریف‌ترین نیرو یا مرتبه انسانی، رو به سوی عالم بالا دارد و در پی حقیقت، خیر و تعالی معنوی است، «وهم» دیگر نیروی درونی انسان است که متوجه ابعاد حیوانی و مادی انسان و به دنبال هواها و هوس‌های این دنیایی است.

### تفکر؛ نیرویی در خدمت «عقل»

علاوه بر «عقل» (در دو مرتبه نظری و عملی) و «وهم»، نیروی حفظ و ذخیره ادراکات و تجربه‌های پیشین از دیگر نیروهای درونی مهم انسان هستند که می‌توانیم آن را به صورت کلی «حافظه» نام بگذاریم.<sup>۲</sup> در کنار این نیرو، نیروی «تفکر» قرار دارد که عهده‌دار جست‌وجو

در ادراکات و تجربه‌های ذخیره‌شده و تغییر، تجزیه و ترکیب آن‌هاست. این دو نیرو بیشتر خدمت‌دهنده نیروهای دیگر هستند. به همین خاطر، نکته مهم در تعیین شایسته یا ناشایسته بودن تفکر (هم به عنوان یک فرایند و هم به عنوان یک توانایی)، این است که این جست‌وجو و تحلیل و ترکیب به چه هدفی و در خدمت کدام نیرو از نیروهای درونی انسان است؛ عقل یا وهم؟ در اینجا است که یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نگاه اسلامی با دیگر نگاه‌ها آشکار می‌شود: اگر نیروی تفکر در خدمت «عقل» و در مسیر دستیابی به حیات طیبه و نزدیکی انسان به خداوند باشد، شایسته و پسندیده است (حتی اگر درباره امور دنیوی باشد)؛ ولی اگر هدف از تحلیل و ترکیب معلومات و تجربه‌ها، فرورفتن در زندگی این جهانی و غفلت بیشتر از حیات معنوی انسان باشد، چنین تفکری از نگاه اسلامی بی‌ارزش و بلکه حتی ضد انسانی است.<sup>۳</sup>

### انواع تفکر شایسته

با نظر به توضیحاتی که داده شد، باید نیروی تفکر را به گونه‌ای پرورش دهیم که تنها در خدمت عقل باشد و به گونه‌هایی از فرایند فکر کردن پردازد که عقلی هستند. با نظر به منابع دینی و آثار حکمت اسلامی، می‌توانیم بگوییم تفکر شایسته شامل این گونه‌های متفاوت است:

● **تفکر استدلالی:** هدف از این گونه تفکر، کسب شناخت درباره یک موجود یا پدیده حقیقی به واسطه ترکیب و تحلیل شناخت‌های پیشین است. نیروی تفکر در اینجا تحت استخدام «عقل نظری» است.

● **تفکر سنجشگرانه:** در این نوع تفکر، دلایل و مسیرهای طی شده برای اثبات یک ادعا و ارسائی، و صحت و سقم آن‌ها ارزیابی می‌شود. این تفکر، رویه دیگر تفکر استدلالی است. در آنجا فرد بر اثبات یک ادعا دلیل می‌آورد و در اینجا فرد به دنبال بررسی آن است که آیا دلیل اقامه‌شده برای اثبات یک ادعا، از صحت و کفایت برخوردار است؟

● **تفکر عملی:** نوعی تأمل و تدبیر در موقعیت و هنگامه عمل است که از مهم‌ترین وظایف «عقل عملی» است. از شناخت‌های کلی و تجربه‌های شخصی پیشین، و همچنین ملکات اخلاقی متناسب با افعال پسندیده که پیش از این کسب کرده است، به تشخیص وظیفه یا شایسته‌ترین اقدام در هر یک از موقعیت‌های عمل می‌پردازد.

● **تخیل پسندیده:** تخیل به معنای تحلیل و ترکیب صورت‌هایی است که از محسوسات و تجربه‌های پیشین در ذهن ما بایگانی شده‌اند. این تحلیل و ترکیب تنها هنگامی که تحت مدیریت عقل عملی باشد، به سمت و سوی می‌رود که انسان را در مسیر حیات طیبه قرار دهد. ابداع‌های هنری معنوی یا نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی که به نوعی انسان را در سیر مراتب کمالی‌اش یاری می‌کنند، از این جمله‌اند.

● **تفکر باطن‌نگر:** مقصود از این تفکر نوعی تدبیر در هستی خود و دیگر موجودات، به عنوان «نشانه‌های خداوند و رهنمون شدن از «نشانه» به سوی «صاحب نشانه» است. این نوع تفکر که می‌توان از آن به «تفکر در آفاق و انفس» نیز یاد کرد، نوعی تفکر بصیرت‌افزا و باطن‌بین است که انسان در آن از سطح به عمق حرکت می‌کند و در جهت‌بخشی به شناخت‌های نظری انسان از یک سو، و هدایت صحیح عقل عملی در تشخیص و اقدام مناسب از سوی دیگر، نقش بسزایی دارد. واژه‌های «تفکر» و «تدبیر» در آیات قرآن در موارد قابل توجهی ناظر به این گونه تفکر هستند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این سخن، مطابق با حدیثی مشهور از امام علی (علیه السلام) است: «چه بسیار عقل‌ها که اسیر هوا و هوس هستند که بر آن‌ها حاکم‌اند!» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱).

۲. برای پرهیز از ابهام و پیچیدگی متن، برخی از واژه‌های به کار رفته در اینجا دقیقاً مطابق اصطلاحات فلاسفه و حکمای مسلمان نیستند.

۳. همین معنای ناپسند از تفکر است که در آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره مدثر مذمت شده است.





# معلمان شاد

تازه آغاز راه بود. فایل‌ها را بارگذاری کرده بود، ولی حدود ۲۵ دانش‌آموز کلاس از ۳۶ دانش‌آموز پیام گذاشتند که فایل برایشان باز نشده است یا باز نمی‌شود یا با سرعت بسیار کندی در حال بارگیری است. با کمال ناباوری دیدم که معلم نازنین مدرسه‌مان پیش‌بینی این موضوع را کرده و با نرم‌افزار دیگری روی فایل کتاب تدریس کرده است تا در حجمی بسیار کم بتواند آن را بارگذاری کند. چقدر ناراحت شدم برایش! چقدر می‌تواند طاقت‌فرسا باشد که تو بدون داشتن دانش کافی و تنها با تلاش خودت، برای یک عنوان ساده، دو نوع محتوا آماده کرده باشی!

تدریس که تمام شد، تنها پنج دقیقه از زمان کلاس باقی مانده بود تا دبیر

← امروز از ساعت ۸:۳۰، با یکی از دبیران مدرسه در تدریس برخط همراه شدم؛ دبیر ریاضی پایه نهم. دبیر مربوطه کلاس را با یک جمله انگیزشی آغاز کرد که به نظرم جالب آمد. بعد، از طریق بات (bot) حضور و غیاب، فرصتی چنددقیقه‌ای را برای حضور و غیاب دانش‌آموزان تعیین کرد و یک حال و احوال‌پرسی مختصر. زمان کلاس‌های برخط بسیار کوتاه است و او در زمان ۳۵ دقیقه کلاس، کلی کار برای انجام داشت. برای تدریسی که به‌طور معمول شاید می‌توانست در یک کلاس حضوری در زمانی حدود ۱۵ دقیقه با آرامش و راحتی انجام شود، چندین محتوا تولید کرده بود؛ محتواهایی که می‌دانستم خودش با زحمات فراوان آموخته تا آن‌ها را بسازد.

© مونس یازکی





دیدم که تعدادی تکلیف مشخص کرد و خواست دانش‌آموزان تا ساعت پنج عصر برایش بفرستند که بتواند تا کلاس بعدی اشکالات آن‌ها را مشخص کند. در پایان برای جلسه بعد امتحان در نظر گرفت و به دانش‌آموزان گفت برای امتحان تشریحی آماده باشند.

بعد از پایان کلاس، از همکارم پرسیدم چرا از مدل‌های آزمون‌های چندگزینه‌ای استفاده نمی‌کنید؛ هم راحت‌تر طراحی و هم راحت‌تر تصحیح می‌شوند. او گفت با وجود راحتی مدل چندگزینه‌ای، در درس‌هایی مانند ریاضی نیازمند این هستیم که بدانیم دانش‌آموز چگونه و از چه راهی به نتیجه رسیده است. بنابراین، با وجود اینکه تصحیح آزمون مجازی بسیار سخت و وقت‌گیر است، ترجیح می‌دهم عمق دانسته‌های دانش‌آموزانم را بیازمایم.

با یک محاسبه سرانگشتی و با این روال کند و ضعیف زیرساخت، پیداست این معلم، نه ۲۴ ساعت، که برای این ۲۴ ساعت چیزی حدود دوبرابر باید زمان بگذارد تا بتواند علاوه بر رفع سختی یادگیری مجازی، خلأهای ناشی از ضعف شاد را نیز پاسخگو باشد.

چه فشار و سختی مضاعفی بر شانه‌های این عزیزانم سنگینی می‌کند؛ از سوی دیگر، چقدر ناراحت دانش‌آموزان شدم! چقدر دغدغه داشتند! اصلاً آرام و قرار نداشتند! به‌طور دائم نگران بودند نکند چیزی را جا انداخته باشند یا صدایی را نشنیده باشند! تازه، از سختی باز کردن فایل‌ها در شاد به معلمشان شکایت می‌کردند، چرا که او را نماینده این شبکه می‌دانستند. به‌طور مرتب تأکید می‌کردند: خانم فقط همین فایل‌ها بود، یا من دریافت نکرده‌ام؟ همین ۱۰ صوت بود یا باز هم بوده؟

این تنها یک کلاس بود از هزاران و میلیون‌ها کلاس در سراسر کشور و ۳۶ دانش‌آموز از میلیون‌ها دانش‌آموز، با مشکلاتی شاید بیشتر. شاد کار بزرگی در عرصه آموزش و پرورش کشورمان است. فضایی را که نیازمند آن بودیم، بحران کرونا باعث تعجیل در ظهورش شد. ولی این فضا مشکلاتی دارد و از همه مهم‌تر، پایین بودن ظرفیت آن است. شاید لازم بود به‌گونه‌ای طراحی شود که پاسخگویی تعداد بالای دانش‌آموزان و فایل‌های پر حجم باشد! شاید بسیاری از این مشکلات به سرعت اینترنت در سطح کشور وابسته باشد که لازم است با تفاهم‌نامه‌ای بین آموزش و پرورش و وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای مربوط حل شود، ولی با تمام این تفسیرها و مشکلات، باز هم معتقدم، باید بر استفاده از این شبکه پافشاری کرد، زیرا باز بودن فضای اندروید، استفاده از سایر فضاها را برای تدریس و استفاده دانش‌آموزان پرخطرتر می‌کند. شاید این بزرگ‌ترین حسن شاد باشد که اگر فرزندانمان ساعت‌ها هم در آن فعالیت داشته باشند، نگران دسترسی‌شان به مطالب و محتواهای نابهنجار نیستیم و اشتراک‌گذاری مسائل شخصی در آن بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، در شاد کنترل فعالیت‌های دانش‌آموزان کاملاً شدنی و ممکن است.

به هر روی، شبکه آموزش دانش‌آموزی نیازمند همکاری دسته‌جمعی است؛ از سطوح تصمیم‌گیری تا سطوح اجرایی در مدرسه. سطوح تصمیم‌گیری کلان باید درصدد رفع مشکلات آن باشند و از کارکنان مدرسه به‌طور کامل حمایت کنند و سطوح اجرایی باید در صدد استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود در شاد باشند.

بتواند به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ بدهد. تنها توانست به سؤال یک نفر پاسخ بدهد، چون پاسخگویی در بستر شاد، با این سرعت کم بارگذاری، بسیار رنج‌آور و وقت‌گیر بود. صدای اعتراض بچه‌ها بلند شد که خانم، ما هم اشکال داشتیم. دبیر مجبور شد برای پاسخگویی، بعد از زمان کلاس‌های مدرسه، از ساعت ۱۲ به بعد، زمانی را مشخص کند تا بتواند پاسخگویی سؤالات دانش‌آموزانش باشد و من



# درست یا نادرست

سنجش، آزمون، اندازه‌گیری و ارزشیابی

© دکتر حسن نادعلی‌پور / عکاس: اعظم لاریجانی



و واژه‌ها ممکن است چالش‌ها و حتی آسیب‌هایی جدی به فرایند تدریس و یادگیری در سطح نظام آموزشی وارد کند و حتی فراتر از آن به کارگیری ناروای آن‌ها، ما را از رسیدن به اهداف سنجش مؤثر و جامع بازدارد، بر آنیم تا به صورت خلاصه، تعریف‌ها و مفاهیم صحیح و اصولی کلمات و اصطلاحات مرتبط به این حوزه را شرح دهیم.

## سنجش

سنجش در اینجا یک اصطلاح گسترده برای توصیف فرایند جمع‌آوری، ترکیب و تفسیر اطلاعات، به منظور کمک به تصمیم‌گیری‌های کلاسی محسوب می‌شود (بروکهارت و نیتکو، ۲۰۱۹، آیراسیان و راسل، ۲۰۱۱). برای مثال، وقتی ما از سنجش شایستگی یک

اصطلاحات وجود دارد، از جمله:

• آزمون همان سنجش است و سنجش همان آزمون.

• تنها تکنیک برای استنباط و داده‌یابی در مورد میزان یادگیری دانش‌آموزان همین آزمون‌ها هستند.

• ارزشیابی را می‌توان بدون سنجش انجام داد.

• سنجش همان ارزشیابی است.

• تنها هدف از برگزاری آزمون‌ها، طرح‌ریزی برای جمع‌آوری آموخته‌های افراد است.

• همیشه و در همه هنگام سنجش نتیجه اندازه‌گیری است.

• ارزشیابی فقط براساس اندازه‌گیری‌ها یا نتایج آزمون است.

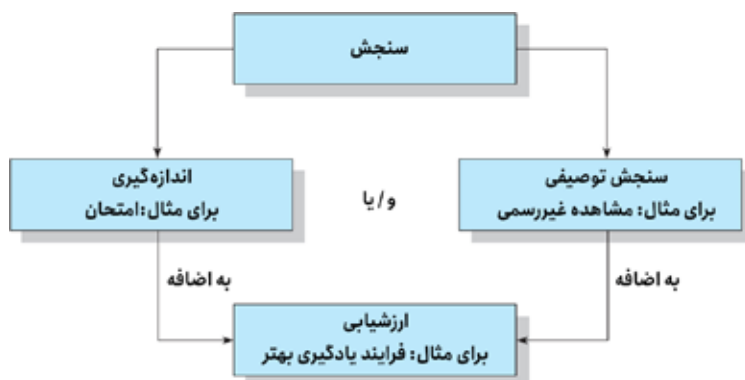
با توجه به اینکه ناآشنایی با تعریف‌ها و مفاهیم هر کدام از این اصطلاحات

یکی از عناصر مهم برنامه درسی،

تعیین شیوه‌های سنجش و ارزشیابی آموخته‌های فراگیرندگان است. سنجش ارزشیابی از یک سو عاملی است برای تحکیم آموخته‌های یادگیرنده و ابزاری برای بهبود یادگیری و از سوی دیگر فرایندی برای تعیین میزان آموخته‌های دانش‌آموزان محسوب می‌شود (آیزنر، ۱۹۹۴؛ کیل و همکاران، ۲۰۰۶).

واژه‌های مرتبط و پرکاربرد با این کنش چالش‌برانگیز آموزشگری در کلاس درس عبارت‌اند از: سنجش<sup>۱</sup>، آزمون<sup>۲</sup>، اندازه‌گیری<sup>۳</sup> و ارزشیابی<sup>۴</sup>. این واژه‌ها به سادگی و نادرست به جای هم به کار برده می‌شوند، ولی ما به عنوان مربی و معلم آموزشی باید بین آن‌ها تمایز قائل شویم. برداشت‌های نادرست و کاربردهای نابجایی در مورد این





### ارزشیابی

ارزشیابی، فرایند قضاوت ارزشی در مورد ارزش فرآورده و یا عملکرد دانش‌آموز است. برای مثال، ممکن است شما وضعیت نگارش دانش‌آموزان را فوق‌العاده خوب قضاوت و تعیین سطح کنید (بروکهارت و نیتکو، ۲۰۱۹). این ارزشیابی باعث می‌شود شما دانش‌آموزان را برای شرکت به یک رقابت ملی مقاله‌نویسی تشویق و هدایت کنید. برای انجام چنین ارزشیابی، شما باید اول توانایی نگارش او را بسنجید. ممکن است شما با مرور مجلات دانش‌آموزی، مقایسه نگارش او با سایر دانش‌آموزان و با دانستن استانداردهای کیفی نگارش و ... اطلاعاتی جمع‌آوری کنید. این سنجش‌ها اطلاعاتی به شما می‌دهد که ممکن است در قضاوت در مورد کیفیت و ارزش نگارش دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده کنید. قضاوت شما در مورد اینکه نگارش او کیفیت بالایی دارد، شما را به تصمیم‌گیری در مورد اینکه او را برای ورود به رقابت‌هایی تشویق کنید، هدایت می‌کند. ارزشیابی‌ها اساس تصمیماتی هستند که به ما می‌گویند چه اقداماتی باید پیگیری شوند.

به محض اینکه اطلاعات سنجش جمع‌آوری شود، معلمان از آن برای تصمیم‌گیری در مورد دانش‌آموز، فعالیت‌های تدریس و جو کلاس استفاده می‌کنند. ارزشیابی محصول سنجشی است که موجب شکل‌گیری تصمیم در مورد ارزش عملکرد یا فعالیتی

اعداد (معمولاً نمره نامیده می‌شود) به یک ویژگی یا ویژگی‌های خاص از یک فرد است، به گونه‌ای که اعداد، میزانی را که هر فرد از آن ویژگی داراست، توصیف کنند. ویژگی مهم اختصاص اعداد در اندازه‌گیری این است که نتایج نمرات، نظم موجود در جهان واقعی را بین افرادی که اندازه‌گیری می‌شوند، حفظ می‌کنند (بروکهارت و نیتکو، ۲۰۱۹). نمونه‌های بسیار رایج اندازه‌گیری در کلاس زمانی است که معلم نمره‌ای به یک آزمون اختصاص می‌دهد. نمره‌دهی موجب توصیف عددی عملکرد می‌شود. معراج در درس علوم تجربی از ۲۰ نمره، ۱۸ شده است، مهرناز از آزمون ریاضی ۷۵ درصد گرفت. زینب در آزمون هوش، نمره ۱۱۵ را به‌دست آورد. نمره در هریک از این مثال‌ها، به‌عنوان عددی برای نشان دادن عملکرد یا ویژگی فرد به کار گرفته شده است.

بنابراین، سنجش ممکن است شامل اندازه‌گیری باشد و ممکن است اندازه‌گیری را شامل نشود. اگر یک روش دانش‌آموزان را با برچسب‌ها یا طبقه‌بندی‌های کیفی توصیف کند نه با اعداد، دانش‌آموزان سنجش می‌شوند، اما اندازه‌گیری نمی‌شوند. با توجه به مفاهیم و مسائلی که در این اینجا بررسی کردیم، سنجش اصطلاح وسیع‌تری از آزمون و اندازه‌گیری است، زیرا همه گونه‌های متنوع سنجش، شامل اندازه‌گیری‌ها نمی‌شوند (سنجش‌ها متنوع‌تر و گسترده‌ترند).

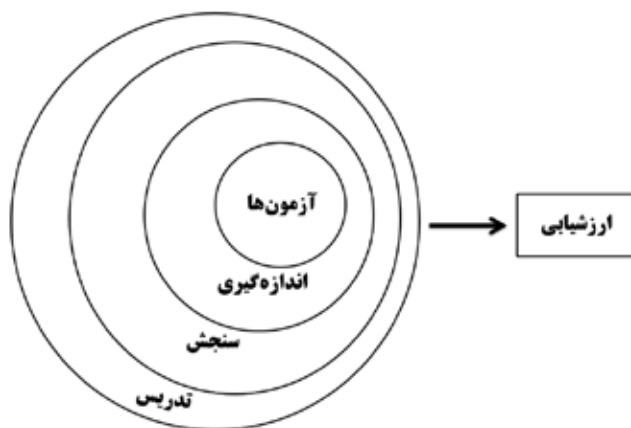
دانش‌آموز سخن می‌گوییم، بدین معناست که در حال جمع‌آوری اطلاعاتی هستیم که در تصمیم‌گیری‌هایمان در مورد اینکه دانش‌آموز تا چه حد، نتایج قصدشده یادگیری را کسب کرده است، به ما کمک کند. تکنیک‌های سنجشی زیادی ممکن است برای گردآوری این اطلاعات مورد استفاده قرار بگیرند: مشاهدات رسمی و غیررسمی دانش‌آموزان، آزمون‌های مداخله - کاغذی، تکالیف سنجش عملکرد، و سنجش به‌وسیله راهنماهای توصیف عملکرد (راهنمای نمره‌گذاری). برای مثال: تکالیف عملکردی در منزل، فعالیت خارج از کلاس، فعالیت‌های آزمایشگاهی، مقالات پژوهشی، پروژه‌ها، پرسش‌های شفاهی روزانه، تحلیل سوابق دانش‌آموزان.

### آزمون

آزمون یک ابزار یا یک روش نظام‌دار برای مشاهده و توصیف یک یا چند ویژگی دانش‌آموز با استفاده از مقیاس عددی یا طرح امتیازدهی تعریف می‌شود (بروکهارت و نیتکو، ۲۰۱۹). همچنین، سیف (۱۳۹۹) آزمون را مجموعه‌ای سؤال تعریف کرده است که غالباً به‌صورت کتبی (مداد - کاغذی) برای پاسخگویی در اختیار آزمون‌شوندگان گذاشته می‌شوند. نکته مهم اینکه مفهوم آزمون محدودتر از سنجش است. معمولاً ما در مدارس آزمون را به‌عنوان یک ابزار مداخله - کاغذی یا مجموعه‌ای از سؤالات می‌شناسیم که دانش‌آموزان باید به آن‌ها پاسخ دهند (بروکهارت و نیتکو، ۲۰۱۹). که البته این گونه نیست. مثلاً ممکن است در زمینه مهارت‌های ارتباطی آزمون‌های شفاهی و در مورد مهارت‌های روانی - حرکتی، آزمون‌های اعمال جسمانی داشته باشیم (لطف‌آبادی، ۱۳۹۶).

### اندازه‌گیری

اندازه‌گیری روشی برای اختصاص دادن



نمودار آمیختگی رابطه تدریس، سنجش، اندازه‌گیری، آزمون و ارزشیابی (براون، ۲۰۱۸)

معلم و فراگیرندگان نسبت به نتایج به‌دست‌آمده واکنش نشان می‌دهند، مجدداً و در صورت نیاز فرایندهای تدریس و یادگیری به‌منظور اثربخشی بیشتر اصلاح می‌شوند و میزان یادگیری فراگیرندگان ارزشیابی می‌شوند. این آمیختگی در اینفوگرافیک دوم به‌خوبی نشان داده شده است.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Eisner
2. Keppell
3. Assessment
4. test
5. measurement
6. evaluation
7. judgment

#### منابع

۱. آیراسیان، پیتر و راسل، مایکل (۲۰۱۰). **سنجش کلاسی**. ترجمه هادی کرامتی. گاج. تهران.
۲. بازرگان، عباس و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۹). **نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی**. سمت. تهران.
۳. بروکهارت، سوزان و نیتکو (۲۰۱۹). **سنجش تحصیلی دانش‌آموزان**. ترجمه حسن نادعلی پور. کورش چاپ. تهران.
۴. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۹۶). **سنجش و اندازه‌گیری در علوم تربیتی**. ویراست دوم. سمت. تهران.
5. Douglas, h. Brown(2019). **Language Assessment, Principles and Classroom**. (3ed). by Pearson Education, Inc.
6. Eisner, w. e (1994) **The Educational Imagination**.3RD MACMILLAN PUBLISHING CO.CHP
7. Keppell. M. K (2006) **AUTHENTIC ON-LIN ASSESSMENT**.

### نتیجه‌گیری

رابطه بین اصطلاحات سنجش، آزمون، اندازه‌گیری و ارزشیابی، نکاتی را در خود نهفته دارد که ذکر آن‌ها به شناخت عمیق آن‌ها کمک بیشتری خواهد کرد. نکته مهم در این باره این است که همه تصمیمات سنجش به استفاده از آزمون یا اندازه‌گیری نیاز ندارند. علاوه بر این، همه تصمیمات ناشی از سنجش به ارزشیابی یا قضاوت در مورد دانش‌آموز منجر نمی‌شود، به‌گونه‌ای که براون (۲۰۱۸) می‌گوید: «شما بدون انجام ارزشیابی می‌توانید سنجش کنید، اما ارزشیابی بدون سنجش برای شما میسر نیست».

اما در پایان باید یک نکته مهم را خاطر نشان کنیم که تدریس، یادگیری، سنجش، آزمون، اندازه‌گیری و ارزشیابی به‌اندازه‌ای با یکدیگر در هم آمیخته‌اند که تفکیک آن‌ها از یکدیگر دشوار است. معلمان فعالیت‌های آموزشی و مربوط به تدریس خود را طراحی می‌کنند، فراگیرندگان سنجیده و سطح یادگیری آن‌ها تعیین می‌شود، فراگیرندگان در برنامه‌ها و فرصت‌های یادگیری طراحی شده توسط معلم شرکت می‌کنند، در حین انجام فعالیت‌ها میزان یادگیری آن‌ها با تکنیک‌های متنوع و متناسب با اهداف و مقاصد یادگیری سنجیده می‌شود، به فراگیرندگان بازخوردهای سازنده، حمایتی و جلوگیری از افت ارائه می‌شود،

براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، ترکیب و تفسیر می‌شود (آیراسیان و راسل، ۲۰۱۰).

### داستان واژه‌ها

معلمی را تصور کنید که در شروع سال تحصیلی می‌خواهد میزان آمادگی ریاضی دانش‌آموزان را بسنجد تا متوجه گام شروع و آغاز تدریس خود شود. ملاحظه می‌کنید که دلیل اصلی سنجش، تصمیم‌گیری است. ابتدا معلم یک آزمون مداد-کاغذی ریاضی به دانش‌آموزان می‌دهد (آزمون). نمرات دانش‌آموزان در آزمون، میزان آمادگی یادگیری آن‌ها را در ریاضی نشان می‌دهد (اندازه‌گیری). البته معلم از شیوه‌های دیگری نیز برای داده‌یابی و جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کند. او با دانش‌آموزان در مورد ریاضی صحبت می‌کند (مصاحبه). همچنین، هنگامی که تمرینات را انجام می‌دهند، آن‌ها را به خوبی نگاه می‌کند (مشاهده). نمرات سال گذشته و کارپوشه‌های مربوط به آن‌ها را بررسی می‌کند (کارپوشه). سپس درباره همه اطلاعات و داده‌هایی که در جریان سنجش جمع‌آوری کرده است، فکر می‌کند. او سپس و در اولین گام ارزشیابی می‌کند یا در مورد وضعیت فعلی آمادگی ریاضی دانش‌آموزان قضاوت می‌نماید. تصمیم نهایی او (بر پایه سنجش و ارزشیابی)، مرور وضعیت ریاضی سال قبل، پیش از شروع موضوعات جدید است.



در خانه بمانیم

# شهر بدون کرونا



© سمیرا احمدی مقدم، کارشناس آموزش دوره دوم ابتدایی استان آذربایجان شرقی

از ایشان در مورد هدف از ساخت این ماکت و هدایت دانش آموزان به ساخت و گردآوری این مجموعه پرسیدم. در جواب گفت: «اولا بنده به‌شخصه اعتقاد دارم آموزشی که بر تجربه و مهارت‌های عملی مبتنی باشد، دانش آموزان را در فرایند یادگیری و درک بهتر و عمیق‌تر کمک می‌کند. همچنین، دانش آموزان به‌وسیله کاردستی، علاقه‌ها و افکار درونی خود را در عمل نشان می‌دهند، روش حل مشکلات را تمرین می‌کنند و مهارت تفکر منطقی در شرایط

مدرسه‌های دارای کلاس‌های چندپایه به نام «شهدای یالقوز آغاج ترکمانچای»؛ عنوان آن‌ها هم این بود: «شهر بدون کرونا»، عنوان و موضوعی جالب که می‌توانست نشان‌دهنده آرزویی کودکانه باشد. بر آن شدم با دانش‌آموزانی که این ماکت را ساخته بودند، صحبت کنم. چون بحران کرونا مطرح بود، نمی‌توانستم از نزدیک به آموزشگاه بروم. بنابراین با مدرسه تماس گرفتم. ابتدا با مدیر آموزگار آموزشگاه، آقای **سیروس میرزازاده**، صحبت کردم.

← تابستان ۱۳۹۹ بود. به‌عنوان مدرس برنامه ویژه مدرسه و کارشناس دوره دوم ابتدایی استان، طی اطلاعیه‌ای، از مناطق و نواحی خواسته بودیم از روند اجرای برنامه ویژه مدرسه (بوم) و مهارت‌های آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان، گزارشی به معاونت ابتدایی استان ارسال کنند. پس از جمع‌بندی اطلاعات، زمانی که آن‌ها را بررسی می‌کردم، تصویرهایی توجه مرا به خود جلب کردند؛ تصویرهایی از دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان یکی از



و پژوهش یا دست‌سازه‌هایی که داریم، صورت می‌گیرد. من و مریم در صبح یکی از روزهای اردیبهشت‌ماه به مدرسه آمدیم. آن روزها اولین ماه‌هایی بود که ویروس کرونا وارد کشور ما شده بود و از تمامی رسانه‌ها به مردم توصیه می‌شد برای حفظ سلامتی خود و خانواده‌هایشان و قطع شدن زنجیرهٔ کرونا در خانه بمانند. البته موردی از شیوع ویروس کرونا در روستای ما دیده نشده بود. آن روز در مدرسه آقای معلم به ما گفت امروز قرار است به جای یکی از درس‌ها، مهارتی را یاد بگیریم؛ مهارت خودمراقبتی. ابتدا در مورد ویروس کرونا و نحوهٔ انتشار آن برایمان توضیح داد. سپس از ما خواست مواردی را که باعث می‌شوند انتقال این بیماری کم شود یا ویروس از بین

از ایشان خواستیم با آیدیس صحبتی داشته باشیم. پس از سلام و احوال‌پرسی با آیدیس، از او خواستیم دربارهٔ خودش، مدرسه و چگونگی ساخت ماکت شهر برایم بگوید. آیدیس چنین گفت: «اسم مدرسه ما شهدای یالقوزآغاج است که در روستای یالقوزآغاج بخش ترکمانچای منطقهٔ میانه در استان آذربایجان شرقی واقع شده است. البته بهتر است این را هم بگویم که مدرسه ما با مدرسه‌های دیگر کمی فرق دارد. مدرسه ما اولین پژوهش‌سرای روستایی دانش‌آموزی را دارد. معلم مهربانمان با دلسوزی، محیط و امکانات آموزشی مدرسه را برایمان به‌گونه‌ای فراهم کرده که بیشتر قسمت یادگیری درس‌ها با فعالیت‌هایی که خودمان انجام می‌دهیم، با تحقیق

بحرانی مثل کرونا را یاد می‌گیرند. با تشکیل نمایشگاهی از دستاوردهای دانش‌آموزان، در آن‌ها اعتمادبه‌نفس به وجود می‌آید و این در رفع آلام دانش‌آموزانی که دچار آسیب‌های روحی و روانی شده‌اند، مؤثر است. مجموعهٔ مذکور در راستای برنامهٔ ویژهٔ مدارس و با هدف فرهنگ‌سازی شعار «در خانه بمانیم» که یکی از اهداف برنامهٔ بوم است، تهیه شده است.» دوست داشتیم نظر دانش‌آموزان را هم در این باره جویا شوم. از آقای میرزازاده در مورد دانش‌آموزان دورهٔ دوم این مدرسه پرسیدم که برنامهٔ بوم برای آنان اجرا می‌شد. او گفت: «تعداد دانش‌آموزان دورهٔ دوم این آموزشگاه دو نفر است. مریم‌جان محمدی در پایهٔ چهارم و آیدیس سلطانی در پایهٔ پنجم».





هرچه زودتر تمام کنیم». از آیدیس پرسیدم: «با ساخت این ماکت چه احساسی به تو و مریم دست داد». او در جواب گفت: «این کار باعث شد علاوه بر اینکه اوقات فراغت خود را به خوبی سپری کنیم، یاد بگیریم در چنین زمان‌هایی به حرف مسئولان گوش دهیم تا مشکلات رفع شوند». گفت‌وگوی شیرینی بود. پس از صحبت با مدیر، به اهمیت طرح‌ها و برنامه‌هایی که خارج از کتاب درسی در مدرسه‌ها اجرا می‌شوند پی بردم. چه خوب است با آشنایی درست و منطقی از اهداف این برنامه‌ها، از آن‌ها در راستای آموزش درست فرزندان این مرز و بوم استفاده کنیم!

به اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا اعلام کرده است بهترین راه مبارزه با کرونا در خانه ماندن است، بیایید با استفاده از دست‌سازه، شهری بدون کرونا بسازیم. من و مریم بسیار خوشحال شدیم. وسایلی را که خودمان قبلاً در ارتباط با درس‌های مختلف ساخته بودیم و وسایلی را که دانش‌آموزان دیگر در ارتباط با موضوعات مختلف ساخته بودند، آوردیم و با کمک معلممان، ماکت شهر بدون کرونا را ساختیم؛ شهری که در آن مردم در خانه مانده بودند تا از شر ویروس کرونا در امان باشند. آن‌قدر این کار را دوست داشتیم که از آقای معلم اجازه می‌گرفتیم کمی بیشتر در مدرسه بمانیم تا ماکت را

برود، برایش بگوییم. او از ما خواست به خوبی به این مورد فکر کنیم و بعد جواب دهیم. من و مریم اول کمی به هم نگاه کردیم. بعد از کمی فکر کردن، مواردی را که به ذهنمان آمد نوشتیم. آقای میرزازاده از ما خواست یادداشت‌هایمان را برای او بخوانیم. من شروع به خواندن کردم و مریم هم گفته‌های مرا تصدیق کرد. ما نوشته بودیم برای خلاص شدن از شر کرونا، مردم باید بهداشت را رعایت کنند. هنگام عطسه یا سرفه کردن جلوی دهانشان را با دستمال کاغذی بگیرند و مهم‌تر از همه، در خانه آقای میرزازاده گفت، بچه‌ها، با توجه



# فاصله



◎ میلاد اردهالی، معلم دوره ابتدایی، تهران

می‌کند ما چه قدر موجود بی‌انصافی هستیم که او را متهم و وی را بازخواست می‌کنیم و علت وجود این تناقض در وی، نبود مهارت تفکر و تعقل در کودک است که وجود آن نیازمند آموزش صحیح است؛ ضمن اینکه اساس کلام ما بر این پایه استوار است که ما می‌توانیم فکر آنان را کنترل کنیم و افسار تفکر آنان را در دست بگیریم و به هر سمتی که خود صلاح می‌دانیم بکشیم. این در حالی است که ما تنها می‌توانیم کودکان را به سمت تفکر صحیح هدایت کنیم و مهارت خردورزی و تعقل را به آنان آموزش دهیم تا خود در شرایط نیاز این مهارت را به کار گیرند.

ما در این نوشته به دنبال ایجاد فاصله‌ای مثبت هستیم تا در آن شرایط، ضمن حفظ احترام و دوری از پرخاش و تندخویی، محیطی را ایجاد کنیم که کودک یا نوجوان بتواند در آن به تفکر و تعقل بپردازد و راهی برای حل تعارضات و مسائل بیابد. برای ایجاد این شرایط نیاز است این مراحل دنبال شوند:

## ۱. گفت‌وگو و تمرین کنید.

قبل از استفاده از فاصله مثبت نیاز است درباره فایده‌های این راهکار با مربیان خود گفت‌وگو کنید و بگویید

آیا شما چنین شخصی را که این نوع از برخورد و قالب کلامی را برگزیده، حتی اگر قصد کمک به شما را داشته باشد، برای بیان مشکلات خود و کمک خواستن انتخاب می‌کنید و این نوع برخورد را کمک‌کننده و رشددهنده می‌دانید؟

حال سؤال اصلی این است که وقتی این نوع از برخورد کلام و گفتار با بزرگسالان، محترمانه یا مؤثر واقع نمی‌شود، چرا باید فکر کنیم این‌گونه برخورد و آداب کلامی برای تأدیب و تربیت کودکان مؤثر واقع می‌شوند و ما را در راستای اهداف تربیتی خود، که از اهم آنان رشد عزت‌نفس و کرامت انسانی است، هدایت می‌کند؟

برخی از بزرگسالان کارهای غیرمؤثر و نسنجیده زیادی انجام می‌دهند. آنان به نتایج بلندمدت اعمالشان نمی‌اندیشند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کنند کودکان نسبت به برخوردهای ما چه احساسی دارند. در واقع معمولاً بزرگسالان تفکر نمی‌کنند که کودکان از برخوردها و صحبت‌های ما چه برداشتی می‌کنند.

وقتی به کودک یا نوجوانی می‌گوییم: «به کارت فکر کن!» احتمالاً وی نه تنها به کار خود فکر نمی‌کند، بلکه فکر

گاهی اوقات پیش آمده است که از سخنان دیگران به رنج آمده و احساس خوبی نسبت به کلام آنان ندارید. خیلی از اوقات هم شده است که کلام افراد به مذاق شما خوش می‌آید و صرف‌نظر از محتوا، پیام مثبتی را برای شما به همراه دارد، و نه تنها شما را رنجیده‌خاطر نمی‌کند، بلکه گوش جان فرا می‌سپارید.

در این میان، دلیل برانگیخته‌شدن احساسات ما نسبت به کلام دیگران، تنها پیامی نیست که دریافت شده است، بلکه مهم‌تر از آن، قالبی است که در آن، پیام و محتوا به ما انتقال داده می‌شود و اثرگذاری چشمگیری در طرف مقابل دارد.

برای مثال، وقتی همسر یا همکاران جلوی شما را بگیرد و بگوید: «از کارت خیلی بدم آمد، برو گوشه‌ای بنشین و به کارت فکر کن!» چه احساسی به شما دست می‌دهد؟

آیا از اینکه همسر یا همکار شما در این قالب پیام خود را به شما رسانده و شما را به تفکر دعوت کرده است، خوشحال می‌شوید یا رنجیده‌خاطر و ناراحت؟ آیا با خود می‌گویید که: «وای! چه حرف دلگرم‌کننده‌ای!» یا می‌گویید: «چه برخورد بی‌جا و توهین‌آمیزی!»

# مثبت



از پیدا کردن احساس بهتر در محل فاصله، ممکن است مشکل همچنان پابرجا باشد و آنان باید به دنبال راه‌حلی برای حل مشکلات باشند.

ممکن است متری پس از ایجاد فاصله و برقراری آرامش نتواند برای مشکل به وجود آمده راه‌حل مناسبی بیابد. در این صورت نیاز است با کمک شما به این مهم دست یابد تا در نهایت به اهداف مورد نظر در این رویکرد که عبارت‌اند از کنترل خشم، مهارت حل مسئله، خردورزی و تفکر انتقادی، برسد.

با به‌کارگیری این روش، مربی و متری پس از ایجاد فاصله مثبت و برقراری آرامش، به راه‌حل مناسبی برای حل تعارضات می‌اندیشند تا هم پیام خود را به دوری از پرخاش و تندخویی به یکدیگر انتقال دهند و هم بستری برای هم‌افزایی و رشد در مسیر تربیت فراهم آورند.

## پی‌نوشت

۱. فاصله مثبت در واقع معادلی است برای عبارت Positive Timeout که در بسیاری از منابع تربیتی متداول است و به‌کار می‌رود. فاصله گرفتن در هنگام تعارضات مفید است، ولی اگر این کار را با تنبیه و آزار کودک همراه نکنیم، می‌توانیم از این فرصت برای دستیابی به آرامش و احساس بهتر استفاده کنیم.

کنیم تا راحت‌تر بتوانند راه‌حلی برای مشکل به وجود آمده بیابند؛ ضمن اینکه با ایجاد این فاصله، آنان ما را در مقابل خود نمی‌بینند و متوجه می‌شوند شخصی در کنارشان قرار گرفته تا در کمال آرامش و احترام به وی کمک کند و بتواند مشکلاتش را با کمک او حل کند.

## ۳. از پیش درباره محل فاصله گفت‌وگو و برنامه‌ریزی کنید.

می‌توانید از قبل درباره محل فاصله با آنان گفت‌وگو و معین کنید در هنگام نیاز، بدون معطلی، به آن محل یا فعالیت رجوع کنند و آن فعالیت یا محل را که می‌تواند فعالیتی مانند مطالعه یا حتی بازی باشد، محلی برای آرامش و تفکر بیابند. خیلی اوقات بزرگ‌ترها فکر می‌کنند کودکان وقتی مرتکب اشتباهی شده‌اند و می‌خواهند اشتباه خود را جبران کنند یا درباره آن گفت‌وگو کنند، نباید احساس خوبی داشته باشند؛ غافل از اینکه کودکان وقتی بهتر عمل می‌کنند که احساس بهتری داشته باشند. در این شرایط، هم بهتر فکر می‌کنند، هم بهتر تصمیم می‌گیرند و هم بهتر عمل می‌کنند.

## ۴. به کودکان بیاموزید حتی پس

که هدف از انجام این کار، رسیدن به شرایطی جدید برای تعقل، تفکر و همچنین حل مسائل و تعارضات است. این روش را می‌توانید به صورت عملی و کاربردی به آنان آموزش دهید تا آنان نیز این راهکار را فراگیرند. برای مثال، مادر می‌تواند به هنگام عصبانیت و تعارضات از محیط متشنج فاصله بگیرد و زمان خود را به مطالعه کتاب یا دیدن برنامه تلویزیونی مورد علاقه خود اختصاص دهد و از آن شرایط دوری کند. همچنین، معلم می‌تواند در کلاس درس خود قسمتی را برای تفکر در نظر بگیرد تا دانش‌آموز در صورت لزوم از صندلی تفکر استفاده کند و راه‌حل مناسبی برای مشکل به وجود آمده بیابد. متری نیز با مشاهده این برخورد و رفتار آن را فرا می‌گیرد و در انجام آن اهتمام کند.

## ۲. خود متریان محل فاصله را ایجاد کنند.

به آنان بیاموزید که هدف از فاصله گرفتن، تنبیه کردن و رنجاندن آنان نیست، بلکه به دست آوردن آرامش و احساس مطلوب‌تر برای حل تعارضات منظور است، تا نه تنها دیگران را با کلام و رفتار خود نرنجانیم، بلکه آنان احساس کنند می‌خواهیم کمکشان



# انباری آسمانی!



حسین ریسیان / تصویرساز: سید میثم موسوی

شرایط پیش آمده و قرنطینه نقل مکان می‌کردیم. مقصد من رسیدن به وعده‌هایی بود که با گل‌های بهشت کلاسیام برای رسیدن به آن عهد بسته بودیم. می‌دانستم که ستون به ستون فرج است و اجر قدم‌هایم را خدا می‌دهد.

آستین‌ها را بالا زدم و در انبار خانه را باز کردم. شاید باور نکنید، اما زیباترین چیزی که در طول عمرم دیده بودم، همان گرد و خاک‌ها و تار عنکبوت‌های تنیده به دیوار انبار متروکه خانه بود. چشمانم برق می‌زد. پارچه‌ای به سر بستم، یا علی گفتم و عاشقی کردم. طبق معمول، سوت‌زنان مشغول

خانواده با تعجب مرا نگاه می‌کنند. نمی‌دانستند که من نه‌تنها خواب نیستم، بلکه بیدارتر از روزهای قبل هم هستم.

لباسم را پوشیدم، کتاب‌هایم را در کیف قرار دادم. تکه کاغذهای باطله‌ای که روی آن‌ها ایده‌های یادگیری را ثبت کرده بودم، خودشان لوله شدند و درون دستانم نشستند. آماده رفتن به محل کار شدم. فقط ساعت دیواری اتاق خوابم را در واپسین لحظات درون نایلون قرار دادم، چون می‌دانستم بیش از پیش به آن نیاز خواهیم داشت.

از اتاق خانه خارج شدم، اما این بار مقصد تغییر کرده بود. باید به خاطر

صدای مادرم به گوش می‌رسید که به همسرم می‌گفت: «حسین را بیدار نکنید. مدرسه‌ها به خاطر این مریضی تعطیل هستند ماما جان!» او خبر نداشت که من خود آموزش داده‌ام که هرگز نباید خواب بمانیم و حالا خود خواب بمانم؟! هرگز!

چگونه منع رطب کنم در حالی که خود رطب در دهان می‌گردانم؟ دیگر کدام یک از فرزندانم به حرف من گوش خواهند داد؟

از هول هراس برخورد انگ مرد عمل نبودن از سوی دانش‌آموزانم، از جای برخاستم. به سر میز رفتم و صبحانه را آغاز کردم. می‌دیدم که همه اعضای



عشق‌بازی بودم، اما این بار با غبار حضور دانش‌آموزانم!

از آن انبار کلاسی درست کردم به وسعت دریا، به زیبایی شفق‌های آسمان و به خوش‌بویی بهار نارنج، چون می‌دانستم قرار است مدت‌ها در خانه بمانم. ساعت را هم به دیوار مقابلم وصل کردم تا با تیک‌تاک عقربه‌هایش صدای گذر عمر را بشنوم و به بهانهٔ قرنطینه وقت را از دست ندهم.

آن روز شنبه بود و کارگران بزرگ و کوچک ساعت پیر مقابلم زمان ۱۱:۳۰ را نشان می‌دادند. مدرسه ما در شیف‌ت عصر دایر می‌شد و من حالا دیگر در کلاس بودم.

همه چیز آماده بود اما نه همه چیز! دفترم را باز کردم و فهرستی از همهٔ چیزهایی را که باید تا ۱ ساعت بعد فراهم می‌کردم، نوشتم:

قرآن، کتاب، دفتر، خودکار و ماژیک. اما این‌ها به نظرم همهٔ چیزها نبودند. باز هم فکر کردم. وقتی در قصر ذهنم مدتی چرخیدم، احساس کردم ابزار قبلی در این کلاس خیلی کارآمد نیستند. به فهرست بالا افزودم: گوشی، میکروفون، لپ‌تاپ و نرم‌افزار.

رفتیم و آن‌ها را فراهم کردیم. از نمایندهٔ کلاس خواستم در این زمان کوتاه گروهی از خانواده را در فضای مجازی برای دسترسی به دانش‌آموزان و برپایی کلاس آماده کند. شروع کردم به ساختن اولین فیلم آموزشی برای هم‌کلاسی‌هایم.

حس عجیبی داشتم. صدایم می‌لرزید. گرمای عجیبی درونم را فرا گرفته بود. من که در گذشته این کار را به دفعات انجام داده بودم، نمی‌دانستم چرا امروز بارها ضبط و حذف می‌کردم. می‌دانستم که از قبل آن‌ها را برای این‌گونه آموزش آماده کرده بودم، اما آن‌ها فقط یک مانور بودند و امروز قرار بود حاصل تلاش‌هایم را ببینم. نمی‌دانستم آیا واقعاً توانایی یادگیری به واسطهٔ محتوای آموزشی را دارند یا خیر؟ و همین مضطربم می‌کرد. با خودم تصمیم گرفتم اولین فیلمی را که برای پسرهای کلاس سوم می‌آم می‌فرستم، آموزش محیط از فصل پنجم

کتاب ریاضی درس آن روز مدرسه‌ام باشد. غریبه که نیستید، واقعیتش آن است که نمی‌خواستم تعطیلی مدرسه را حس کنند! فیلم اول را ساختم؛ فیلمی که با یک انیمیشن شروع می‌شد و در ادامه سراغ درس و تکلیف می‌رفت.

ساعت مقابلم زمان به صدا در آمدن زنگ مراسم آغازین را نشان می‌داد. دیگر زمان آن فرا رسیده بود.

وارد گروه شدم، اما متأسفانه سنگ‌های زیر پایم یکی دو تا نبودند! سنگ‌های روز اول،

سنگ اول، حضور ۱۳ خانواده از ۳۱ خانواده؛ سنگ دوم متفاوت بودن سخت‌افزارهای کاربران و اجرا نشدن فرمت فیلم‌های ساخته شده برای آن‌ها؛ سنگ سوم نبودن یک فضای مجازی متمرکز (گروهی در تلگرام، دسته‌ای در واتس‌آپ و عده‌ای در اینستا)؛ سنگ چهارم افتضاح بودن شرایط اینترنت و سنگ‌های پنجم و ششم و هفتم...

به هر شکلی بود، تا ساعت دو بعدازظهر همه را در حد توانم به نوعی حل کردم و برای اینکه شروع آموزش را به روز بعد پاس بدهم، برای خود بهانه‌ای باقی نگذاشتم. رساندن ۱۳ نفر به ۲۵ نفر، تبدیل فیلم به سه فرمت برای اجرا در همهٔ انواع گوشی، ساخت گروه در سه اپ (۱۰ تا این ۱۱ تا آن و ۴ تا دیگری). اما بخش‌های دیگر واقعاً کار من نبود و فکر به آن و گره‌گشایی آن را به پایان کلاس موکول کردم.

اما بگذارید از کلاس زیبایم تعریف کنم. در ابتدا شاگردانی داشتم به سن و سال بالای ۲۵ سال. والدین را می‌گویم. اما آن‌ها را از کلاس بیرون کردم. بر در گروه نوشتیم ورود والدین ممنوع و شاگردانم را دعوت کردم. جالب بود، درست مثل اینکه زنگ تفریح تمام شده باشد، آن‌ها با تمام شیطنت‌هایشان به کلاس برگشتند. مثل بلبل با یکدیگر حرف می‌زدند. از غلط‌آملائی‌هایشان می‌شد به راحتی فهمید که دیگر خودشان هستند. بوی موفقیت را حس می‌کردم!

سلامی کردم. ناگهان رشتهٔ پیام‌هایشان قطع شد! انگار موجود جدیدی دیده

باشند! اما وقتی حالشان را پرسیدم، یخ‌هایشان آب شد. درون آن انبار آهنگ آرامی پخش کردم. سپس صحبت‌هایم را ضبط کردم و برایشان فرستادم تا صدایم برایشان آرامش‌بخش باشد. گفتم فیلمی برایتان می‌فرستم، آن را ببینید و یک ساعت دیگر به کلاس برگردید.

فیلم را دیدند، اما زمانی بیشتر از یک ساعت گذشت و آن‌ها برنگشتند. کم‌کم نگران شدم. در دلم سیر و سرکه‌ای می‌جوشید که نگو! اما عقلم می‌گفت صبر کن. به حرفش گوش کردم. در این لحظه ناگهان عکسی در گروه ارسال شد. خودم هم فراموش کرده بودم که در پایان فیلم تکالیفی به آن‌ها داده بودم. آن‌ها هم به دنبال پاسخ تکالیف رفته بودند. اندازهٔ محیط زمین فوتبال را از آن‌ها خواسته بود. حال پاسخ‌ها در عکس‌ها سرازیر شده بودند.

وقتی به پاسخ‌ها نگاه می‌کردم، پاسخ‌های نادرست هم درون آن‌ها مشاهده می‌شد. این یعنی هنوز به مقصد نرسیده بودیم!

در گام بعدی به دنبال طراحی فعالیتی برای یادگیری عمیق رفتیم. از آن جهت که کلاس را به صورت مجازی در خانه‌هایشان برگزار می‌کردم، به آن‌ها گفتم بروید یک تکه نخ و خط‌کش و قیچی بیاورید. سه دقیقه زمان دادم. آن‌ها برگشتند. گفتم نخ را به اندازهٔ دور تا دور تلفن همراهتان، با قیچی ببرید. عکس‌ها و صداهایشان می‌آمد و می‌گفتند: آقا این جوری؟ آقا عکس من رو ببینید، درست‌ه؟ و من هم به آن‌ها جواب می‌دادم. سپس به آن‌ها گفتم نخ را روی یک میز صاف کنید و آن را با خط‌کش اندازه بگیرید و اندازهٔ آن را به من بگویید. آن‌ها هم این کار را می‌کردند. می‌توانستم دستان کوچکشان را تصور کنم. می‌دانستم که اندازه‌گیری‌هایشان خطاهایی دارد. همچنین، از آنجا که می‌دیدم بعد از تشویق یک دانش‌آموز، بقیه هم می‌پرسند: «آقا پس مال من چطور بود؟»، می‌توانستم حدس بزنم برای رقابت با دوستانشان چه تلاشی می‌کنند! با طراحی این فعالیت، تقریباً خیلی از آن پرنده‌های بی‌بال در قفس

مانده‌ام اصل مطلب را گرفته بودند. اما اگر بخواهم اعترافی بکنم، باید بگویم تا اینجای کار قلبم درون حلقم گوشه‌ای را اجاره کرده بود. با احساس نزدیک شدن به موفقیت، کم‌کم استرس کم شد. در گام سوم یک فعالیت مطرح کردم تا ببینم چه مقدار از مطلب همچنان در دسته ناآموخته‌های آن‌هاست و این یعنی تیر آخر به سمت هدف کلاس معکوس.

به آن‌ها گفتم هر یک از شما بروید و دو بار دور فرش اتاقتان بچرخید و به من بگویید چند متر راه رفته‌اید. از دو راه به من جواب بدهید. از آنجا که شما مخاطب فیلم را ندیده‌اید، باید بگویم استفاده از ضرب در به دست آوردن محیط را در فیلم به آن‌ها نشان داده بودم. هدفم این بود که بفهمم چه مقدار از مطالب را با چه کیفیتی آموخته‌اند!

پس از دریافت پاسخ‌ها، دیدم که تعداد قابل توجهی از آن‌ها به من جواب نادرست داده‌اند. شاید بگویید این یعنی شکست، اما نه، شکست نبود! خدا را شکر که اکثر آن‌ها راه طول به اضافه عرض ضربدر دو را انجام داده بودند. این یعنی درک مطلب برایشان رخ داده بود. ولی اشتباه آن‌ها در این بود که به دو دور دقت نکرده بودند. فکری به سرم زد و همین را به عنوان تکلیفی برای روز بعد انتخاب کردم. به آن‌ها گفتم؛ همه شماها یک پیچ را اشتباهی رفته‌اید. این تکلیف شماست که خودتان تا فردا به این سؤال فکر و دقت کنید و جواب درست آن را برای من بفرستید. جالب بود که یک پاسخ غلط، اما لذت‌بخش پیدا کردم. فهمیدم آن‌ها اصل مطلب را گرفته‌اند. در نهایت دو تکلیف دیگر دادم و گفتم محیط کفش و اتاقتان را برای من به دست آورید.

دیگر زمان جدایی رسیده بود. من امروز شاید با چشم سر آن‌ها را ندیده بودم. اما با چشم دل، روشن‌تر از آنچه پیش از آن می‌دیدم، نظاره‌گرشان بودم. و به آن‌ها گفتم، درس امروز به پایان رسید. اگر سؤالی دارید پرسید، و اگر نه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. اما در این زمان سؤالی از من پرسیده شد:

آقا، امروز چه باحال بود! مدرسه تا کی تعطیله؟ تا کی کلاس‌مون اینجاست؟» اینجا بود که بوی موفقیت به مشام رسید. آن‌ها به دنبال باخبر شدن از مدت تعطیلی مدرسه بودند، اما نه برای تفریح، بلکه می‌خواستند بفهمند کلاس تا کی درون دستانشان است. این یعنی توانسته بودم برایشان کلاس بهتری از قبل بسازم! و این سؤالات مهر تأیید بر اجرای تقریباً درست کلاس معکوس بود. در جواب گفتم، دیگر همه ما دو کلاس داریم؛ کلاسی درون مدرسه و کلاسی درون همه لحظاتان.

کم‌کم به دنبال پایان دادن به آن زنگ کلاسی بودم که یکی پرسید: آقا، فردا ساعت چند باید تو کلاس باشی! گفتم روزهای قبل چگونه می‌آمدید؟ فردا هم لباس فرم بپوشید، زلف‌هایتان را شانه بزنید و برنامه کلاسی را درون کیفتان بگذارید و به همان شکل دیروز و پریروز بیایید. بعد هم خداحافظی کردم.

اما هنوز هم مشکلاتی داشتم که یافتن راه‌حل برای آن‌ها را به پایان روز واگذاشته بودم.

آن‌روز لنگ‌لنگان خرق خود را به مقصد رسانده بودم. از یک سو خوشحال بودم که کلاس تعطیل نبود و از سوی دیگر بغضی در سینه داشتم که راه نفسی را بر من بسته بود، بغضی که آوار کاخ‌ها و عمارت‌های ویران شده عدالت آموزشی را بر سرم خراب کرده بود. تصمیم گرفتم خودم عدالت آموزشی را اجرا و گل‌های گلستانم را با چشمه عدالت آبیاری کنم. سرعت اینترنت را نمی‌توانستم کاری کنم، اما سرعت خودم را بالا بردم و محتوا را از ۲۴ ساعت قبل، در مکانی دیگر بارگذاری کردم و در زمان کلاس فقط فوروارد می‌کردم. برای آن شش غنچه از باغم که برای حضور در کلاس مجازی چیزی کم داشتند، کار خودم را کمی سخت کردم. تمام محتوای صوتی و تصویری را روی کاغذ پیاده کردم و به دست آن شش دانش‌آموز رساندم. چون از خدای آن کودکانی که به علت نداشتن سرپرست مناسب و امکانات لازم، موقعیت همراهی ما را نداشت، می‌ترسیدم.

و اما اینک، مهم‌تر از هر چیز آن بود که چه بسازم تا فرزندانم میل به حضور در کلاس را از دست ندهند! مطالعه کردم و مشورت گرفتم. هر روز ستون‌هایی خلق کردم که کبوتران در قفس مانده‌ام ساختمان‌های یادگیری خود را روی آن‌ها بسازند. و امروز ۸۰ روز از کلاس‌های وارونه‌ام می‌گذرد، با چشم خود همه چیز را دیدم: آری، دیدم در کلاس سخنان برگمن را که می‌گفت: در این کلاس یادگیری فردی می‌شود و هر که با توان سرعت خود می‌آموزد. به راستی جمله «در کلاس معکوس قانون همه یا هیچ تبعیت نمی‌کند» از دکتر عطاران را در کلاس لمس کردم و همان‌گونه که دکتر گلزاری و عطاران در مقاله خود اشاره کرده‌اند، من هم انعطاف‌پذیری بالای این شیوه را در کلاس دیدم که از عکس و فیلم و صدا تا تکه‌های کاغذ را می‌توان برای آموزش معکوس استفاده کرد.

عقب افتادن و دیرآموزی بی‌معنا شده است. از همه این‌ها جالب‌تر اینکه دیگر کسی در کلاس اجازه رفتن به سرویس بهداشتی نمی‌گیرد، آب نمی‌خورد، دعوایی بر سر نشستن روی نیمکت اول دیده نمی‌شود و همه در نزدیک‌ترین فاصله نسبت به من حاضرند.

بچه‌هایم بارها موضوعات درسی را از کلام من می‌شنوند. آن را به عقب برمی‌گردانند و مرور می‌کنند. با پیش‌آموخته‌های خود مرتبط می‌کنند. حرف‌های من را با سخنان دیگر معلمان مقایسه می‌کنند و موضوعات جدیدی از دل آن بیرون می‌کشند. نهایت زیبایی آنجاست که خود را همتا و همکار من می‌بینند و این همتایی شاگردانم با من، مدال افتخاری است که آن را بر سینه‌ام می‌چسبانم.

باید بگویم دیگر «واقعیت» هم در فضای مجازی برای خود حساب کاربری درست کرده است. از نگاه من، کلاس معکوس با تمام نقاط ضعف و قوت، اکنون واکنشی است برای نظام آموزشی در مقابله با ویروس کرونا که معلمان لنگ کاشفان بی‌سلاح آن هستند!



تصویر تزئینی است.

# آرامشت با من

بخش دوم

معلمان و کاهش اضطراب‌های آموزشی

دکتر کیومرث فرح‌بخش، دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

عوامل اضطراب‌های آموزشی در دانش‌آموزان، با شرایط خانوادگی، خصوصیات فردی خود دانش‌آموز، فرایندها و قوانین آموزشی و از همه مهم‌تر معلم، مرتبط است. اضطراب آموزشی عبارت است از نگرانی، دلهره و ترس غیرمنطقی دانش‌آموز نسبت به جنبه‌های گوناگون مدرسه که موجب سلب آرامش و کاهش عملکرد مناسب و مؤثر تحصیلی آنان شود. حتی اگر ترس و اضطراب عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را مختل نکنند، ولی آرامش و رفاه و شادمانی را از آنها سلب کند، دانش‌آموز به‌نوعی به اضطراب آموزشی مبتلا شده است. از آنجا که معلمان بیشترین نقش را در ایجاد اضطراب آموزشی یا کاهش آن دارند، در این مقاله توضیح داده خواهد شد که معلمان چه کارهایی باید انجام بدهند تا اولاً از افزایش اضطراب آموزشی پیشگیری کنند و ثانیاً اگر دانش‌آموزی به آن مبتلا شد، چگونه آن را کاهش دهند. معلمان لازم است به‌منظور پیشگیری از اضطراب دانش‌آموزان و کاهش آن، اقدامات زیر را انجام دهند.

## بازخوردگیری

بازخوردگیری یکی از مهم‌ترین فرایندهای ارتباطی است که ما را از اثرات و پیامدهای عملکرد و رفتارمان آگاه می‌کند. معلم زمانی می‌تواند از رفتار اضطراب‌زای خود بکاهد که متوجه میزان اضطراب ایجادشده ناشی از رفتارهای خود در کلاس باشد و سپس بررسی

رفتار او موجب اضطراب، نامیدی، یأس و نگرانی غیرعادی در دانش‌آموزان شده است، رفتار خود را اصلاح کند. معلمان توانمند، از آنجا که خود را یک مربی مسئول نه یک شاغل حقوق‌بگیر می‌دانند و به معلمی خود عشق می‌ورزند، همواره برایشان مهم است که با رفتار و اعمال خود زمینه‌تعالی شخصیتی و رفتاری

کند کدام رفتارهای او موجب اضطراب در دانش‌آموزان شده است. بازخوردگیری یعنی ما نتیجه رفتار و عملکرد خود را بر اطرافیانمان بشناسیم و در صورت لزوم آن را تغییر دهیم. معلم همواره لازم است از نحوه تأثیر رفتار خود بر روحیه و احساس دانش‌آموزان مطلع باشد و در صورتی که مشاهده کرد

دانش‌آموزان را فراهم سازند. آن‌ها همیشه این دغدغه را دارند که آیا معلم مؤثری هستند یا خیر؟ آیا دانش‌آموزان از کلاس و درس آن‌ها لذت می‌برند یا خیر؟ این نگرش‌ها سبب می‌شود همواره اثرات رفتار خود را در دانش‌آموزان ارزیابی کنند. توان بازخوردگیری مستلزم رشد ابعاد شخصیتی لازم، خودآگاهی و خودشناسی و داشتن رویکردها و نگاه فلسفی در فرایند تعلیم و تربیت است.

مهارت بازخوردگیری کار چندان سختی نیست. کافی است معلم اجازه دهد دانش‌آموزان نگرانی‌های خود را نسبت به رفتار معلم بازگو کنند. کافی است معلمان به والدین اجازه دهند احساس و نظرات دانش‌آموز درباره معلم را که در خانه اظهار می‌دارند، به آنان انتقال دهند. کافی است در درس انشا از دانش‌آموزان خواست «یک معلم خوب یا بد را توصیف کنند». معلم واکنش دانش‌آموزان را هنگام تعامل با او مشاهده کند. معلم برای بازخورد گرفتن از رفتار خود می‌تواند در کلاس بحث آزاد ایجاد کند تا احساسات و نگرانی‌های دانش‌آموزان را درباره خود دریابد. بازخوردگیری یک هنر و توانمندی است که به ما به‌عنوان معلم کمک می‌کند شجاعانه با نقص‌ها و کاستی‌های رفتاری و عملی خود روبه‌رو شویم.

توجه داشته باشید که بازخورد گرفتن، با دریافت انتقادات دیگران فرق دارد. انتقاد به معنی بیان توأم با قضاوت دیگران درباره رفتار اشخاص دیگر است.

شما در اینجا دنبال قضاوت دیگران نیستید، بلکه به دنبال شناخت پیامد و اثرات رفتارهای مشخص و دقیق خود بر دیگران هستید. در بسیاری از موارد، خودتان باید بازخورد رفتار خود را در دانش‌آموزان مشاهده کنید. نیازی نیست شما قضاوت و نظر دیگران را درباره خصوصیات خود بدانید. برای مثال، وقتی متوجه می‌شوید دانش‌آموز درس را متوجه نمی‌شود، بر سر او داد می‌کشید و این داد کشیدن نه تنها یادگیری او را افزایش نمی‌دهد، بلکه موجب دستپاچگی بیشتر او می‌شود. حال شما به طریقی متوجه می‌شوید داد

کشیدن شما نه تنها یادگیری دانش‌آموز را افزایش نمی‌دهد، بلکه موجب دستپاچگی و اضطراب و در نتیجه کاهش یادگیری او شده است. حالا تصمیم می‌گیرید از این به بعد، به جای داد کشیدن بر سر او، شیوه تدریس خود را تغییر دهید و از طریق تشویق دانش‌آموز به خاطر پیشرفت‌های جزئی، سطح یادگیری او را بالا ببرید و اضطراب او را کاهش دهید. در اینجا کسی درباره رفتار شما چیزی نگفته است، بلکه خود شما متوجه تأثیر رفتار اشتباه و اصلاح آن شده‌اید.

معلمی نقل می‌کرد، دانش‌آموز زرنگی داشت که خیلی خوب درس می‌خواند، اما بعد از مدتی متوجه شد او در کلاس گوشه‌گیر شده و فعالیت آموزشی‌اش کاهش یافته است. وقتی با او به‌طور خصوصی صحبت کرد، متوجه شد یک شوخی ساده موجب احساس رنجش وی شده است و به دنبال آن این تصور در دانش‌آموز ایجاد شده که معلم قصد تمسخر او را داشته است. معلم از این بازخورد دریافت که برخی شوخی‌های او اشتباه است و به دانش‌آموز احساس کفایت می‌دهد.

### بازنگری در رویکرد معلمی

هر معلم یا فرد متخصصی در زمینه کاری که انجام می‌دهد رویکرد و نظریه خاص خود را دارد. معلمان نیز در زمینه تدریس و آموزش و نحوه رفتار با دانش‌آموزان، رویکرد و نظریه خاص خود را دارند. هیچ معلمی نمی‌تواند بدون نظریه و رویکرد به تدریس و آموزش بپردازد. برخی معلمان نظریه و رویکرد معلمی خود را به‌طور آگاهانه از فلسفه‌های تعلیم و تربیت و یافته‌های روان‌شناسی به‌دست آورده‌اند. این معلمان سعی می‌کنند در فرایند آموزش به شیوه علمی و مؤثر عمل کنند. اما برخی معلمان، بدون ایجاد رویکردی مؤثر، به‌طور ناخودآگاه و براساس تجربه‌های قبلی خود دیدگاهی را در فرایند معلمی خویش به‌دست می‌آورند. رویکرد این معلمان ضمنی و ناخودآگاه است. به عبارت روشن، آن‌ها براساس رویکردهای فلسفی و علمی موجود، برای

رفتار معلمی خود دلایل علمی مشخصی ندارند. یکی از این رویکردهای ناخودآگاه غریزی این است که ترساندن و ایجاد اضطراب، بهترین راه مدیریت رفتار درسی و انضباطی دانش‌آموزان است. تا زمانی که باور و اعتقاد مذکور به‌صورت آشکار و ضمنی در معلم وجود دارد، رفتار او نیز در همین راستا خواهد بود و خودآگاه یا ناخودآگاه برای تحریک و هدایت دانش‌آموزان از ابزار ترساندن و ایجاد رعب و وحشت بهره می‌برد. نتیجه آنکه یک راه کاهش انواع اضطراب‌های آموزشی، تغییر نگرش و نظر معلمان درباره شیوه‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان است. نظریه آموزشی مبتنی بر ترس و وحشت یک نظریه ضمنی در نظام آموزشی ما، از دبستان تا دانشگاه است. نظریه ضمنی مبتنی بر ترس و وحشت، از ضعف جدی ما معلمان در فرایند آموزش و تدریس ناشی می‌شود.

### خودشناسی در حیطه رفتار معلمی

رفتار ناخودآگاه که از ناخودآگاهی سرچشمه می‌گیرد، همواره یکی از علل رفتار ماست. نیازهای ناخودآگاه ما را به انجام رفتارها و قضاوت‌هایی وا می‌دارند که ممکن است برای خود ما و دیگران مشکل‌آفرین باشند. نیاز به قدرت، ابهت، شکوه، عزت‌نفس و حرمت اجتماعی در همه ما کمابیش وجود دارد. برای همه ما معلمان بسیار ارزشمند است که شاگردانمان برای ما احترام و حرمت قائل شوند، ولی ممکن است آن را انکار کنیم و از طریق در پیش گرفتن رفتار متکبرانانه و به‌ظاهر مقتدرانه و با ایجاد رعب و وحشت در دانش‌آموزان، آن را جبران کنیم.

خودشناسی و خودنگری و تحلیل انگیزه‌های خودمان می‌تواند ما را در برخورد مناسب‌تر با دانش‌آموزان یاری دهد و به‌جای آنکه نیازهای خود را در رابطه با دانش‌آموزان به شیوه‌های اعمال ترس و وحشت تأمین کنیم، با به‌کارگیری رفتارهای کارآمد، رابطه صمیمانه‌تری با آن‌ها داشته باشیم.

گذشته از نیازهای ناخودآگاه، فرایندهای انتقالی نیز یکی از عواملی است که سبب ایجاد ترس و وحشت



در برخی دانش‌آموزان می‌شود. با یک مثال ساده، فرایند انتقالی را که معمولاً ناخودآگاه است توضیح می‌دهیم:

معلمی برای اولین جلسه وارد کلاس می‌شود. او از هیچ کدام از دانش‌آموزان شناخت قبلی ندارد، اما وقتی وارد کلاس می‌شود، نسبت به برخی احساس خوبی خواهد داشت و نسبت به برخی دیگر احساس منفی و خشم پیدا می‌کند. این در حالی است که این معلم هیچ سابقه‌ی ذهنی از آن‌ها ندارد. معلم خودآگاه می‌داند که این احساسات هیچ ارزشی ندارند و نباید تحت تأثیر آن‌ها قرار گیرد، اما معلمی که ناخودآگاه است، تحت تأثیر احساسات خود، درباره‌ی دانش‌آموزان قضاوت و رفتار خواهد کرد. پدیده‌ی انتقال در بیشتر موارد ممکن است در جلسه‌های سوم یا چهارم یا حتی بعد از آن رخ دهد. برای اینکه دچار پدیده‌ی انتقال نشوید، وقتی نسبت به دانش‌آموز احساس منفی داشتید، اولاً آن را انکار نکنید. ثانیاً از خود بپرسد منشأ این احساس چیست؟ وقتی به آن دانش‌آموز فکر می‌کنید، چه خاطراتی را از گذشته و از چه کسانی به یاد می‌آورید؟ افرادی که در این تداومی به ذهن شما می‌آیند، منشأ احساس شما نسبت به دانش‌آموز مذکورند؛ یعنی شما احساسی را که نسبت به آن‌ها دارید، به این دانش‌آموز انتقال داده‌اید.

### رشد خودکنترلی

گاهی برخی معلمان به این دلیل سبب رعب و وحشت در دانش‌آموزان و در نتیجه تولید اضطراب آموزشی در مدرسه می‌شوند که وقتی به هر دلیلی عصبانی می‌شوند، نمی‌توانند خود را کنترل کنند و با استفاده از خشونت کلامی یا حتی در برخی موارد خشونت فیزیکی، خشم و عصبانیت خود را در کلاس و بر سر دانش‌آموزان تخلیه می‌کنند. معلمانی که به هر دلیلی عصبانی می‌شوند و شروع به تهدید دانش‌آموز می‌کنند، لازم است برای کنترل خشم در خویشتن تدبیر کنند. ناتوانی معلم در کنترل خشم ضعیفی جدی است که مانع هر نوع فعالیت آموزشی یا تربیت سازنده می‌شود. معلمانی که زود عصبانی می‌شوند و

پرخاشگرانه رفتار می‌کنند، نه تنها سبب ایجاد نگرانی و اضطراب دانش‌آموزان می‌شوند، بلکه بدآموزی دانش‌آموزان و رفتار پرخاشگرانه را در آن‌ها سبب می‌شوند. این معلمان با رفتار پرخاشگرانه به‌طور ناخودآگاه به دانش‌آموزان می‌آموزند برای حل مشکلات بین فردی بهتر است پرخاشگری نکنند.

خشم و زودرنجی رفتاری است که با تمرین و تکرار منفعلاً آن را آموخته‌ایم و برطرف کردن آن نیازمند تمرین و تکرار فعالانه و خودآگاهانه است. راه‌های زیادی وجود دارند تا خودکنترلی رفتار پرخاشگرانه و زودرنجی را آموخت. در این راستا لازم است فرد در گام اول قبول کند که رفتار پرخاشگرانه در کلاس و در تعامل با دانش‌آموز، نه تنها نشانه‌ی قدرت، صداقت، اخلاص و شجاعت در معلم نیست، بلکه نشانه‌ی ضعف، ناتوانی، بی‌ارادگی و غریزی رفتار کردن اوست. در گام دوم قبول کند این خودش است که مسئول کنترل خویش است. در گام سوم موقعیت‌ها و محرک‌های عصبانی شدنش را شناسایی کند و تصمیم بگیرد با شجاعت و صلابت آرامش خود را در برابر آن‌ها حفظ کند.

### رشد مهارت‌های معلمی

یکی از عللی که معلمان در دانش‌آموزان رعب و وحشت ایجاد می‌کنند، تسلط نداشتن آن‌ها بر موضوع درسی و مهارت‌های معلمی است. بنابراین، یکی از راه‌های پیشگیری و کاهش اضطراب در دانش‌آموزان، بالا بودن اطلاعات و دانش معلم در موضوعی است که تدریس می‌کند و مهارت‌هایی است که مطالب علمی را به دانش‌آموزان می‌آموزد. به‌طور کلی، وقتی معلمی بر دانش خود مسلط باشد، از تدریس و بیان آن برای دانش‌آموزان لذت می‌برد. لذت و شوق آموختن چیزی که بر آن تسلط علمی داریم، در دانش‌آموز انگیزه و شوق یادگیری زیادی ایجاد می‌کند. بنابراین، معلم همواره لازم است دانش علمی خود را بالا ببرد و آن را به ساده‌ترین زبان و شیرین‌ترین شیوه برای دانش‌آموزان بیان کند. هرگاه معلم متوجه شد دانش‌آموزان

از او دچار ترس و وحشت هستند، حتماً میزان دانش و تسلط علمی و مهارت معلمی خود را بازبینی کند. مهارت‌های تدریس و بیان مطالب به شیوه‌ی جذاب و لذت‌بخش، ارزیابی میزان آموخته‌های دانش‌آموز به‌طور شفاهی و کتبی، و تعامل اجتماعی با دانش‌آموز، همگی در کاهش اضطراب دانش‌آموزان مؤثرند. بهترین روش برای ارتقای معلمی خود، الگوگیری از معلمان موفق است.

### مهارت‌های آرامش‌بخشی

گاهی اضطراب دانش‌آموزان به معلم ربطی ندارد یا افراد دیگری موجب اضطراب دانش‌آموز شده‌اند. در این شرایط، معلم می‌تواند با مهارت‌های خاصی، از اضطراب دانش‌آموزان بکاهد. مهارت کنترل اضطراب در دانش‌آموز یک مهارت اساسی است که می‌تواند سرنوشت دانش‌آموز را تغییر دهد.

شخصی نقل می‌کرد، زمانی که سال اول راهنمایی سابق بودم، در کلاس ریاضی، به دلیل یک اشتباه کوچک در حل مسئله در پای تخته، مورد تمسخر معلم، چند چوب کف دست و جابه‌جایی صندلی قرار گرفتم. من مسئله را کامل حل کرده بودم، فقط یک علامت را که چندان هم مهم نبود، اشتباه گذاشته بودم.

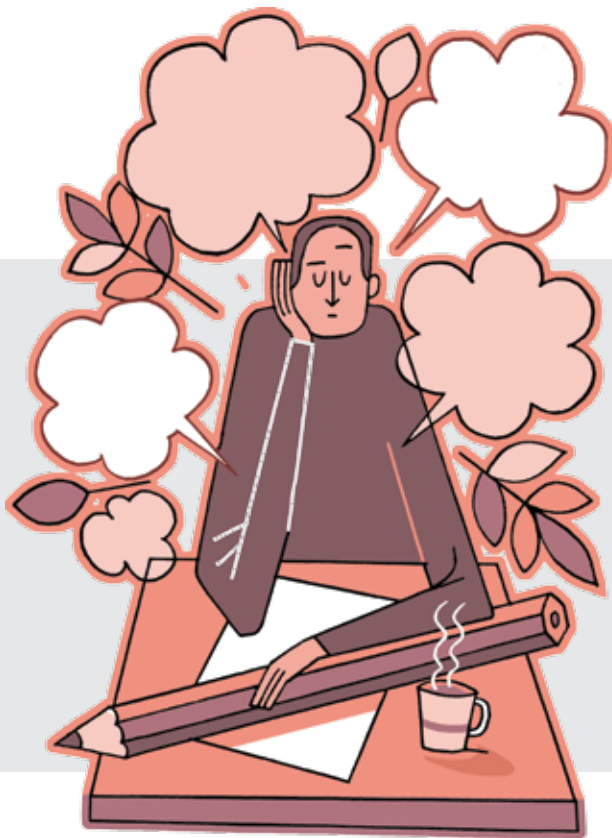
مهارت‌های کنترل اضطراب دانش‌آموزان برای معلم نوعی هنر و توانمندی است که در رشد دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. برای اجرای این مهارت‌ها مهم این است که معلم نشانه‌ها و علائم اضطراب را در دانش‌آموز تشخیص دهد. بعد از اینکه معلم علائم را مشاهده کرد، باید با دلسوزی و همدلی با دانش‌آموز برخورد کند. هیچ‌گاه نباید به خاطر اضطراب آن‌ها را مسخره کند! و اضطراب را نه تنها نشانه‌ی ضعف دانش‌آموز قلمداد نکند، بلکه با چنین عبارتی که چون برای تو مهم است خوب یادگیری نگران شده‌ای، تصویر مثبتی از آن ایجاد کند. سخنان دلگرم‌کننده و برشمردن توانمندی‌های دانش‌آموز، به او قوت قلب می‌دهد.



# ایده‌ها سبز می‌شوند!

چگونه ایده‌های خود را  
به نوشتار مطلوب تبدیل کنیم؟

حسین حسینی نژاد / تصویر ساز: سید میثم موسوی



◀ در شماره قبل درباره ایده‌یابی صحبت کردیم و قرار شد خواننده متن چند ایده مورد علاقه خود را فهرست کند تا بعداً در مورد تبدیل آن به مقاله، یادداشت، خاطره، داستان و ... صحبت کنیم. این نکته را هم در این شماره اضافه می‌کنیم که غالباً می‌شنویم که افراد دوست دارند درباره چیزی بنویسند که مورد توجه قرار گیرد، مخاطب از آن راضی باشد و موضوع را رها نکند. اگر شما هم قصد دارید ایده‌ای انتخاب کنید و پرورش دهید که مخاطب آن را با علاقه بخواند، توجه به نکته‌های زیر راهگشا خواهد بود:

- افکار و اندیشه‌های مردمانش تغذیه کند و از آن‌ها انرژی بگیرد. باید سعی کنیم ایده‌ای که قصد پرورشش را داریم، این قابلیت را داشته باشد.
  - چیزی به اطلاعات خواننده اضافه کند. احساساتش را تحریک کند.
  - از خواننده «آهان» بگیرد.
  - خیال خواننده را درگیر مطلب کند.
- فهرست ارزیابی ایده**
- برای اینکه مطمئن شویم ایده انتخابی ما شرایط لازم را برای پرداختن دارد یا نه، این فهرست ارزیابی کمک کار ما خواهد بود:
  - آیا ایده را واقعاً دوست داریم تا درباره‌اش بنویسیم؟
  - آیا ایده بیش از حد کلی است؟
  - آیا ایده بیشتر از حد جزئی است؟
  - آیا تازه است و روی آن کار نشده است؟
  - آیا مورد نیاز مخاطبان من هست؟
  - آیا ایده چشم‌گیر است؟
  - آیا به موقع هست؟ (زمان پرداختن به آن)
  - آیا از روی تکلیف می‌نویسیم؟
  - آیا اطلاعات لازم را برای پرداخت ایده داریم؟
  - از چه کسانی می‌توانم برای پرداخت ایده اطلاعات بگیرم؟
  - از چه جاهایی می‌توانم برای پرداخت ایده اطلاعات بگیرم؟
  - آیا فرصت لازم را برای پرداخت ایده دارم؟ چقدر زمان دارم؟
  - می‌خواهم به چه نکاتی در پرداخت

- ایده شما تازگی داشته باشد و تکراری نباشد. (برای این کار حتماً به فهرست ارزیابی (چک‌لیست) ایده در همین مقاله توجه کنید.)
- از واقعیت زندگی مردم سرچشمه گرفته باشد. مربوط به اوضاع و احوال جامعه باشد.
- عینی و ملموس باشد. وقتی از زندگی مردم سرچشمه بگیرد، احتمالاً این ویژگی را هم در خود خواهد داشت.
- هم منحصر به فرد باشد و هم عمومیت داشته باشد. هنرمندانه این است که شما بتوانید کم‌کم ایده منحصر به فرد خودتان را با نگاهی ارائه دهید که عموم مردم از آن استقبال کنند.
- انرژی‌بخش باشد. جامعه نیاز دارد از

ایده اشاره کنم؟

- آیا خاطره‌های همسو با ایده دارم؟  
- از چه منظری می‌خواهم به ایده اشاره کنم؟

## انتخاب ایده برای نوشتن

اکنون با توجه به آنچه بیان شد، نوبت به انتخاب ایده برای نوشتن می‌رسد. برای این منظور، توجه به نکات زیر مفید است:

۱. ابتدا موضوع مورد علاقه خود را پیدا و انتخاب کنید؛ مثلاً: محبت، شلوغی، فضای مجازی، آموزش غیر حضوری، کرونا، عدالت، خدا، فناوری، شایعه، دلار و حقوق.  
۲. فرض کنید که ایده انتخابی محبت است. اکنون نکته‌هایی را که درباره این موضوع ممکن است به ذهن برسد فهرست کنید: تعریف محبت، محبت مادر، محبت دوست، محبت پدر، محبت به گیاه، محبت به فرزندان، محبت معلم و ... محبت پلیس به مظنون، محبت پزشک به بیمار، و محبت خانواده مقتول به قاتل.

۳. یکی از آن‌ها را که بیشتر دوست دارید یا حس می‌کنید بهتر می‌توانید درباره‌اش بنویسید، انتخاب کنید.

۴. حالا وقت آن است که درباره موضوع انتخابی مطالعه و یادداشت‌برداری کنید. عجله نکنید. هر قدر وقت صرف این بخش کنید، در موقع پرداخت ایده با مشکلات کمتری مواجه می‌شوید.

۵. در مرحله بعد نوبت طراحی برای نوشتن است. منظور از طراحی، سازمان‌دهی متن و نحوه ورود و خروج به موضوع و چیدمان و جایگزینی مطالب تهیه شده است.

۶. و سرانجام، در این مرحله اولین پیش‌نویس را تهیه کنید.

## نکته

موقع پرورش ایده، آن را با مثال، مقایسه، تشبیه به چیزی، خاطره، ضرب‌المثل و ... تقویت کنید. در پیش‌نویس، هر چه لازم می‌دانید اضافه کنید. بعدها در بازنگری فرصت دارید از آن‌ها بکاهید. هر اندازه حجم پیش‌نویس بیشتر باشد، در بازنویسی امکان بیشتری برای پرداخت متن دارید.

## پیش از نوشتن

می‌توان این مرحله را به کار آشنایی

تشبیه کرد که همه وسایل لازم را برای پخت غذا گرد می‌آورد. او می‌داند که نبود یک وسیله، چگونه کارش را با مشکل مواجه می‌کند و حتی موجب به هدر رفتن زحمات‌هایش می‌شود. یا می‌توان آن را به کار کوهنوردی تشبیه کرد که برای صعود برنامه‌ریزی کرده است. نبود وسیله‌ای به ظاهر کوچک، کوهنورد را با دشواری مواجه می‌کند. نویسنده در این مرحله همه مطالبی را که می‌خواهد در نوشته‌اش بیاورد، تنظیم می‌کند.

نوشتن هدفمند به قصدی نوشته می‌شود که خواننده را تحت تأثیر قرار دهد و او را به کاری تشویق کند یا از کاری بازدارد. یا اطلاعات او را در زمینه‌ای افزایش دهد یا لذتی در وی ایجاد کند. هر هدفی که نویسنده از پرورش ایده داشته باشد، به مواد و مصالحی نیاز دارد که گاه باید ساعت‌ها آن را جست‌وجو کند تا موقع نوشتن با مشکل مواجه نشود.

با این حال، نویسنده این امکان را هم دارد که برخلاف آشنایی یا کوهنوردی ... کارش را شروع کند و در مرحله بعدی به رفع کمبودهای نوشته‌اش بپردازد. به این مرحله بازنگری در نوشتن می‌گوییم. بنابراین، در پیش‌نویس اولیه خود باید هر آنچه می‌توان نوشت. نگران اینکه ناقص است یا کافی نیست نباید بود! همیشه یادمان باشد که این پیش‌نویس است و قرار است در مراحل بعدی کامل شود.

## تهیه پیش‌نویس

اکنون وقت آن است که یافته‌ها و تجربه‌های خود را بی‌توجه به قواعد درست‌نویسی، بر صفحه جاری کنید. یکی پشت دیگری جمله‌ها را بنشانید. بعداً فرصت دارید جای جمله‌ها را عوض کنید؛ حتی حذفش کنید و چیز دیگری جایش بگذارید.

یادتان باشد، هیچ متنی در آغاز کامل نیست. به مرور و حوصله و کار روی آن، کامل می‌شود. این‌ها برای قسمت بازنگری متن است. فراموش نکنید که نوشته هیچ نویسنده دیگری هم در آغاز کامل نبوده است. خود را از ابتدا درگیر زیباسازی نکنید. متن را مطابق یادداشت‌هایی که برداشته‌اید، بنویسید و پیش بروید.

در این صورت احساس خوشایندی به شما دست می‌دهد که کار دارد پیش می‌رود. برعکس، اگر متن را خط‌خطی کنید، وسواس انتخاب کلمه و جمله پیدا کنید و از نوشته راضی نباشید، احساس ناخوشایندی می‌گیرید. پس خود را رها کنید و پیش بروید. در آغاز این نکته را بپذیرید که کار هر شخصی به ویرایش نیاز دارد. اطمینان داشته باشید که نخستین دست‌نوشته هیچ نویسنده‌ای بدون نقص نبوده است. بنابراین، بدون هراس همه چیز را روی کاغذ بیاورید.

آنچه در طی سال‌ها نوشتن آموخته‌ام، این است که نباید در همان ابتدای کار خود را درگیر زیباسازی نخستین پاراگراف کنم، یا دقت خود را صرف این کنم که آنچه می‌نویسم فصل اول باشد یا دوم. تجربه به من می‌گوید بهترین کار آن است که آنچه را به فکر می‌رسد بنویسم و کار را ادامه دهم. زیرا هنگامی که دائماً می‌نویسم و کار پیش می‌رود، در روحیه‌ام تأثیر مثبت می‌گذارد و آن را بالا می‌برد. نباید به کار شک کرد. نباید خود را سانسور و ایده‌ها را در نطفه خفه کرد. ممکن است دست‌نوشته اولیه پر از تکرار، جملات بی‌روح، تشریح و توصیفات کلیشه‌ای باشد. هیچ‌یک از نکات نباید مانع نوشتن شود. باید شجاع بود و پیش رفت. تصور نکنید که تنها شما این‌گونه می‌نویسید. همه ما همین‌طور می‌نویسیم. خود را رها کنید. بی‌پروا بنویسید. هر آنچه را دوست دارید بنویسید؛ از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. ابدا مانع نشوید. تصور کنید نوشتنتان چیزی است مانند خواب دیدن. بنابراین بال‌های خود را نبندید. بگذارید به هر جا که می‌خواهد برود. اما زمانی که به هر جا دلش خواست رفت و آنچه را دلتان خواست نوشتید، نوبت به ویرایش می‌رسد.

فراموش نکنید که موقع نوشتن اولین پیش‌نویس، نه آن را ویرایش کنید و نه قضاوت. حتی املا و دستور کلمه‌ها و جمله‌ها را درست نکنید. فقط اجازه دهید روی کاغذ یا صفحه نمایش جاری شوید و بشکفید. بعد در مرحله ویرایش باید «به جلد یک ویراستار سخت‌گیر» بروید و از دید ویراستار متن را زیر و رو کنید.



# شهر مدرسه

بازخوردهای آموزشی برون مدرسه‌ای

مصطفی سهرابلو، دبیر علوم تجربی متوسطه اول پیرتاج شهرستان بیجار کردستان

← اصولاً یکی از ارکان اساسی هر فرایند و سیستمی بازخورد است که باعث می‌شود از میزان و چگونگی رشد و تغییرات ایجادشده و موفقیت‌ها و ناکامی‌ها در طول فعالیت‌های موردنظر اطلاع مناسب حاصل و بر این اساس گام‌های مؤثر بعدی برداشته شود. این امر در مدرسه و مباحث آموزشی و تحصیلی نیز صادق است. دریافت بازخورد از فعالیت‌های اجراشده در مدرسه در بخش‌ها و موقعیت‌های گوناگون امکان‌پذیر است که بیشتر در ساختار داخلی مدرسه و کلاس و درس، هدایت تحصیلی، نمرات و ... پیگیری می‌شود. اما در این نوشتار به تجربه‌هایی از بازخوردهای بیرون از مدرسه و البته در ارتباط با مدرسه اشاره می‌شود که می‌توانند در کنار مجموع فعالیت‌های بازخوردی مدرسه استفاده شوند.

چند روز پیش، در مسیر برگشت به خانه، اتفاقی با یکی از دانش‌آموزان چند سال پیشم همراه شدم که وقتی من سرپرست خوابگاه شبانه‌روزی بودم، او در خوابگاه حضور داشت. در طول صحبت‌هایی که داشتیم، گفت در یکی از دانشگاه‌ها کارشناسی خوانده، ولی الآن در روستا به‌عنوان دهیار انتخاب شده است. البته از این وضعیت ناراضی و دائماً پیگیر استخدامی است. انصافاً هم آن زمان یکی از دانش‌آموزان تلاشگر و مستعد بود و بیشتر اوقات مشغول مطالعه، ولی در این گفت‌وگو جمله‌ای ناراحت‌کننده گفت که به نظر می‌رسد باید موردتوجه جدی مدرسه‌ها قرار بگیرد: «آقا، من تازه بعد از این چهار سال متوجه شدم اصلاً نباید این رشته را می‌خواندم. به چه درد من می‌خورد؟! آن زمان در مدرسه به ما فقط گفتند بخوان بیست بگیر، بخوان بیست بگیر! اما دریغ از راهنمایی‌های اصولی برای شغل و ادامه تحصیل. این رشته هم فقط به درد تدریس می‌خورد. حالا هم سنم بالا رفته‌است! راستی، آقا می‌دانید سقف سنی برای استخدام چندسال است؟»



چند وقت قبل تر هم، چنین سفر مشابهی با یکی دیگر از دانش آموزانم داشتم. شب بود و داشت از تهران برمی گشت. در دوره متوسطه اول با او درس داشتم. بعد از آن دیگر خبری از او نداشتم. بعد از احوال پرسی گرمی با هم، پرسیدم مهدی کجایی؟ پیدایت نیست؟ گفت الآن دو سالی می شود در یک کارگاه در تهران مشغولم. پرسیدم پس ادامه تحصیل چی؟ سرش را تکان داد و گفت: «آقا، کاش همان چهار سال را هم نمی خواندم و همان موقع می رفتم سرکار!» با تعجب پرسیدم، خب چرا؟ گفت: «اول دبیرستان که تمام شد، من و چند نفر دیگر را به اجبار به رشته انسانی فرستادند، چون تعداد نفرات رشته انسانی به حدنصاب نمی رسید. گفتند نگران نباشید. این رشته برای شما خوب است. اما من هیچ علاقه ای به حفظیات و این رشته نداشتم! برای همین همیشه تجدید بودم. ولی از موقعی که رفتم به این کارگاه، خدا را شکر، هم به کارهای فنی علاقه دارم و هم درآمد خوب است. فقط حسرت می خورم کاش همان چند سال دبیرستان را هم درس نمی خواندم و می رفتم سراغ کاری که به آن علاقه داشتم. الآن می بینم در آن چهار سال چقدر ضرر کردم و عمرم تلف شده است!»

چند شب پیش، مجید را دیدم که چند سال پیش دانش آموز بود و در هنرستان رشته برق می خواند و الآن به صورت پروژه، جوشکاری ساختمان و اسکلت بندی و ساخت خانه های شیروانی را در روستاها و شهر انجام می دهد. دو هفته ای هم هست که در یک محوطه، بلوک زنی راه انداخته است که البته یک نفر دیگر برایش کار می کند. بعد از مرور خاطراتش از مدرسه و کلاس برق در روستا، گفت: «ما واقعا وسایل لازم را برای کارگاه برق در مدرسه روستا نداشتم تا بتوانیم به صورت کامل و عملی مباحث را یاد بگیریم؛ به همین خاطر، من چیز خاصی از آن رشته و کلاس یاد نگرفتم و همه چیزهایی که الآن بلدم، از جمله جوشکاری، اسکلت بندی ساختمان و حتی برق که از آن ها درآمد کسب می کنم، دقیقاً بیرون از مدرسه رخ داده است. ما در آن رشته، به دلایلی چون نبود وسایل و امکانات، نتوانستیم پیشرفت کنیم. مثلاً همان همکلاسی های آن سال من در رشته برق، بعد از چند سال هنوز هم سیم کشی ساده خانه خودشان در روستا را کس دیگری انجام می دهد که این کار را در جایی غیر از مدرسه یاد گرفته است.

مورد جالب دیگری که چند سال پیش با آن برخورد کردم و باعث شد تا الآن از آن در کلاس علوم استفاده کنم، صحبت های یکی از بچه ها بود که به تازگی در شغلی دولتی استخدام رسمی شده بود. وقتی در مغازه همدیگر را دیدیم، بعد از کلی صحبت، گفت: «در مدت حضورم در شغل خودم، مسئله ای ذهنم را درگیر کرده و هنوز هم به طور کامل برایم حل نشده است. هرچقدر فکر کردم، به این نتیجه رسیدم که این مشکل می توانست از قبل در مدرسه رفع شود. الآن برای شما پیشنهادی دارم تا آن را برای دانش آموزان اینجا در نظر بگیرید.»

پرسیدم چه موضوعی؟ گفت: «در این مدت و به تناسب شرایط شغلی ام که به ارتباطات مؤثر و گفت و گو و سخنرانی نیاز دارد، در مقایسه با برخی از همکاران که در حضور جمع به راحتی و به طور منظم گفت و گو و صحبت می کنند، من ضعف جدی دارم، در حالی که مطمئنم اطلاعات و دانش من به نسبت در آن موضوعات شغلی نسبت به سایرین بالاست، ولی در ارائه و انتقال آن ها مشکل دارم. به نظرم شما که در اینجایی که من هم درس خوانده ام، تدریس می کنید، اگر بتوانید شرایط و موقعیت های مناسبی برای بچه ها ایجاد کنید تا مهارت های گفت و گو و صحبت را در حضور جمع تمرین کنند، در دانشگاه و هنگام تصدی شغل آینده خودشان هم دچار مشکل نمی شوند.»

از او تشکر کردم. صحبت های منطقی بود. من با توجه شناختی که از دانش آموزانم داشتم، از آن سال یکی از بخش های نمره آور کلاس علوم را در ارائه کنفرانس و خلاصه گویی قرار دادم. این فعالیت تا الآن هم در کلاس هایم ادامه دارد.

## در پایان

دانش آموزان و حتی افرادی که به نوعی با مدرسه در ارتباط بوده و هستند، می توانند با تجربه های خود از فعالیت های مدرسه و رفتار و گفتارهایشان، بازخوردهایی مناسب و قابل توجه ارائه دهند و ما در صورت توجه لازم، می توانیم در برنامه ریزی های کلان و خرد آموزش و پرورش و مدرسه ها از آن ها به طور جدی استفاده کنیم. این ایده ها در بیشتر موارد بدون هزینه اند و منافع آموزشی و پژوهشی زیادی برای ارائه باز خورد عملی و عینی به سیستم آموزشی، برای رفع نقص ها و ضعف ها، در بر دارد.



## سنجش در آموزش های غیرحضوری

ملیحه اصغری، دانشجوی دکتری برنامه درسی / تصویر ساز: سید میثم موسوی

← آموزش و یادگیری آنلاین پدیده جدیدی نیست و در طول سال های گذشته به طور عمده از آن به عنوان بخشی از تدریس چهره به چهره استفاده شده است. ارزیابی بخش اساسی آموزش و یادگیری است، زیرا یادگیری را تثبیت می کند. ارزشیابی مبتنی بر رایانه مدت ها است وجود دارد، اما ارزیابی های آنلاین کمتر استفاده شده اند؛ احتمالاً به دلیل مسائل مربوط به تضمین روایی، پایایی و احتمال بی صداقتی. در دوران شیوع ویروس کرونا، محیط های آموزشی در بسیاری از مدرسه ها، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، تغییر پارادایم از آموزش حضوری به آموزش غیرحضوری را در پیش گرفته اند. این وضعیت به روشی برای ارزیابی نیاز دارد که ایمن، معتبر، قابل اعتماد، قابل قبول، عملیاتی و عادلانه باشد. روش های ارزیابی تکالیف، کارپوشه، خودارزیابی، سنجش همکلاسی و گروه کاری، بحث و مناظره، کتاب باز، مشاوره برخط و آزمون های برخط چهارگزینه ای، شیوه هایی هستند که در این مقاله به عنوان شکل های ارزیابی آنلاین مورد بحث قرار گرفته اند و کاربرد آنها در دوران شیوع ویروس کرونا بررسی شده است.



ارزیابی، اندازه‌گیری میزان یادگیری دانش‌آموز است و می‌توان آن را به دو نوع «ارزیابی برای جمع‌بندی» و «ارزیابی برای یادگیری یا ارزیابی سازنده» تقسیم کرد. ارزیابی برای جمع‌بندی برای گرفتن تصمیم در خصوص رد کردن یک پایه یا تکرار آن کاربرد دارد، در حالی که ارزیابی سازنده برای ارائه بازخورد مورد نظر قرار می‌گیرد. در این نوع ارزشیابی، معلم به دنبال اطلاعاتی است که براساس آن بتواند درباره بهبود فرایند یاددهی یادگیری دانش‌آموزان در کلاس تصمیم مناسب بگیرد. این نوع ارزشیابی برای تشخیص ضعف‌ها، قوت‌ها و مشکلات فرایند یادگیری و اصلاح و بهبود آن به کار می‌رود و مهم‌ترین ویژگی آن، جهت‌گیری اصلاحی و درمانی آن است که در موقع مناسب به معلم و دانش‌آموز این فرصت و امکان را می‌دهد که در روند فعالیت‌های خود، در راستای تحقق بهتر اهداف و انتظارات آموزشی، تغییراتی مطلوب به عمل آورد.

ولتون (۲۰۱۲) ارزیابی را با سطوح پایین، متوسط و بالا توصیف می‌کند. هر کدام از این سطوح می‌توانند به شیوه جمع‌بندی یا سازنده انجام شوند. ارزشیابی دانش‌آموز به هر روشی که انجام شود، شامل سنجش دانش، مهارت و نگرش‌هاست. سطح دانشی معمولاً از طریق سؤالات چندگزینه‌ای، سؤالات کوتاه پاسخ و سؤالات تشریحی بلند پاسخ ارزیابی می‌شود. سطح مهارتی از طریق مشاهده مستقیم مهارت‌های رویه‌ای و ارائه پروژه‌های کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت آزمایش می‌شود. با ورود به وضعیت بحران کرونا، تغییر پارادایم از یادگیری چهره به چهره و آموزش سنتی به یادگیری پیشرفته با استفاده از فناوری آنلاین رخ داده است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد،

این تحول در محیط آموزشی اثراتی طولانی‌مدت در آموزش و یادگیری در پی خواهد داشت. روش‌های ارزیابی نیز با توجه به وضعیت کنونی نیاز به تغییر دارند.

### بسترهای نرم‌افزاری ارزیابی در آموزش مجازی

ارزیابی پیشرفت تحصیلی و یادگیری آنلاین، به صورت ناهم‌زمان یا هم‌زمان انجام می‌شود که هر کدام ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارد. هر یک از این حالات و نمونه‌ها را توصیف می‌کنیم:

**ارزیابی ناهم‌زمان:** این شیوه در زمان‌بندی کلاس درس مجازی انجام نمی‌شود و شامل موارد زیر است:

**تکالیف:** این نوع ارزیابی به صورت ناهم‌زمان است و معلم از طریق آن می‌تواند تفکر در سطوح بالاتر را که شامل تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله توسط دانش‌آموز است، ارزیابی کند. مهم این است که یک روال یکنواخت برای بررسی تکالیف ایجاد شود و بازخورد کیفی دقیقی به دانش‌آموزان داده شود تا یادگیری خود را بهبود بخشند.

**پوشه‌های کار:** نمونه کارها شواهدی از کارهایی هستند که دانش‌آموز با گرفتن بازخورد انجام می‌دهد. در این شیوه می‌توان از طریق دریافت آنلاین فیلم‌های ضبط‌شده دانش‌آموزان از کارهای انجام‌شده که در پوشه کار قرار می‌گیرند، مهارت‌های آنان را ارزیابی کرد. از مزایای پوشه کار می‌توان به نمایش پیشرفت کار در طول زمان، نمایش یادگیری دانش‌آموزان و برقراری امکان گفت‌وگو بین معلم و یادگیرنده اشاره کرد. نداشتن آگاهی دقیق از قسمت‌های مرتبط با یادگیری و کمبود زمان برای بررسی فعالیت‌ها و تغییرات یادگیری، از چالش‌های مطرح

در این شیوه است.

### سنجش هم‌کلاسی و گروه کاری:

در این نوع ارزیابی امکان تشویق و تحریک یادگیرنده فراهم می‌شود. تعهد و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به دلیل رویارویی با هم‌کلاسی‌های خود افزایش پیدا می‌کند، معلم نسبت به عملکرد مخاطبان قضاوت راحت‌تری خواهد داشت و نظارت مدرس بر محیط ساده‌تر می‌شود. البته ارزیابی به شیوه همسال‌سنجی در محیط مجازی می‌تواند امکان نمره‌دهی خشن یا بالا را افزایش دهد، زمان بر است و گاهی موجب قضاوت ناعادلانه می‌شود. همچنین، معلمانی که از شیوه همسال‌سنجی استفاده می‌کنند، در بیشتر اوقات از روش «فهرست واری» بهره می‌برند که ارزیابی در سطوح بالاتر را شامل نمی‌شود (رضوی، ۲۰۱۳: ۷۴-۴۹).

**ارزیابی هم‌زمان:** این شیوه از ارزیابی به صورت رو در رو و آنلاین انجام می‌گیرد و دانش‌آموز تا پایان کلاس مجازی فرصت پاسخگویی به سؤالات را خواهد داشت. آزمون‌های چهارگزینه‌ای آنلاین نمونه‌هایی از این شیوه‌ها هستند. ارزیابی به صورت آنلاین در زمان واقعی می‌تواند برای بازتولید روش‌های سنتی ارزیابی به کار رود.

### سؤالات چندگزینه‌ای:

ارزیابی سطح دانش می‌تواند سؤالات چندگزینه‌ای شامل بهترین پاسخ، یک پاسخ صحیح و پاسخ‌های تطبیقی را به صورت آنلاین و در تاریخی از پیش تعیین‌شده و برای مدت‌زمان ثابت به دانش‌آموزان ارائه داد. این سؤالات بسته به نوع ساختارشان می‌توانند مهارت‌های تفکر شناختی با درجه پایین (سطح دانش) تا سطوح بالا (تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی) را ارزیابی کنند. این آزمون‌ها به

علت طراحی در زمان کوتاه، تصحیح آسان و غیر تخصصی و دارای سازوکار، امکان دریافت اطلاعات زیاد با طرح سؤالات زیاد و اندازه گیری کمی و پایا از سوی معلمان، مورد استقبال قرار می گیرند، ولی به علت سنجش نکردن مهارت‌هایی مانند حل مسئله، نقصان دارند. همچنین، مطالعات نشان داده‌اند، معلمان سطوح گوناگون برای طراحی سؤالات چهارگزینه‌ای مهارت کافی ندارند (علیزاده و مازوچیان، ۲۰۱۵: ۵۰۷-۵۰۵).

**امتحانات کتاب‌باز:** هدف از ارزیابی به این روش، ارزیابی توانایی دانش‌آموزان در تجزیه و تحلیل و حل مسئله، تفکر انتقادی و خلاقیت است. با امتحان به شیوه کتاب‌باز که در زمان کلاس مجازی انجام می‌شود، می‌توان احتمال تقلب را به حداقل رساند.

**خودارزیابی:** آزادی عمل گسترده و احساس خودکنترلی دانش‌آموز در این شیوه محسوس است. افزایش اعتماد به نفس یادگیرنده و طراحی آموزشی توسط خود فرد، از مزایای این روش ارزیابی است. همچنین، نتیجه این نوع ارزیابی با یادگیری فردی و سازمانی همبستگی مثبت دارد (محمدپور زرنندی و طباطبایی، ۲۰۱۳: ۱-۱۳). ولی به علت امکان نبود صداقت دانش‌آموز، شناخت‌نداشتن دانش‌آموز از آموخته‌های خود و استقبال دانش‌آموزان به علت کسب نمره، به این روش انتقاد وارد می‌شود.

**بحث و مناظره:** این نوع ارزیابی اعتبار و جایگاه فردی دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در بحث را افزایش می‌دهد و انتقال تجربه و راهنمایی را به همراه خواهد داشت. تحقیقات نشان داده‌اند، شرکت‌کنندگان در ارزیابی همسال‌سنجی توانسته‌اند به دنبال

توضیحات ارائه شده، با دقتی مشابه گروه مدرسان، همسانان خود را ارزیابی کنند (ترشیزی، ۱۳۹۶). ولی این شیوه، به دلیل اتلاف وقت در مواقع پراکندگی بحث و نیاز به تدوین فهرست واریسی (چک‌لیست) شفاف و دستورالعمل واضح، مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

### انواع پلتفرم‌های آنلاین

چندین پلتفرم آنلاین وجود دارد که برای ارزیابی، از مزایا و محدودیت‌های منحصر به فرد برخوردارند. برای مثال، ارزیابی گسترده دانش‌آموزان می‌تواند از طریق Google Forms انجام شود. این نوع ارزیابی زمان‌بندی دارد و دانش‌آموزان می‌توانند در زمان مقرر پاسخ‌های خود را ارائه دهند. مؤسسه‌ای که از سامانه مدیریت آموزش الکترونیکی (LMS) استفاده می‌کنند، می‌توانند از تنظیمات پیشرفته ارزیابی برای انواع سؤالات، مانند ارزیابی پی‌درپی یا رایگان، انتخاب سؤالات و تغییر گزینه‌ها به صورت تصادفی استفاده کنند. اگرچه ایجاد چنین ویژگی‌های پیشرفته‌ای از احتمال تقلب می‌کاهد، اما هزینه بسیار بالاتری را به سازمان‌های آموزشی تحمیل می‌کند. در کشور ما، با شیوع ویروس کرونا، سایت‌های بومی اینترنتی قالب‌های آزمون را طراحی و ارائه کردند که در آن‌ها معلم می‌تواند با پرداخت هزینه اندک، آزمون خود را در فضای مجازی برای دانش‌آموزان اجرا کند. فرم‌ساز و دیجی‌فرم نمونه‌های موفق این قالب‌های آزمون‌ساز در این دوران هستند.



آیا می‌توان از تدریس، یادگیری و

ارزیابی آنلاین خودداری کرد؟ جواب «نه» به نظر می‌رسد. کشورهای پیشرفته در زمینه آموزش، قبلاً این فنون را پذیرفته بودند. بنابراین، با شروع وضعیت بحرانی ویروس کرونا، این کشورها برای انتقال آموزش از شیوه سنتی به شیوه آنلاین، در مقایسه با ما با مشکل کمتری روبه‌رو شده‌اند. در ابتدا نبود منابع و زیرساخت‌های آموزشی باعث طولانی شدن پذیرش آموزش و ارزیابی مجازی توسط مخاطبان و معلمان شد. با ایجاد شبکه ملی آموزش دانش‌آموزی (شاد) اکنون زمان آن است که با تطبیق یادگیری و ارزیابی سنتی با فنون پیشرفته، در زمینه آموزش، یادگیری و ارزشیابی در مسیری درست حرکت کنیم.

### منابع

۱. ترشیزی، سعید (۱۳۹۶). بررسی مناظره به‌عنوان یک روش جدید آموزش اخلاق پزشکی از طریق هم‌سالان، و تأثیر آن بر نحوه استدلال اخلاقی دانشجویان علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی.
۲. رضوی عبدالحمید. مؤلفه‌های سه‌گانه ارزیابی توصیفی: بازخوردها، خودسنجی و هم‌سال‌سنجی، فصلنامه آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی). زمستان ۱۳۹۵. دوره ۹. شماره ۳۶.
۳. علیزاده، مهستی؛ مازوچیان، حسین (۲۰۱۵). آیا زمان آن نرسیده که استفاده از آزمون‌های چندگزینه‌ای محدود و یا منسوخ گردد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی ۱۵.
۴. محمدپور زرنندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سید محسن (۲۰۱۳). ارائه الگوی اجرایی خودارزیابی در سازمان‌های بزرگ. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهر.

5. van der Vleuten CPM, Schuwirth LWT, Driessen EW, Dijkstra J, Tigelaar D, Baartman LKJ, et al. A model for programmatic assessment fit for purpose. Med Teach. 2012;34(3):205-214. [PubMed] [Google Scholar]





## رویکرد تلفیقی در کلاس های تک پایه (اول تا ششم ابتدایی)

مؤلفان: سپیده ابوالحسن زاده، سمیرا احمدی مقدم، فاطمه قیطان پور  
ناشر: آلتین، تبریز  
سال نشر: ۱۳۹۸  
تعداد صفحه: ۸۸ صفحه

در عصر حاضر، استفاده از روش های تدریس گوناگون و مناسب، در مدیریت زمان کلاس های درس مؤثر و مفید و بسیار مورد تأکید دست اندر کاران نظام تعلیم و تربیت است. روش تلفیق درس ها و کتاب های آموزشی از جمله این روش هاست. امروزه موضوع تلفیق از مهم ترین مباحث در حوزه برنامه ریزی درسی شناخته شده است. با توجه به ویژگی های برنامه آموزشی در کلاس ها و محدودیت زمانی آموزگاران در ارائه محتوای برنامه درسی، به نظر می رسد حرکت به سوی برنامه درسی تلفیقی می تواند به تمامی معلمان کشور در ارائه برنامه آموزشی کمک شایان توجهی کند. برنامه درسی تلفیقی یعنی طراحی فعالیت های یادگیری به گونه ای که تجربه های مرتبط با سه حوزه شناختی، عاطفی و حسی - حرکتی را به هم ربط دهد. برنامه درسی درهمنییده (تلفیقی) یک هدیه بزرگ به معلمان باتجربه است که تدریسشان را مهیج کنند و کمک می کند افق های دور را ببینند. همچنین به دانش آموزان کمک می کند روی یادگیری خود کنترل داشته باشند.

کتاب حاضر کوشیده است با تدوین چگونگی تلفیق درس ها و کتاب های مختلف در پایه های تحصیلی دوره ابتدایی، گامی هر چند کوچک برای کمک به معلمان عزیز به منظور برنامه ریزی مناسب آموزشی و مدیریت زمان برداشته شود.



### با مجله های رشد آشنا شوید

#### مجله های دانش آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می شوند:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش آموز برای دانش آموزان پایه های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

#### مجله های دانش آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می شوند:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد جوان برای دانش آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد جوانان برای دانش آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

#### مجله های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می شوند:

رشد آموزش ابتدایی • رشد فناوری آموزشی

رشد مدرسه فردا • رشد معلم • رشد آموزش خانواده

#### مجله های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش پیش دبستانی • رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش زبان های خارجی
- رشد آموزش زیست شناسی • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه ای و کاردانش • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش هنر • رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

تلفن و شماره: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir







# نگاه دوربین





